نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال چهاردهم - شماره ۶۳۴ - یک شنبه ۵ شهریور ماه ۱۳۹۰ - ۸ صفحه - ۳۰۰ تومان

عباس پورخسروانی :
اگر تماشاگران در ورزشگاه نبودند ما هم دلگرم نمی شدیم



صفحه ۸

حمید درخشان سرمربی شاهین:
با همین روند جلو خواهیم رفت



صفحه ۳

دکتر سعید معدنی جامعه شناس و استاد دانشگاه در مصاحبه با نسیم جنوب:
اگر فکر عاجلی نشود، شاهد افزایش جرایم و انحرافات بیشتری در جامعه خواهیم بود



آیا صید و صیادی در خلیج فارس نفس های آخرش را می کشد؟



چه کسانی قذافی را به تباهی کشاندند؟



خورشید فقیه

صفحه ۳

دوگانگی و ابهام و تزویر ، باعث تضاد در روحیه نوجوانان می شود



دکتر علی پولادی

صفحه ۵

تلفیق را خطری برای موسیقی بوشهری می دانم



عبدالله مقاتلی

صفحه ۴

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۶۳۴ یکشنبه ۵ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

صفایی بوشهری: رسانه های بوشهر را دلسوز می دانم

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر در نشستی صمیمی با اهالی رسانه علاوه بر آنکه دیدگاه شماری از اهالی رسانه را شنید، در اظهاراتی رسانه های استان را دلسوز بوشهر دانست و خواستار آن شد که مسئولان نیز تحمل خود را از انتقادات بالا ببرند.

این نشست در مهدیه امام خمینی برگزار شد و به دلیل اطلاع رسانی بدون تبعیض اداره کل ارشاد بوشهر برای همه رسانه ها با استقبال مدیران، خبرنگاران و نویسندگان رسانه های استان مواجه شد.

خبرنگاران با چشم می بینند، با دل می نویسند

آیت الله صفایی بوشهری با بیان اینکه خبرنگاری از مشاغل دشوار است، گفت: خبرنگاران با چشم دیده و با دل می نویسند، با گوش می شنوند و از جان روایت می کنند، از این رو معتقدم رسانه های این استان دلسوز می باشند.

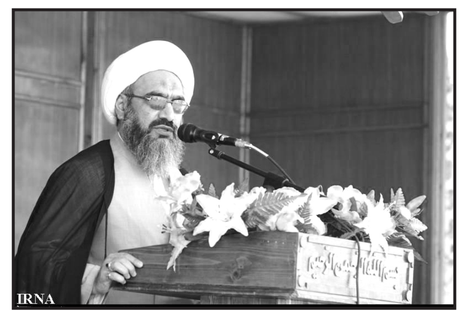
امام جمعه بوشهر ادامه داد: بوشهر هیچگاه به اندازه امروز رسانه های به این تعداد و توان نداشته و این یک موهبت است که باید به سود استان از آن بهره برد.

خبرنگاران محترم شمرده شوند

امام جمعه بوشهر گفت: مخاطرات شغل خبرنگای و دشواری آن ایجاب می کند که مسئولان به این قشر احترام گذاشته و حریم آنها را محترم بشمرند.

در بوشهر کار شده، امابر مبنای نگاه دانایی محور نبوده

نماینده ولی فقیه در استان بوشهر با بیان اینکه اکنون بوشهر به خاطر شرایط ویژه ای که دارد، محور توسعه و پیشرفت ایران می باشد، اظهار داشت: با وجودی که کارهای زیادی در استان شده، اما چون بر مبنای نگاه دانش بنیان و دانایی محور نبوده،



در هر قسمتی از استان مشکلی سرباز کرده است.

آیت ا... صفایی بوشهری گفت: مشکلات زیرساختی در استان در شرایطی می باشد که ظرفیت های بوشهر چند برابر کشورهای منطقه و حتی برخی کشورهای اروپایی است.

وی پیشنهاد کرد: راهکار خروج از این وضعیت طراحی سند چشم انداز بوشهر ۱۴۰۴ با نگاهی دانش بنیان است که ضعف و قوت ها به همراه تهدید ها دیده شود.

وی گفت: در استان بوشهر در خصوص آمایش های سرزمینی ضعیف هستیم و دیده نشدن ضعف و قوت استان باعث شده در بخش آبزیان، صنعت، تجارت و راه مشکلاتی داشته باشیم و شاهد عدم توسعه متوازن استان باشیم.

وی گفت: از توان رسانه ای استان انتظار می رود بروی توسعه بوشهر بر مبنای نگاه دانش بنیان آن هم طبق مطالعات آمایش سرزمینی که ضعف و قوت ها شناسایی شود، کار ویژه ای انجام دهند.

تشکیل دفتر مطالعات راهبردی و استراتژیک استان بوشهر با حضور نخبگان

به گزارش «خلیج فارس»، امام جمعه بوشهر در نشست صمیمی با اهالی رسانه خبر داد که قرار است به زودی دفتر مطالعات راهبردی و استراتژیک استان بوشهر تشکیل شود.

وی با بیان اینکه دو سال روی تاسیس این دفتر برنامه ریزی شده، گفت: این دفتر در مرحله اول نخبگان استان در داخل و خارج کشور، دانشجویان ممتاز و چهره هایی که می توانند در آینده مدیران لایقی برای استان باشند را شناسایی می کند و از آنها حمایت می کند تا در مسیر نخبگان قرار بگیرند، ضمن اینکه مشکلات استان را با کرسی های آزاداندیشی طرح و برای رفع آن پیشنهاداتی ارائه و پیگیری شود.

وی گفت: امیدواریم این دفتر به زودی آغاز به کار کند.

مسئولین تحمل شان را بالا ببرند

نماینده ولی فقیه در استان در بخش دیگری از سخنانش خواستار آن شد که مسئولان تحمل انتقاد خود را بالا ببرند.

آیت ا... صفایی بوشهری افزود: تعریف و تمجید چیزی به انسان اضافه نمی کند، در حالی که نقد انسان را پخته تر می کند و عیار وی را بالاتر می برد.

وی گفت: مسئولان باید نقد خبرنگاران را بال بدانند نه بار، ضمن اینکه رسانه ها نیز تلاش کنند با قلمی مهربان، دلی پاک و ذهنی شفاف به نقد بپردازند و در زمان نقد از مدیران، خود را جای آن فرد گذاشته و مشفقانه بنویسند تا گره باز شود.

مدیرکل ارشاد با رسانه ها با عدالت برخورد کند

وی همچنین با اشاره به مشکلاتی که در خصوص رسانه های استان در این جلسه مطرح شد، از مدیرکل ارشاد بوشهر خواست تا به عدالت با همه رسانه های استان برخورد کند و از اعتبارات ارشاد یا استان برای رفع تنگناهای رسانه ای تلاش نماید.

وی گفت: روز خبرنگار نیز باید در استان بزرگ داشته شود تا شان این قشر نیز حفظ شود.

مدیر روابط عمومی موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر اعلام کرد:

۱۵ شهریور آخرین مهلت پرداخت بدهی معوقه موسسات مالی

موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر در تداوم طرح سازماندهی تابلوها و سایبان ها در سطح شهر، نسبت به جمع آوری تابلوهای سر درب موسساتی که بدهی معوقه شان را نپردازند، اقدام خواهد کرد.

محسن ریشهری زاده مدیر روابط عمومی موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر ضمن اعلام این خبر با تشریح ماده ی قانونی مرتبط با نحوه ی نصب تابلو، اقلام تبلیغاتی و سایبان های واحدهای صنفی و غیر صنفی اظهار داشت: در راستای اجرای طرح ساماندهی تابلوها و سایبان ها در سطح شهر، انتظار داریم مدیران محترم بانک ها و موسسات مالی نسبت به تسریع در پرداخت بدهی معوقه مربوط به نصب تابلوهای سر درب اقدام نمایند.

وی در ادامه افزود: ضمن سپاس از همراهی اصناف و کسبه در این راستا، بی تردید تعامل و همراهی مدیران محترم موسسات مالی نیز به مسئولان در زیباسازی شهر، یاری خواهد رساند و شرایط مطلوبی برای اجرای ایده های بهتر و ایجاد چشم اندازهای زیبا و با نشاط در سطح شهر مهیا خواهد کرد.

ریشهری زاده با توجه به زمان تعیین شده برای پرداخت بدهی موسسات مالی و بانک ها، تاکید کرد: با در نظر گرفتن اخطاریه های صادر شده و با توجه به ماده ۹۲ قانون شهرداری ها، در صورت عدم پرداخت بدهی ها تا تاریخ ۱۵ شهریور ماه سال جاری، موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر رأسا نسبت به جمع آوری تابلوهای سردرب این موسسات مالی اقدام خواهد کرد.

بازپس گیری زمین‌های پارک سیادت از اداره بنادر و کشتیرانی

با رفع تصرف از این زمین که در تصرف غیر قانونی اداره بنادر و کشتیرانی بود زمینه برای توسعه پارک سیادت و باند دوم خیابان ساحلی فراهم شد. حسب دستور قضایی، فنس ضلع غربی این اداره توسط شهرداری به دیوار قدیم آن منتقل گردید. به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر، فنس ضلع غربی اداره بنادر و کشتیرانی بندر بوشهر که حدود صد متر مربع از زمین‌های شهرداری را اشغال کرده بود به دستور دادگستری و با حضور ماموران کلانتری مصلی ، توسط پرسنل واحد تاسیسات شهرداری به جایگاه قانونی خود منتقل گردید. پیش از این شهرداری و دادگستری بندر بوشهر در چندین نوبت و با صدور حکم قانونی از مسئولان آن اداره خواسته بودند که مطابق با مدارک و مستندات و با توجه به اظهار نظر قطعی کارشناسان قضایی و دوایر حقوقی، نسبت به رفع تصرف از این زمین‌ها که مالکیت آن با شهرداری بندر بوشهر بوده و جهت توسعه پارک عمومی سیادت و باند دوم خیابان ساحلی در نظر گرفته شده است اقدام نماید. با این وجود متأسفانه اداره مذکور از انجام این امر استنکاف ورزید. در نتیجه مقام قضایی حکم به تخلیه قهری و رفع تصرف از این بخش از زمین های شهرداری را صادر نمود که در روز مذکور و با همکاری نیروی انتظامی و بدون وارد آمدن هیچگونه خسارت به طرفین، این امر توسط پرسنل شهرداری انجام پذیرفت.

نشست تنی چند از فعالین مطبوعات با شهردار بندر بوشهر

شهردار بوشهر : خاک بوشهر ذات فرهنگی دارد



در پی دیدار فعالین و روزنامه نگاران استان با امام جمعه و نماینده محترم ولی فقیه در استان حضرت آیت الله صفایی بوشهر، تنی چند از روزنامه نگاران با شهردار مرکز استان دیدار و گفتگو کردند.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر در این دیدار ابتدا چند از مدیران مسئول و روزنامه نگاران استان با تشریح وضعیت فعلی مطبوعات و رسانه های استان به بروز مشکلات مالی برای مطبوعات و هفته نامه های استان اشاره کردند و خواستار مساعدت و توجه بیشتر شهرداری جهت تقویت کلیه رسانه های و مطبوعات استان شدند.

در ادامه این دیدار شهردار بندر بوشهر با اشاره به استقامت تاریخی و فرهنگی و حضور و فعالیت هنرمندان ، شعرا و نویسندگان و روزنامه نگاران پرشمار و نامی در تاریخ بندر بوشهر افزود : این بندر با داشتن سابقه تاریخی و فرهنگی اش ، آنچنان جاذبه و جذابیت فرهنگی در ذرات خاکش نهفته که همه شهروندان و اهالی اش را با مقوله فرهنگ دمخور و آشنا نموده است.

شهردار بندر بوشهر با اشاره به سابقه درخشان روزنامه نگاری در استان بوشهر اظهار داشت:روحیه و منش اصلی مردم شهر بوشهر فرهنگی است و افرادی نیز که در طول تاریخ به عنوان تاجر و بازرگان در بوشهر حضور داشته اند غیر بومیانی بوده اند که فضا را جهت تلاش فرهنگی بوشهری های اصیل ایجاد کرده اند.

توسلی با اشاره به نقش مهم مطبوعات در جوامع افزود: مطبوعات در بوشهر که زمانی دروازه ورود اولین دستاوردهای جهان نوین بوده است نقش مهمی در جامعه دارند و باید از این رکن مهم توسعه شهری و ارتقای سطح دانش شهروندان حمایت کرد.

در ادامه این دیدار مقرر شد جهت کمک به هفته نامه های شهر بوشهر و همچنین افزایش سرانه مطالعه شهروندان ،شهرداری از هفته نامه های فعال شهر بوشهر هر شماره تعداد قابل توجهی را خریداری و در اماکن و وسایل حمل و نقل عمومی توزیع نماید.

مدیرعامل ستاد دیه بوشهر:

این ستاد بیش ازیک هزار زندانی را آزاد کرد



مدیرعامل ستاد دیه استان بوشهر گفت: از زمان آغاز فعالیت این ستاد تاکنون که ده سال می گذرد یکهزار و ۳۴۵ زندانی جرایم غیرعمد از زندانهای این استان آزاد و به آغوش خانواده های خود برگشته اند.

اکبر محبی در جشن گلریزان آزادی زندانیان جرائم غیرعمد در شهرستان دیلم افزود: هم اینک ۱۹۳ زندانی با محکومیت جرایم غیرعمد در استان بوشهر که عمده محکومیت آنان در ارتباط با تصادف،صدورچک بلامحل، مهریه و نفقه می باشد وجوددارد و این تعداد در مجموع به ۱۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان پرداخت دیه محکوم شده اند.

به گزارس ایرنا وی اظهارداشت: پارسال این ستاد با همکاری و مساعدت های مالی دولت، خیران ، مسوولان، گذشت شاکیان و پرداخت وام به مبلغ بیش از ۲۷ میلیاردریال موفق به آزادی ۱۴۹ زندانی جرایم غیرعمد شد.

مدیرعامل ستاددیه استان بوشهر تاکیدکرد که مشارکت خانواده ها، فرهنگیان و روحانیون برای فعالیت های فرهنگی و اطلاع رسانی به منظور کاهش جرایم غیر عمد اثرگذار است.

فرماندارشهرستان دیلم هم طلاق های زودهنگام با مهریه های سنگین، آشنابودن رانندگان با قوانین و مقررات راهنمایی ورانندگی را که باعث تصادف می شود از عوامل افزایش تعداد زندانیان جرایم غیر عمد عنوان کرد.

ماشاالله احمدی افزود: آموزش و تربیت صحیح فرزندان توسط اولیا وخانواده ها، مشاوره قبل از ازدواج و فرهنگ سازی مناسب برای استفاده بهینه از وسایط نقلیه نقش اثرگذاری در کاهش جرایم غیرعمد دارد.

امام جمعه موقت دیلم هم گفت: کمک به نیازمندان و در راه ماندگان باعث سعادت و رستگاری انسانها می شود.

حجت الاسلام شیخ محمد گله گیری افزود: انفاق در راه خدا باعث پایداری و افزایش اموال در دارایی انسانهایی می شود که کارهای نیک و به نیازمندان مساعدت می کنند.

دراین آیین مردم نیکوکار ونوعدوست شهرستان دیلم در شمال استان بوشهر بیش از ۵۰ میلیون ریال به ستاددیه برای آزادی زندانیان جرایم غیرعمد کمک کردند.

در شورای شهر بوشهر چه گذشت؟

ابهام در بدهی پیمانکار متواری شده شهرداری بوشهر

با گذشت بیش از ۲ سال از متواری شدن پیمانکاران خدمات شهری شهرداری بوشهر، به عقیده اعضای شورای شهر، سرنوشت بدهی های وی و ۲ ماه حقوق عقب مانده کارگران در زمان او در هاله ای از ابهام است. به گزارش خبرگزاری خلیج فارس؛ در جلسه اخیر شورای شهر بوشهر انتقاد نصرالله اسدی عضو سه دوره شورا از مشکلات مالی نیروهای خدمات شهری، بار دیگر پرونده آقای نیکو مدیرعامل شرکت کیان ساحل جنوب که پیمانکار بخش خدمات شهری شهرداری بود زنده کرد.

وی مهرماه سال ۸۸ و در زمان شهرداری مهندس رجایی ناگهان غیب شد و همزمنان خبر رسید که ضمانت نامه ۳۰۰ میلیون تومانی وی نیز از شهرداری غیب شده است. هرچند گروه حقیقت یاب شورا در گزارش خود بخش بایگانی و ذیحسابی شهرداری را مقصر این ماجرا دانست و بخش مالی را نیز در خصوص نحوه پرداخت به پیمانکار که دست کارگران را از پول شان خالی نگاه می داشت در این ماجرا متهم کرد، با این وجود از شهرداری خبری برای برخورد با خاطیان نرسید. البته چند ماه بعد نیز منابع غیر رسمی خبر دادند که پیمانکار غیب شده در کشور هلند ردیابی شده است.

تکلیف ۲ ماه طلب کارگران روشن نشد

اسدی عضو شورا می گوید: در حالی که هنوز نمی دانیم سرنوشت چک ۳۰۰ میلیون تومانی پیمانکار خدمات شهری که به عنوان ضمانت نزد شهرداری مانده بود چه شده، ۲ ماه حقوق کارگران نیز در زمان فعالیت وی پرداخت نشده است.

وی افزود: اینکه بگویم کارگران زیرمجموعه بخش خصوصی هستند و آنها را به اداره کار بفرستیم، برای این قشر پذیرفتنی نیست و آنها نیز مانند خیلی از ما شهرداری را در این ماجرا می بینند؛ طوری که اگر آن چک ضمانتی مانده بود، حالا غصه دار غیب شدن پیمانکار نبودیم.



وی گفت: با این حساب، گارگرانی که دریافتی شان از شهرداری ۳۷۵ هزارتومان است و از ساعت ۴ صبح حرکت می کند تا سر موقع در بوشهر باشند، ۲ ماه از حقوق شان که برای شرکت قبلی کار کرده اند را طلب دارند و ادامه این وضعیت و ارجاع آنها به اداره کار عادلانه نیست. وی گفت: کارگران خدمات شهری شهرداری اگرچه طرف شرکت هستند، اما انسان هستند و درست نیست حالا که دریافتی آنها از شهرداری ماهانه فقط ۳۷۵ هزارتومان است، طلب ۲ ماهه شان نیز در پیچ و خم غیب شدن پیمانکار و ضمانت نامه بانکی وی، بسوزد.

کارگران شهرداری واجب تر از مردم سومالی هستند

در همین حال عضو دیگر شورای شهر بوشهر نیز خواستار برنامه ریزی شهرداری برای پرداخت طلب ۲ ماهه کارگران شاغل در شرکت پیمانکار سابق شد.

غلامرضا قادریان با اشاره به نامه ای که در صحن علنی شورا برای کمک به مردم قحطی زده سومالی قرائت شد، گفت: با توصیفی که آقای اسدی کردند، به نظرم کمک به کارگران شهرداری از مردم سومالی واجب تر است.

منتظر لایحه شهرداری برای تعیین تکلیف حقوق ۲ ماهه کارگران هستیم

در همین حال ریس شورای شهر بوشهر نیز گفت: بابت ۲ ماه حقوق کارگران شهرداری که از شرکت نیکو طلب کار هستند، منتظر لایحه شهرداری هستیم.

اردشیر محمدی باغملایی گفت: شهردار هم نظرش این بود که ۲ ماه طلب این کارگران پرداخت شود و آن وقت بجای اینکه این قشر طرف ماجرای پیمانکار فراری باشد، شهرداری موضوع را پیگیری کند تا هر وقت مالی و اموالی از وی پیدا و مصادره شد، حق خود را برداشت کند، اما هنوز لایحه آن را به شورا نیاورده است.

بانک سپه حق ندارد ضمانت نامه نیکو را نگهداری کند

امان ا... شجاعی عضو دیگر شورای شهر بوشهر اما نگاه انتقادآمیزتری به ماجرای غیبت پیمانکار خدمات شهری شهرداری دارد. شجاعی می گوید: ماجرای آقای نیکو دو وجه دارد؛ یعنی علاوه بر فرار این پیمانکار، یک کار غلط اندر غلطی هم در شهرداری صورت گرفت و وقتی پرونده وی را به دستش دادند، او نیز ضمانت نامه بانکی اش را برداشته و دست شهرداری را در حنا گذاشت.

وی افزود: از طرفی بانک سپه نیز برخلاف قانون این ضمانت نامه را نزد خود نگاه داشت، در حالی که امضای پشت آن ناشناس و حاوی مهر باطله است.

وی خاطرنشان کرد: بانک حق نداشت این ضمانت نامه ۳۰۰ میلیون تومانی را نگهداری کند، اما نمی دانم رفاقت یا مسئله دیگری پشت ماجراست که این کار هنوز ادامه دارد.

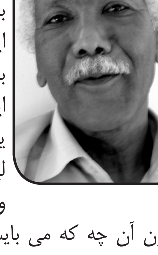
شوخی غیرمودبانه شهرداری با شورا

امان الله شجاعی در ادامه به پاسخ های شهرداری در خصوص سوالات اعضای شورا درباره مفقود شدن ضمانت نامه بانکی و ماجرای طلب کارگران از پیمانکار اشاره کرد و گفت: همانند گذشته می گویم اینکه شهرداری پاسخ داد با گرفتن چند دستگاه ماشین آلات از شرکت نیکو، هیچ بدهی ای از وی نداریم، یک شوخی غیرمودبانه بود که شان شورا را نیز رعایت نکردند.

وی افزود: شهرداری باید آن ضمانت نامه ۳۰۰ میلیونی را نزد خود نگهداری می کرد یا همین میزان از وی پول در اختیار می داشت تا آنگاه چنین ادعایی کند، نه اینکه به صرف گرفتن چند دستگاه ماشین، این پاسخ را به شورا دهد که اصلا قانع کننده نبود و اکنون می بینیم که کارگران وی ۲ ماه حقوق طلب دارند.

چه کسانی قذافی را به تباهی کشاندند؟

خورشید فقیه



پس از سقوط حاکمیت خودکامه ومطلقه ی بن علی و مبارک و فرار به ظاهر معالجاتی دیکتاتور یمن و ایجاد تزلزل جدی در ارکان حکومت بشار اسد سوری و سلطان بحرین، اینک شاهد سرنگونی هیمنه و یکه تازی ۴۲ ساله ی معمر قذافی لیبیایی هستیم. ولی به راستی چرا وچگونه این چنین شد و می شود !؟

تاکنون آن چه که می بایست در باره ی نحوه ی زوال آن حاکمان بدانیم، از طریق رسانه های مختلف خبری وتحلیلی جهان دانسته ایم وشاید نیازی به تکرار آن نباشد، اما موضوعی که بنظر میرسد در لابلای پرداختن به چگونگی عاقبت کار این بدعاقبتان تاریخ ، کمرنگ جلوه نموده است ، نقش و اهمیت اصلی وتعیین کننده ی اطرافیان ونزدیکان آن حاکمان در سرگونی وعاقبت نامیمون آنهاست. نقشی فریبنده واغفال کننده که بدون تردید ،همین سرنوشت را برای دیگر مستبدان موجود در جهان، رقم خواهد زد.

قذافی نگون بخت ، وقتی که در یک کودتای نظامی، وآن هم پس از شکست خفت بار اعراب از اسرائیل در جنگ شش روزه ی سال ۱۹۶۸میلادی، حکومت لیبی را از چنگ ملک ادریس پادشاه متمایل به غرب آن کشور به درآورد ،قهرمانی جلوه نمود که نه تنها باعث غرور وامیدواری مردم لیبی ودنیای عرب بلکه بسیاری ازاستعمار ستیزان و انقلابیون ضد غربی آن روزگاران گردید. ولی ازهمان سال های خوشِ به قدرت رسیدن بود که نطفه ی این روزهای ناخوشایند نیز بسته شد وطی ۴۲ سال به مرحله ی رشد وبلوغ رسید. شعارهای تند وتیز وانقلابی وتلاش های به هرگونه ای اودر به دست گرفتن رهبری جهان عرب پس از مرگ جمال عبدالناصر مصری که با نیت تحکیم جبهه ی ضد اسرائیلی وضد غربی وبمنظور انتقام گرفتن از شکست های اعراب وآزادی سرزمین فلسطین انجام میگرفت، از وی بتی ساخت که افراد و گروه های عمدتا انقلابی زیادی از گوشه و کنار جهان را به ستایش و پرستش ازخود واداشت. و درهمان بحبوحه بود که ذخایر نفتی عظیم این سرزمین وسیع اما کم جمعیت هم یکی پس از دیگری به بهره برداری رسید و بر قدرت سیاسی واقتصادی او افزود.

اما جهان وبه ویژه منطقه خاورمیانه نیز ، دستخوش تغییر وتحولات تدریجی وبنیادینی بود. به همین علت، دیدیم که چند سالی بعد، جهان به سرعت از شعارها و رفتارهای رادیکالی قذافی فاصله گرفت . مصرِ پیشگام و رهبری کننده در مبارزات ضد امپریالیستی – صهیونیستی اعراب ، بامرگ عبدالناصر و قدرت گرفتن جانشینانش، در ردیف متحدین قدرت های غربی بخصوص آمریکا قرارگرفت و خواستار ترک مخاصمه با اسرائیل شد، حکومت شوروی– تکیه گاه کشورهای انقلابی جهان سوم– پس ازهفتاد سال سکانداری بخش های بزرگی ازجهان ، از هم پاشید، بیشتر فلسطینیانِ نا امید از پیروزی بر اسرائیل ودست یابی به سرزمین های موردِ ادعایشان ، پشت میز مذاکره ی صلح با دشمن دیرینه ی خود نشستند ، و خلاصه اینکه نه تنها روز به روز از جذابیت شعارهای قذافی کاسته شد بلکه برخی عملیات به ظاهر انقلابی قذافی نظیر انفجار در هواپیمای مسافربری آمریکا و همراهی و مساعدت به گروه های رادیکالی ضدغربی وسرمایه داری که دورانشان تقریبا بسر آمده بود، هم اورا تبدیل به شخصیتی ماجراجو و نفرت انگیز درافکارعمومی جهان نمود وهم اینکه وی را با چالشها وفشارهای مختلف بین المللی مواجه کرد و او و حکومتش به انزوا کشیده شدند.

ولی با همه ی آنچه که اتفاق افتاد ، این ها تنها عامل سرنگونی حکومت ۴۲ساله ی قذافی نبود. رشد نسبتا خوب اقتصادی لیبی که در سایه ی ارز آوری های نفتی صورت میگرفت ، همراه با رشد اقتصاد سرمایه داری در آن کشور ، اقشار متوسطی نیز در سرزمین به شدت قبیله ای وعشیره ای لیبی به ظهور رسید که نه تنها باعث ایجاد اختلال و فروپاشی درساختارهای سنتی آن کشور شد بلکه فرهنگ واقتضائات ونیازهای اجتماعی تازه ای را به ظهور رسانید. نوکیسه ها و زراندوزان جدید که بیشتر بر گرد حاکم و در مجموعه ی حاکمیت قرار میگرفتند و بیشترین بهره را از این رشد اقتصادی و دگرگونی اجتماعی میبردند و وجود خود را وابسته به وجود و ذات قذافی می پنداشتند، از بت و قهرمان ضد غربی و انقلابی پیشین، صنم دیگری برای پاسداری از دست آوردهای اقتصادی وسیاسی موجود خود ساختند وبا زور وضرب تبلیغات و مقدس نمایی ها و ایجاد زمینه های رعب و وحشت در جامعه ی شدیدا تحت سیطره ی نهادهای پلیسی وامنیتی ، مردم خود را وادار به پرستش و اطاعت بی چون چرا از او نمودند، آن هم در همان چهارچوب های سنتی و روستایی کهنه ای که عمرش رو به پایان گذاشته بود.غافل از اینکه چنین راهکارهای تاریخ گذشته ،دیگر بین مردمی که در هوای یک کاسه شدن کره زمین زندگی میکنند و به یاری انقلاب رسانه ای و مناسبات و روابط جدیدی که بر جامعه حاکم شده است و تابع طبیعی نیازهای تازه است، بی تاثیر و ناکارآمد بوده و ضد ارزش به حساب می آید. آن ها انگار نمیدانستند که تکیه بر جنبه های ضد غربی قذافی بمنظور مهار و مطیع نمودن مردمی که به شدت متاثر از جاذبه های فریبنده و نوین غربی شده اند ، دیگر کارآمدی خود را ازدست داده است، همان گونه که شنیدن شعارهای حمایت ازمردم فلسطین ونابودی اسرائیل اونیز برای توده هایی که شاهد تلاش بخش های بزرگی ازخود فلسطینیان برای سازش با اسرائیلیان میباشند، نوعی عوامفریبی محسوب میشد، آن هم از سوی فردی که برای حق و حقوق انسانی و شهروندی هموطنان خود پشیزی ارزش قائل نبود و آزادی های مشروع و قانونی آنان را به رسمیت نمی شناخت.

رفتار اطرافیان وبت سازان قذافی ، شبیه همان رفتارهایی بود که از اطرافیان هر حاکم خودکامه ای میتوان سراغ گرفت. این نوع از حاکمان که میشودآنان را در زمره ی انسان های متوهم و خود شیفته قرار داد، یکی به علت خصلت مستبدانه شان و دیگری اغوای مکرر عقل کل پنداری آنان توسط اطرافیان متملق و چاپلوس حرفه ای، تمامی رفتارهای خود را نیکو تصور میکنند و در سایه ی این رفتارهای نیکو، همه ی امور را خوب و بر وفق مراد می پندارند و ملت هایشان را راضی و خشنود وخوشبخت. به همین خاطر هیچ عیب و ایرادی را بر خود باور نمیدارند و هر منتقد و عیب گویی را ولو آن که از دوستانشان باشد، دشمن تصور نموده و با شدیدترین وجهی با او برخورد میکنند . نتیجه ی چنین خصوصیتی این میشود که هیچیک از اطرافیان وی نیز هیچ سخن وعقیده ای که ناخوشایند وی باشد بر زبان نمی آورند و بنوعی وی را در گمراهی خویش رها میکنند تا زمانی که او ناباورانه متوجه قیام مردم بخاطر سرنگون ساختنش میگردد. نقل استِ که یکروز محمد رضا شاه پهلوی ، ازیکی ازنزدیکان ظاهرا رکُ گوی خود میپرسد: " چه فرقی است میان من وپدرم رضا شاه؟ " آن فرد جواب میدهد : " کسی جرات نمیکرد به او دروغ بگوید، ولی به شما کسی جرات راست گفتن را ندارد " . واین واقعیتی از یک حاکم خود مطلق پنداری بود که قربانی خصوصیت فردی خود و دروغها و وارونه نمایی های دلخوشکنک اطرافیان متملقی شد که منافع خود را در گرو ادامه ی چنین رفتاری هایی میدانستند. وحالا حکایت قذافی است واین روزگار سیاهی که بر او نازل شده است.

پاسخ یونس قیصی زاده رییس خانه مطبوعات محلی بوشهر به اظهارات سرپرست کیهان:

پرونده سازی ناشیانه در نشست اهالی رسانه با آیت ا... صفایی

اهالی رسانه به مناسبت روز خبرنگار در نشستی با آیت ا... غلامعلی صفایی بوشهری حضور یافتند تا در کنار طرح مشکلاتی که در حوزه رسانه فعالیت آنها را با خلل مواجه ساخته، از نماینده ولی فقیه در استان درخواست کنند تا برای برون رفت از آن ارائه طریق کند.

این نشست از آن حیث که اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر به عنوان هماهنگ کننده، رویه چند ساله اش در دوران مدیریت آقای شفیعی را وا نهاده و از همه اهالی رسانه با گرایش های متفاوت برای چنین جلسه ای دعوت کرده؛ امری مبارک و میمون بود.

اما این نشست با انتقاد صریح اسکندر احمدنیا از اعضای خانه مطبوعات محلی در خصوص غیرقانونی بودن روند تشکیل خانه مطبوعات دوم و پاسخ علی نجفی رییس این تشکل و سرپرست روزنامه کیهان در بوشهر که به سبک مدیر روزنامه ای که در بوشهر سرپرستی آن را عهده دار است، با برچسب هایی نظیر "منافق"، "ارتباط رسانه های مستقل با بیگانه" و "ارائه مدرک از این ارتباط" همراه بود. در این بین قاسمی سرپرست روزنامه حمایت در بوشهر و مجری این نشست نیز که نام نجفی را با وجود آنکه اولین ثبت نام کننده بود، به عنوان آخرین سخنران گذاشت تا با فراغ بال اتهاماتش را بیان کند، اجازه نداد که احمدنیا که جزو آخرین ثبت نام کننده ها بود ولی سخنرانی اش قبل از نجفی تعیین کرد، به ارائه توضیح بپردازد.

با توجه به اظهارات علی نجفی رییس خانه مطبوعات دولتی بوشهر در این نشست در خصوص خانه مطبوعات محلی و رسانه های مستقل استان، آنچه در زیر از نظر گرامیتان می گذرد، گفتگوی خبرگزاری «خلیج فارس» با یونس قیصی زاده رییس خانه مطبوعات محلی استان بوشهر است:

– در جریان امام جمعه بوشهر با اهالی رسانه، نجفی رییس خانه مطبوعات دولتی و نماینده روزنامه کیهان در بوشهر، به صراحت روزنامه نگاران نشریات مستقل را به ارتباط با ضد انقلاب، منافق و حرکت با استکبار جهانی متهم کرد. آیا واقعا روزنامه نگاران نشریات مستقل بوشهر اینگونه اند که نماینده روزنامه کیهان در بوشهر می گوید؟

– حقیقت مطلب این که طرح چنین اتهامی در ماه مبارک رمضان به بهترین روزنامه نگاران بوشهر، ظلمی آشکار و پرونده سازی ناشیانه است. روزنامه نگاران مستقل بوشهر، از دلسوزترین افراد جامعه برای کشور و استان بوشهر هستند و سابقه رزمندگی و ایثارگری آنها نشان می دهد که در راه اهداف انقلاب اسلامی، بسیار بیشتر از مدعیان امروزی از خودگذشتگی و جانفشانی کرده اند. زمانی که نیاز به دفاع از کشور وجود داشت، عافیت طلبی نکردند و در جبهه حماسه سرایی کردند و بعد از جنگ هم در جبهه فرهنگی حاضر شدند. برخلاف جریانی که در هنگامه نبرد، عافیت طلبی را برگزید و در زمان صلح، سهم خواهی. روزنامه نگارانی همانند حسن لاوری، رضا معتمد، اکبر صابری و ... امروز از افتخارات استان در میدان نبرد و دفاع مقدس هستند و ایثار، جانبازی و حضورشان در میدان جنگ نشان از علاقه به میهن دارد و این انگ ها به آنها نمی چسبد.

– اما نماینده روزنامه کیهان در بوشهر می گوید که ما مدارک و مستنداتی داریم و کسانی که امروز ادعا می کنید منافق نیستیم، بدانید که شما همگام با دنیای استکبار حرکت می کنید.

– با فشاری که روی مطبوعات مستقل بوشهر است، اگر تا کنون از مدیران مسئول این نشریات مدرکی دال بر وابستگی به ضد انقلاب به دست امثال آقای نجفی می رسید، دمار از روزگار آنها درآورده بودند! ضمن اینکه نمی دانم از چه زمان وظیفه سرپرست کیهان در استانها جمع آوری مدرک علیه روزنامه نگاران مستقل شده است. از طرفی این حرفها زیر سوال بردن نهادهای مسئول است که با وجود وظایفی که عهده دار می باشند، به زعم آقای نجفی، از ارتباطات این طیف از رسانه های بوشهر با بیگانگان بی خبرند، اما سرپرست کیهان مستنداتی در این خصوص هم دارد.

– سرپرست نمایندگی کیهان در بوشهر در سخنانش دعوت از یوسفی اشکوری و عباس عبدی برای سخنرانی در بوشهر را هم به عنوان نشانه هایی از ضد انقلاب بودن نشریات مستقل عنوان کرده است. دعوت از فعالان سیاسی با مجوز رسمی می تواند مصداق این مطلب باشد؟

– همان طور که شما هم اشاره کردید، رسانه های میزبان چهره های سیاسی و فرهنگی در ۱۰، ۱۲ سال پیش، برای برگزاری سخنرانی این افراد اطلاعیه و دعوت نامه زده اند. علاوه بر این جلسه سخنرانی آنها به طور علنی برگزار شد و متن کامل آن را نیز نشریات منتشر کردند، بنابراین سخنرانی هایی این اندازه علنی، مدارک و مستندات سری نیستند که تنها این آقایان از آنها مطلع باشند. ضمن اینکه کلیه این سخنرانی ها با هماهنگی و مجوز قانونی در آن زمان برگزار شد و کار خلاف قانونی نکردیم که بخواهند از آن برایمان پرونده سازی کنند. افرادی همانند عباس عبدی و ... از روزنامه نگاران سرشناس کشورند که در زمان کنونی که مدیریت کشور دست طیف منتصب به اصولگراست، مقالات شان در روزنامه های سراسری به چاپ می رسد و اطلاع از نقطه نظر آنها مزیتی محسوب می شود.

در زمان اصلاحات دهها چهره سیاسی از



جمله آقایان اشکوری، عباس عبدی، شمس الواعظین، جلایی پور، علیرضا رجایی، مزروعی، تاج زاده، رمضان زاده، سحرخیز و... به بوشهر دعوت شدند و سخنرانی کردند. اتفاقا خیلی از همین ها آن زمان در کشور مسئولیت اجرایی داشتند و توسط اداره ارشاد و استانداری هم دعوت شدند. آیا باید همه اینها را به عنوان پرونده سازی علیه مخالفان سیاسی شان علم کنند؟ بنابراین سخنرانی افرادی همانند عبدی یا اشکوری در آن زمان در بوشهر کاملا قانونی بوده و این نوع پرونده سازی ها دیگر کهنه شده است.

ضمن اینکه دوستان هم رای سرپرست کیهان در بوشهر باید در اینگونه پرونده سازی ها حواسشان باشد که ممکن است خودشان در چاهی که برای دیگران حفر کرده اند بیفتند. به عنوان مثال ممکن است چند صباحی دیگر برای دست بوسان آقای مشایی که خدمت ایشان ارادت تام دارند، پرونده درست کنند که در خدمت جریان موسوم به انحرافی بوده اند و با این عنوان کنارشان بزنند، در حالی که مشایی اکنون همه کاره ریاست جمهوری بوده و هست و دست به سینه بودن در برابر ایشان نباید گناه باشد.

– نماینده کیهان در بوشهر از مدرکی در ارتباط با نامه روزنامه نگاران مستقل به شیرین عبادی هم سخن گفت. واقعیت این ماجرا چیست؟

– دست یابی به اطلاعیه ای که با امضای دهها نفر از روزنامه نگاران در مطبوعات بوشهر به چاپ رسیده که هنر نمی باشد. جریان از این قرار است که در زمان انتخاب شیرین عبادی به عنوان برنده جایزه صلح نوبل، شخصیت های کشوری و دولتی از جمله رییس جمهور وقت به ایشان تبریک گفتند. در بوشهر نیز دهها روزنامه نگار با چاپ اطلاعیه ای در نشریات این شهر، این افتخار جهانی را به ایشان تبریک گفتند. آقایان طوری وانمود می کنند انگار به مدارک طبقه بندی شده و فوق محرمانه ای دسترسی دارند. این گونه نامه ها به وفور در مطبوعات بوشهر یافت می شود و نیازی به بزرگ نمایی ندارد.

– نماینده کیهان در این نشست گفت که بسیاری از مطالبی که امروزه توسط بخشی از رسانه های بوشهر در سایت های شان منتشر می شود، همان شب در رادیو ها و شبکه های تلویزیونی منافقین و ضد انقلاب منعکس می گردد و آن را سندی دال بر ارتباط با بیگانگان دانست.

– اگر این را بخواهیم نشانه وابستگی به رادیوها و شبکه های تلویزیونی بیگانه بدانیم که کیهان بر همه ارجحیت دارد برای اینکه به طور مرتب مطالبش توسط این رسانه ها انعکاس می یابد. ضمن اینکه به دلیل نبود خبرنگار و دفتر رسانه های خارجی نظیر بی بی سی و دیگر شبکه های خبری در ایران، بیشتر خبرهای آنها از درون کشور برگرفته از صدا و سیمای ایران و روزنامه هاست. یعنی به همین سادگی همه اینها به استکبار جهانی وصل شده و باید تعطیل شوند؟

– سرپرست نمایندگی کیهان در بوشهر درباره **خانه مطبوعات محلی بوشهر گفته ومدعی شد که شما تمایل داشته اید اساسنامه وزارت ارشاد را اجرایی کنید، اما دوستان تان مانع از این کار شدند. نظر شما در این باره چیست؟**

– احتمالا ایشان به درستی در جریان آنچه بین خانه مطبوعات محلی بوشهر و آقای شفیعی مدیرکل سابق ارشاد گذشته، نیستند وگرنه چنین سخنان کذبی با دهان روزه بر زبان نمی آورد.

اصل مخالفت ما با خانه مطبوعات دولتی ارشاد به اساسنامه این خانه باز می گردد. از جمله اینکه بر اساس بند ۴ ماده ۳۶ فصل پنجم اساسنامه خانه مطبوعات دولتی، تنها کسانی می توانند عضو این خانه شوند که در مطبوعات و خبرگزاری ها، شاغل رسمی باشند. شاغل هم تعریف خاص خود را دارد و باید حقوق بگیر رسمی آنجا باشد و بیمه اش توسط مطبوعات و خبرگزاری ها پرداخت شود. دقیقا بر اساس این بند از اساسنامه افرادی که به عنوان خبرنگار، نویسنده و یا مترجم به طور افتخاری با یکی از مطبوعات همکاری دارند، تنها می توانند عضو افتخاری باشند که حق رای ندارند و نمی توانند در هیئت مدیره انتخاب شوند. این یکی از مهمترین اختلافات بین ما و وزارت ارشاد بود چون معتقد بودیم اکثر روزنامه نگاران و خبرنگاران مطبوعات بوشهرکه به صورت پاره وقت و یا افتخاری با نشریات همکاری دارند، با این بند نمی توانستند به عضویت خانه مطبوعات دولتی درآیند.

– آیا همین اساسنامه برای خانه مطبوعات دوم عینا اجرا شده است؟

– براساس بررسی بنده خیر. اعضای هیئت مدیره خانه مطبوعات دولتی بوشهر و اکثر اعضایش هم بر اساس همین بند اساسنامه، حضورشان در این خانه مطبوعات دولتی غیر قانونی است، چون شغل اصلی شان روزنامه نگاری نیست و بیمه شان از این راه پرداخت نمی شود. به عنوان مثال خود آقای نجفی در جلسه دیدار با امام جمعه بوشهر گفتند که در حال حاضر هیچکدام از همکاران روزنامه کیهان توسط این موسسه بیمه نشده اند. بنابراین به عنوان مثال از خود روزنامه کیهان در بوشهر هم کسی نمی تواند عضو خانه مطبوعات دولتی باشد و حضورشان غیر قانونی است. ما این اشکال را به آقای شفیعی کتبا اعلام کردیم و گفتیم با این بند اساسنامه شاید تنها حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر بتوانند به عضویت رسمی خانه مطبوعات دولتی درآیند.

آقای شفیعی این موضوع را با معاون وقت وزارت ارشاد مطرح کرد و به نقل از آقای شفیعی ایشان فرموده بودند این اساسنامه برای همه کشور است و همین است که هست و با ۳۰ الی ۴۰ نفر باید خانه مطبوعات دولتی در بوشهر تشکیل شود. بعد هم همین پاسخ را در مجمع خانه مطبوعات محلی بوشهر مطرح کردیم و درباره آن رای گیری شد. طبیعی بود که اعضای مجمع خانه مطبوعات محلی به طرحی که باعث اخراج آنها از این تشکل صنفی و عدم تاثیر شان در تصمیم گیری ها می شد، رای ندهند و این طرح رای نیاورد. بنابراین عدم قبول اساسنامه وزارت ارشاد برای خانه مطبوعات دولتی از سوی مجمع روزنامه نگاران بود و نه تصمیم من و یا اعضای شورای مرکزی خانه مطبوعات محلی.

– پس چگونه آقای شفیعی، مدیرکل وقت ارشاد بوشهر، خانه مطبوعات دوم را تشکیل داد.

– آقای شفیعی در تشکیل خانه مطبوعات دولتی دقیقا اساسنامه وزارت ارشاد را زیر پا گذاشت و با دعوت از کسانی که شغل رسمی شان روزنامه نگاری و خبرنگاری نبود، اقدام به جمع آوری نفرات برای تشکیل مجمع عمومی نمود. ایشان اگر می خواست به اساسنامه وزارت ارشاد عمل کند، با توجه به اینکه اکثر همان ۳۰ الی ۴۰ نفری هم که توسط مطبوعات بیمه شده بودند، عضو خانه مطبوعات اول هستند، تعداد روزنامه نگارانی که می توانستند در آن مجمع حق رای داشته باشند به انگشتان دست نمی رسید.

شما به ترکیب شرکت کنندگان در آن مجمع و خروجی آن نگاه کنید. اکثرا کارمند آموزش و پرورش و دیگر ادارات دولتی هستند که بر اساس اساسنامه خانه مطبوعات دولتی حق رای نداشتند که بعد هم بخواهند برای هیئت مدیره رای بیاورند. خود آقای نجفی هم تا آنجا که می دانیم شاغل آموزش و پرورش بوده و همانطور که خودش در دیدار با امام جمعه بوشهر گفت بیمه روزنامه کیهان نیست. یعنی اگر شاغل رسمی موسسه کیهان نباشد، نمی تواند عضو خانه مطبوعات دولتی باشد و در مجمع آن رای بدهد و انتخاب شود. بنابراین به همین سادگی آقای شفیعی اقدام به تشکیل غیر قانونی خانه مطبوعات دولتی نمود.

– سرپرست نمایندگی کیهان در بوشهر گفته که آقایان در خانه مطبوعات محلی پس از اتمام دوره شان، حاضر به برگزاری انتخابات مجدد نشدند و برای همین غیر قانونی اند. نظر شما درباره این بخش از اظهارات سرپرست کیهان چیست؟

– این هم از همان مطالب کذبی است که با دهان روزه ایشان گفته اند. بعد از اتمام دوره اول که با حضور مطبوعات اصلاح طلب و اصولگرا تشکیل شد و اتفاقا یکی از اعضای شورای مرکزی هم آقای ایمان عطارزاده از هفته نامه لیان بود، دو بار دیگر و در موعد مقرر مجمع عمومی خانه مطبوعات محلی بوشهر تشکیل شده و انتخابات شورای مرکزی آن برگزار گردید که اعضای جدید انتخاب شده اند. تمامی مراحل برگزاری این انتخابات از قبل از مجمع تا نتایج انتخابات همراه با عکس و جزئیات در نشریات مستقل بوشهر به چاپ رسیده و عجیب است که این آقایان که از پر زدن پرنده ای در هوا و ارتباط آن با استکبار جهانی و تلویزیون های بیگانه آگاهی دارند، اما از نشست ۲۰۰ نفری روزنامه نگاران بوشهر و انتخاب شورای مرکزی خانه مطبوعات در دو نوبت بی اطلاع می باشند و با دهان روزه، کذبی به این بزرگی را بیان نمایند.

– برخی روزنامه نگاران هم گلایه داشتند که چرا در جلسه اهالی رسانه با امام جمعه، به آقای احمدنیا و دیگران اجازه داده نشد تا پاسخ سخنان آقای نجفی را بدهد.

– حقیقت مطلب اینکه ما اگر در این جلسات شرکت می کنیم فقط به خاطر احترامی است که نسبت به آیت الله صفایی بوشهری قایلیم و سخنان امام جمعه در این نشست را نیز راهگشا و موثر می بینیم، خصوصا نگاه ایشان به مقوله نقد و درخواست از مسئولان برای بالا بردن آستانه تحمل شان. از دفتر ایشان نیز انتظار داریم که در برگزاری اینگونه جلسات عمومی دقت نماید تا شائبه طرفداری از یک محفل به وجود نیاید.

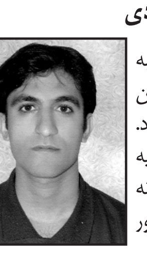
باید گفت متاسفانه آقای قاسمی سرپرست روزنامه حمایت و مجری جلسه معلوم نشد بر چه اساسی آقای نجفی را به عنوان آخرین سخنران گذاشت در حالی که ایشان جزو اولین نفراتی بودند که اسم شان را برای سخن گفتن نوشتند و آخرین نفری هم که بعد از شروع مراسم آمدند و برای سخنرانی نام نویسی کرد، آقای اسکندر احمدنیا بودند، بنابراین چنانچه رویه معمول اینگونه جلسات است، سخنرانی ها باید بر اساس نوبت نام نویسی باشد نه بر اساس سلیقه مجری.

از طرفی با وجود سخنان کذب و توهین های بی شماری که آقای نجفی سرپرست نمایندگی کیهان در بوشهر نثار روزنامه نگاران مستقل بوشهر کرد، متاسفانه مجری جلسه اجازه نداد تا آقای اسکندر احمدنیا و دیگران به دفاع در مقابل این توهین ها، سخن بگویند. این گونه اجرای برنامه در حضور آیت ا... صفایی بوشهری، ممکن است شائبه انگیز باشد و برخی از روزنامه نگاران را برای شرکت در جلسات بعدی دلسرد نماید. البته مطمئن هستم که در این خصوص امام جمعه محترم دخالتی نداشتند و در سخنان خود نیز دشواری و حساسیت کار رسانه را متذکر شده و گفتند که «خبرنگاران با چشم دیده و با دل می نویسند، با گوش می شنوند و از جان روایت می کنند، از این رو معتقدم رسانه های این استان دلسوز می باشند... بوشهر هیچگاه به اندازه امروز رسانه های به این تعداد و توان نداشته و این یک موهبت است که باید به سود استان از آن بهره برد.»

توجه راهبردی به مطبوعات لازمه"درخشیدن در آسمان فرهنگ ایران"

(سخنی با مدیرکل جدید فرهنگ وارشاد اسلامی استان بوشهر)

سجادبهزادی



بارها شنیده ایم استان بوشهر با عقبه فرهنگی بسیارغنی همچنان دراین عرصه سخن ها برای گفتن دارد. این استان باداشتن حداقل ۲۰ نشریه گوناگون درعرصه فرهنگ و رسانه یکی از فعال ترین استان های کشور است.

خانه مطبوعات دارد واین خانه نیز درعرصه های مختلف برای روزنامه نگاران ،عکاسان و خبرنگاران فعال بوده و نسبت به تاریخچه تشکیل آن توانسته گام های مهمی درحوزه های صنفی بردارد، گرچه به دلایلی که به آن اشاره میشود در یکسال اخیر نتوانسته است همچنان پویا و فعال درعرصه باقی بماند.(خانه مطبوعات محلی استان بوشهر در سال ۱۳۸۴ تشکیل شده واخیرا نیز سومین انتخابات هیات رییسه آن با حضور باشکوه اعضا برگزار شد.)

اما با همه این احوال چرا فضای رسانه ای استان بوشهر آنچنان که باید نتوانسته است در رسیدن به شرایط مطلوب هم برای خود وهم توسعه استان موثرباشد؟ در حال حاضر که به نوشتن این یادداشت مشغولم رییس خانه مطبوعات می گوید" وضعیت مطبوعات استان بحرانی است" واز طرفی جریان توسعه ای که در استان بنا بود مطبوعات در شکوفایی اش موثر باشند نیز اگر بحران زده نباشد خیلی هم تعریفی ندارد.

پس واقعا جایگاه مطبوعات ما و توسعه استان ما در ناسبات فعلی کجاست و ما روزنامه نگاران چقدر روزانه به این مسله اندیشیده ایم. نویسنده این نوشتار وجود یک نظام منسجم و پویا در میان نویسندگان و مطبوعات وتوجه راهبردی به خواسته های قانونی آنها را یکی از دهها دلیل اصلی این چالش بزرگ می داند و دراین راستا سخنی با مدیرکل جدید فرهنگ وارشاد اسلامی استان بوشهردارم.

"دان گیلمور"(Dan Gilmor)نویسنده کتاب " ما رسانه ایم" دریادداشتی می نویسد:"ما(اصحاب رسانه)بشریم. ماگرایش ها و پس زمینه هایی داریم وازمجموعه ای ازبرخوردها شکل میگیریم وما هر روز آنها را به کار خود می کشانیم".(اصول روزنامه نگاری–تالیف بیل کواچ). این جمله از یک طرف مسولیت خطیر روزنامه نگاران را مورد تاکید قرارمی دهد و از طرفی خواننده را با خود به دنیایی که اصحاب رسانه درآن تنفس دارد هدایت می کند.

روزنامه نگاران بوشهری و خبرنگاران با این همه پس زمینه ها و مجموعه ای از برخوردها و دغدغه ها برای چه کسانی کارمی کنند و چه کسانی باید همواره نقطه اتکا آنها باشند؟ قبل از آنکه موقعیت مطبوعات بوشهر به تحلیل رود که رییس خانه مطبوعاتش بگوید مانند"کشتی بحران زده ایم "چه کسی می بایست این سرگردانی را جمع و جور می کرد که نکرد؟ چه کسی تعهد و مسولیت قانونی داشت اما به وظیفه خود عمل نکرد؟

مدیرکل جدید فرهنگ وارشاد اسلامی استان بوشهر اگر به صورت جدی به این مسله فکر نکند نمی تواند به وعده مهمی که در زمان معارفه اش در جمع اصحاب رسانه داده عمل نماید. او با اشاره به پتانسیلهای فرهنگی و هنری موجود در استان بوشهر گفت "تلاش می کنم در مدت خدمت در این مسوولیت طوری عمل کنم که بوشهر در آسمان فرهنگ ایران بخوبی بدرخشد وبرای توسعه فرهنگی این استان از تجربیات اهالی فرهنگ و پتانسیل های موجود بهره خواهم گرفت".

آقای مدیرکل باید برایش مهم باشد چرا سه نشریه در دوران مدیریت مدیرکل قبلی ارشاد توقیف شدند و سایر نشریات بارها تذکر گرفتند و یا از یارانه های کاغذ محروم شدند؟ او باید بداند چرا آگهی های مطبوعات که شریان های اقتصادی آنها بود در دوره ای از گذشته قطع شد و به قول سردبیر یکی از نشریات ، "مطبوعات به نوعی در محاصره اقتصادی "قرار گرفتند.

مدیرکل جدید باید برایش مهم باشد که چرا مدتی است توسعه نیافتگی مطبوعات استان بوشهرهم درمحتوا ،هم در ساختار و هم نیروی انسانی شدیدتر از گذشته به چشم می خورد؟

ما در سالهای اخیربه دنبال منازعات مدیرکل وقت با جراید شاهد تکرار تیترهای شگفت انگیز و عذاب آور در مورد جراید استان در رسانه ها بودیم که زیبنده فضای مطبوعاتی استان نبود. مسولیت این فاجعه فراموش نشدنی با کیست؟

شایعه انحلال خانه مطبوعات بوشهر، خانه مطبوعات در انتظار رای دادگاه، بحران مطبوعات، برجسب منافق و ضد انقلاب دادن به منتقدان مطبوعات، اعتراض نشریات بوشهر به کاهش شدید سهمیه نقدی یارانه کاغذ مطبوعات مستقل، سریال بی پایان تشکیل خانه های مطبوعات در بوشهر و موازی کاری های سیاسی در این زمینه، احضار رئیس خانه مطبوعات محلی بوشهر به دادگاه تنها بخشی از این تیترهایی است که روزانه در رسانه ها دیده میشد.

مدیرکل جدید باید بداند اگر می خواهد آنگونه که خودش وعده کرده "بوشهر در آسمان فرهنگ ایران بخوبی بدرخشد" باید بدون تعارف از گذشته درس بگیرد و آنچه موجب دلخوری اهالی رسانه شده بود برایش مهم باشد و آن رادرک کند.

برای رسیدن به آینده و"درخشش درآسمان ایران" راهی جز پاسخ به چرایی اتفاقات گذشته نیست. مطبوعات استان ما اگر خود نیز مشکلات گذشته را واکاوی نکنند نمی توانند حتی در زمینه توسعه فرهنگی عامل مهمی باشند و باعث پویایی افکار شوند و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی را بارور کنند. گرچه از نظر نویسنده تلاش و تکاپوی گسترده ای در فضای عمومی رسانه ای کشوردیده نمیشود و گرایش به ایجاد و توسعه کمی و کیفی مطبوعات به عنوان پدیده ای تاثیرگذار و مورد نیاز و امیدبخش در میان سطوح مختلف فکری و فرهنگی جامعه تجلی نیافته ،اما این مسله خود حکایتی دیگر دارد. مهم ترین است که در شرایط فعلی نشریات استان بوشهر از خویش می نالند ودر این فضای غبارآلود نگران سهمیه کاغذ روزنامه مان باشیم و یا درمحاصره اقتصادی قرار بگیریم. این تقابل ها در فضای رسانه ای نه تنها موجب نشاط و حرکتی سازنده نخواهد شد بلکه محتوا و مضمون پیام در یادداشت های روزنامه نگاران، تنوع و خلاقیت فکری و فنی آنها را به حداقل رسانده و درنهایت استان ما نه تنها در آسمان ایران نمی درخشد بلکه توسعه فرهنگی استان نیز که قطعا مورد دغدغه آقای مدیرکل است نیز شدیدا باچالشی جدید روبرو خواهدشد.

رئیس پلیس آگاهی بوشهر: راز جسد رها شده در حاشیه جاده برازجان فاش شد

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی استان بوشهر: رئیس پلیس آگاهی استان بوشهر از دستگیری متهمی که سه شنبه شب گذشته جسد موتورسواری را در پتو پنهان کرده و کنار جاده برازجان رها نموده خبر داد .

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس؛ سرهنگ کارآگاه دوم هوشمند شریفی با اعلام این خبر گفت: پلیس آگاهی در پی کسب خبری مبنی بر کشف جسدی در روستای دهقاید شهرستان دشتستان که مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود کار خود را آغاز کرد. وی اظهار داشت: با حضور ماموران آگاهی دشتستان و قاضی ویژه قتل در محل، تحقیقات اولیه معلوم کرد، مقتول جوانی ۲۲ ساله و از اهالی روستای دهقاید است که با سلاح ساچمه‌ای از پشت سر هدف قرار گرفته و به علت شدت جراحات جان باخته است. سرهنگ شریفی افزود: پس از آن با دستور قضایی، جسد به پزشکی قانونی منتقل و پرونده برای پیگیری و تحقیقات به پلیس آگاهی ارسال شد. این مقام انتظامی ادامه دارد: با شروع مرحله دوم تحقیقات ماموران تعدادی از دوستان مقتول را شناسایی کردند که مشخص شد برخی از آنها دارای سابقه کیفری هستند. وی خاطرنشان ساخت: با جمع‌بندی اطلاعات و شناسایی کسانی که در روز حادثه همراه مقتول دیده شده بودند، ماموران یکی از متهمان را دستگیر کردند. رئیس پلیس آگاهی بوشهر تصریح کرد: با انتقال متهم به پلیس آگاهی وی ابتدا منکر اطلاع و نقش خود در جنایت شد، اما در ادامه اعتراف کرد مقتول از چندی پیش با یکی از دوستانم اختلاف و درگیری داشت تا این که شامگاه سه‌شنبه هفته پیش به همراه افشین و یکی از دوستانم با مقتول درگیر شدیم که در این درگیری افشین با سلاح ساچمه‌زنی او را هدف گلوله قرار داد. متهم افزود: پس از قتل، جسد مقتول را درون پتو گذاشته و آن را در حاشیه جاده رها کرده و متواری شدیم. گفتنی است، در پی این اعترافات، قاضی ویژه قتل دشتستان دستور بازداشت متهم و دستگیری۲ متهم دیگر پرونده را که پس از جنایت متواری شده‌اند صادر کرد.

دستگیری سارقان حرفه ای و کشف ۱۰ فقره سرقت در بوشهر

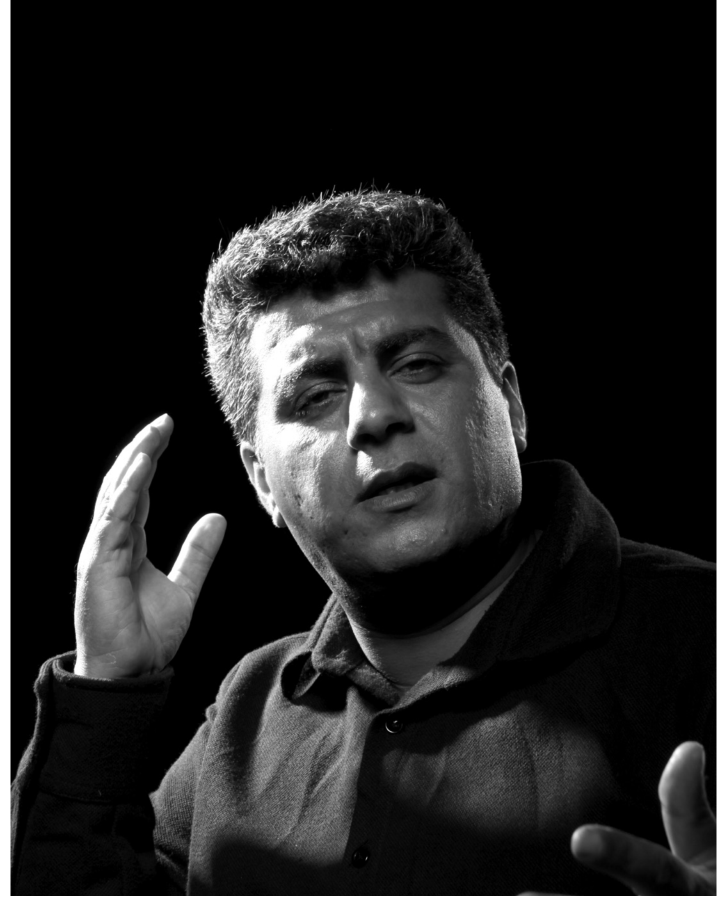
مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی استان بوشهر: با تلاش پلیس بوشهر سارقان حرفه ای دستگیر و به ۷ فقره کیف قاپی و ۳ فقره سرقت در این شهرستان اعتراف کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس؛ ماموران کلانتری ۱۳ شهرستان بوشهر در راستای حفظ نظم و برقراری امنیت اجتماعی حین گشت زنی در حوزه استحفاظی خود دو نفر سارق را حین سرقت به طور غافلگیرانه دستگیر کردند. بنابراین گزارش، دستگیر شدگان پس از انتقال به کلانتری در تحقیقات به عمل آمده به ۷ فقره کیف قاپی و ۳ فقره سرقت اعتراف کردند. شایان ذکر است، متهمان با تکمیل پرونده جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند. گفتنی است، کلیه مالباختگان شناسایی و به پایگاه انتظامی فراخوانده شدند.

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۶۳۴ یکشنبه ۵ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

مصاحبه با عبدالله مقاتلی خواننده موسیقی محلی بوشهر:

تلفیق را خطری برای موسیقی بوشهری می دانم



عبدالله مقاتلی مطلق در سال ۱۳۵۱ در بوشهر، محله ی صلح آباد متولد شد. همان محله ای که استاد محمد شریفیان آهنگ ساز و نوحه سرای چیره دست بوشهری در آن جا زندگی و نوحه سرایی می کرده است. وی موسیقی محلی را از دوران دبیرستان و به کمک مرحوم حمید لطفی آغاز نمود. وی در آن سالها با بازی در تئاتر مدرسه و شروه خوانی در آن نمایش مورد توجه حمید لطفی قرار گرفت و بعد از آن با تشکیل گروه موسیقی محلی با شعر معروف "زارمندو" نوشته ی "شادمان" این همکاری آغاز شد. عبدالله مقاتلی شرکت در چندین جشنواره بین المللی فجر و کنسرت های مختلف در کشورهای آمریکایی و اروپایی نظیر آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، اسپانیا، یونان، ترکیه و بلژیک را در کارنامه ی هنری خود دارد.

به مناسبت به بازار آمدن آلبوم جدید عبدالله مقاتلی با وی به گفت و شنید نشسته ایم:

– شما از جمله هنرمندانی هستید که در زمینه موسیقی در چندین سبک کار کرده اید. لطفا در این خصوص توضیح دهید.

– من از همان ابتدا سعی کردم موسیقی بوشهر را به طور کامل فراگیرم. چه موسیقی مذهبی و چه غیر مذهبی و در هر دو آنها استادان خوب و معروفی همچون مرحوم علی دشتی داشته ام. در خصوص موسیقی محلی بوشهر باید بگویم معمولا همه قسمت های آن را در کنسرت هایم اجرا کرده ام. هم بندری، هم چوپی، هم چوپی چهار دستمال، بیت خوانی، نیمه خوانی، چاوشی، جنگ نامه خوانی حتی نوحه های بسیار زیبای عزای زنانه بوشهر و غیره.

در موسیقی مذهبی هم یکسال نوحه خوانی کرده ام و در مراسم صبحدم و شام غریبان هم شرکت می کنم و گاهی قسمت هایی هم می خوانم ولی با این وجود هنوز هم حس می کنم این موسیقی اینقدر غنی است که باید هنوز هم یاد بگیرم و هیچوقت در کارم مغرور و دنبال معروفیت نبوده ام و سعی کردم کارم را انجام دهم و دنبال حاشیه نباشم.

– اولین سبک موسیقی را که شروع کردید، چگونه بود و چطور به دیگر سبک ها رسیدید؟

– اولین سبکی که شروع کردم شروه خوانی بود در تئاتر مدرسه و بعد از آن در موسیقی بوشهر.

– در حال حاضر در چه سبک هایی تبحر دارید؟

– کل موسیقی بوشهر را فعلا تا اینجا خوب فراگرفته ام و هنوز هم جا دارد که یاد بگیرم چون این موسیقی خیلی غنی است.

– شاهد اجرای موسیقی محلی بوشهر توسط شما در نقاط مختلف دنیا بوده ایم. استقبال مردم کشورهای دیگر از موسیقی محلی بوشهر چگونه بود و دلیل این استقبال را چه می دانید؟

– استقبال بی نظیر بود و خیلی خوششان می آید و دلیل آن هم شاد بودن موسیقی ها و اینکه حداقل در گروه ما و سبک کاری ما در این نوع موسیقی یکنواخت نبودن آن است و فرم های مختلف آداب و رسوم بوشهر را به روی سن می آوریم.

– چندین سال است که دیگر شاهد فعالیت هنری شما در زمینه موسیقی محلی نبوده ایم. دلیل آن چیست؟

– سوال خوبی پرسیدید من دو سال و نیم است که نه کنسرتی داشته و نه آلبومی به بازار داده ام و آخرین کنسرتم در کشور نروژ، شهر فورد بود. بعد از آن چون اسپانسر ما عوض شد و سبک کاری گروه تغییر کرد فعلا با هم همکاری نداریم ولی من به صورت انفرادی تمرین می کنم و شاید در آینده با چند نفر از هنرمندان جوان و بنام بوشهری در بوشهر کنسرتی را اجرا نمایم.

– برخی معتقدند که موسیقی محلی بوشهر به نوعی به یکنواختی رسیده است، نظر شما چیست؟

– ببینید دلایل زیادی دارد. متاسفانه اجرای بعضی از گروه های بوشهری شده فقط بندری یعنی از اول آلبوم یا کنسرت یک جا می نشینند و بندری می زنند تا آخر اجرا. خب این معلومه که شنونده یا تماشاگر خسته می شود از یکنواختی و یا بعضی از خوانندگان گروه ها از لهجه بوشهری کمتر استفاده می کنند یا به گفته خودمان بالاسونی صحبت می کنند و به اجرا می پردازند و به نظر تلفیق پدر موسیقی ما را درآورده اند. الان مد شده در کارها همه از سازهای غیر بومی استفاده کنند و از آن حالت سنتی خودش داره دور می شه. بابا تلفیق خوبه. یکی، دو تا، سه تا، نه از اول البوم تا آخر آن. بعضی از گروه ها آنقدر تلفیقی کار کرده اند که خوانندگان پاپ هم دارند از موسیقی ما استفاده می کنند و این بد نیست ولی در صورتی که هویت موسیقی ما را از بین نبرند و موسیقی اصیل ما به فراموشی سپرده نشود. و این را خطری برای موسیقی بوشهری می دانم. یعنی گروه ها تلاش و زحمت و سرمایه می گذارند ولی اطلاعات کمی دارند که باید مواظب باشند.

– بازگشت شما به صحنه هنری بوشهر با سی دی شروه بوشهری است. لطفا درباره چگونگی تهیه این سی دی توضیح دهید.

– من با درخواست هم گروه ها و دوستانم و انگیزه ای که در من وجود داشت تصمیم گرفتم که امسال دو کار به بازار عرضه کنم که اولین کار آلبوم شروه بوشهری است که الان در بازار موجود می باشد. بنده در این آلبوم تلاش کرده ام نزدیک به سه سبک مرحوم نجاتی و مرحوم شریفیان و مرحوم کردی زاده (بخشی) اجرا نمایم. ببینید سبک مرحوم نجاتی و مرحوم شریفیان داشتند فراموش می شدند و کمتر کسی آنها را اجرا می کرد. خدا را شکر سبک مرحوم کردی زاده حداقل در عزاداری ها و بعضی مراسم اجرا می شود ولی آن دو سبک دیگر واقعا داشت از بین می رفت. امیدوارم تا حدی توانسته باشم یاد و خاطره ی آن عزیزان را زنده کرده باشم مخصوصا برای آنهایی که صدای مرحوم نجاتی را شب های پنجشنبه یا جمعه از رادیو آبادان می شنیدند.

– برای آشنایی بیشتر خوانندگان لطفا بطور خلاصه درباره شروه توضیح دهید.

– شروه یکی از فرم های آوازی بوشهر می باشد که بیشتر در مناطق دشتی و دشتستان و تنگستان رایج است. شروه را مومنانه ترین و نجیب ترین و سوزناک ترین و پرزخم ترین آوای جنوب می شمارند و در یک جمله برجسته ترین آهنگ سوزناک جنوب می باشد. این آوای جنوب در قالب دو بیتی هایی است که بیشتر عاشقانه اند و چه بسا محتوای این دو بیتی ها از غم دوری می باشد و شکل و شیوه قرائت و خواندن آنها بصورت شروه، خواه ناخواه با ریتمی غم آلود و اندوهناک همراه می گردد.

– در شروه بوشهری، شاهد چه نوع سبک هایی هستیم؟ لطفا توضیح دهید.

– در استان بوشهر شروه به سبک های مختلف خوانده می شود که هر کدام جذابیت خاص خودش را دارد و ما در منطقه دشتی و دشتستان و تنگستان استادانی داریم که خیلی قوی اجرا می کنند و صاحب سبک نیز هستند و بعضی مناطق، خود صاحب سبک اند و سبک به نام منطقه شناخته می شود و گاهی هم به نام شخص می باشد. مانند سبک اسماعیلی، سبگ گنجی یا سبک فردوس.

– سبک های اصلی شروه که اشاره کردید، چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

– هر کدام در نوع ملودی و خواندن و حتی لهجه شرایط خاص خودشان را دارند.

– شما در این سی دی به کدام نوع از این نوع سبک ها شروه خوانی کرده اید؟

– همانطور که قبل هم اشاره کردم به سبک های مرحوم نجاتی، مرحوم شریفیان و مرحوم کردی زاده که به این سه سبک شروه شهری هم می گویند.

– همکاران شما در سی دی شروه بوشهری چه کسانی بودند؟

– آقای حسین کاوه خو یکی از با استعدادترین جوانان این شهر در عرصه نوازندگی و آهنگ سازی است که با اغلب گروه ها همکاری دارد در این آلبوم به نواختن نی پرداخته و مطمئنا این عزیز در سال های آینده حرف های زیادی در عرصه موسیقی و آهنگ سازی برای گفتن دارد.

– استقبال و همکاری از این سی دی چگونه بوده است؟

– در یک هفته ای که این آلبوم به بازار آمده با استقبال چشمگیری روبرو شده و همشهری ها خوب استقبال کرده اند و مرتب با من تماس می گیرند و تشکر می کنند که این نظر لطف آنهاست و خودم هم باور نداشتم که این آلبوم به این زودی موفق باشد.

– در آینده کار جدیدی هم دارید؟

– انشاالله اگر خدا بخواهد یک سی دی از شعرهای قدیمی بوشهر که در کنسرت ها اجرا می کردم قرار است تنظیم کنم و ماه آینده برای ضبط آماده کنم که انشاالله اگر مشکل پیش نیاید اسفند ماه روانه بازار می شود.

– جا دارد از موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری، آقای محمدی، آقای سعیدی، آقای ریشهری زاده تشکر کنم که خیلی مرا حمایت کردند و دوستانم در ضبط آقای ابراهیمی و امانی و همینطور شرکت دی باذر که در طراحی و انتشار آن خیلی زحمت کشیدند و همچنین آقای جلیل گلستانیان عکاس و طراح آقای خوبانی.

و تشکر ویژه از همسرم دارم که خیلی برای این آلبوم و رسیدن به موقع آن به بازار تلاش نمود و تمام کارهای بعد از ضبط به عهده ایشان بود.

در آخر از مسئولین شهر خواهش می کنم به بچه های هنرمند بوشهری کمک کنند و از آنها حمایت کنند. همانطور که برای ورزش بها قائلند و خوب حمایت می کنند و هزینه های سرسام آور خرج می کنند به فکر این هنرمندان هم باشند.

داستان کوتاه

بیا تا کمی لب دریا قدم بزنیم

محمود بدیه



بیا تا کمی لب دریا قدم بزنیم (۱) برای دوست عزیزم اسدالله کشاورز وترجمه کتاب سگ فیلسوف

دو نفر رو صخره ی سیمانی لب آب ماهیگیری می کردند. موج به دیوار سیمانی لب آب می کوبید، کف می کرد وبلند می شد و از کله ی همه ی عبوری های لب آب رد می شد. چه بچه هائی که ماهی ریز برا بازی می گرفتن و چه آنهائی که منتظر فرصت بودند که موج بخوابد وتو آب شیرجه بزنند. اما موج کم نمی شد. پسر بچه ای لخت شده بود ودست دورتیوپش حلقه کرد بود، دوست داشت تو آب بپره ، ولی جرئت نمی کرد. یکی از بچه ماهی ریز گیرها بهش گفت؛ چرامعطلی بپر تو آب. بغل دست اش گفت ؛ این که شنا بلد نیست. اگه این ، تو دستی ش بادش خالی شد کف می گیره ! همون که حرف شروع کرده بود گفت ؛ آره وقت خوبی برا شنا نیست. کسای که لخت شده بودن همه تو آب پریدن و رو موج سواری می خوردن .همون که می گفت وقت خوبی نیست داد زد ؛ هی بچه ها جا نمی جان جفت قلاب ماهی زد . اون که ماهی نگرفته بود به پسره گفت ؛ چرا همینطوری نشستی برو لباسها ت بپوش! دومی گفت ؛ بزاربشینه ، مگه مزاحمه ؟ فکر کن اینهم یه دونه از اونهاست که صید شده . اون که اصلا ماهی نگرفته بود یه باره جیغ زد؛ بیا ببین چی گرفتم ؛ سه تا ماهی به قلابم خورد ، حالا با هم مساوی هستیم. اون که اول ماهی گرفته بود ، دیگه نگرفت واصلا حرف نزد . اون که سه تا ماهی گرفته بود همینطور،مثل ماهی بعد ازصید ساکت بود.اون که اول ماهی گرفته بود گفت ؛ این تا ابد می خواد همینطوری بروبرنیگامون کنه ؟ اون که ساکت شده بود گفت ؛ بذار برا خودش فکرکنه چیزی گیرش می آد!

بیا تا کمی لب دریا قدم بزنیم (۲) برای دوست عزیزم ایرج نبی پور

پسر بچه ی چاقالو چسبیده بود به تیوب پر باد و رو آب دست وپا می زد . موج به صخره می خورد و برمی گشت ، به شکم آب لگد می زد ، می ترکید ، زیرشکم تیوب می رفت و بلندش می کرد وپرت می شد به صخره . با وجود این او کمی دست وپا می زد و از برخورد به صخره ی سیما نی دور می شد . تعدادی از بچه ها تو آب بودند. از کله موج بالا می رفتن ، تو تن موج پا می ذاشتن و از ته موج بیرون می آمدند .

*

مرد میانسالی لباس دریائی پوشیده بود . خیلی شبیه مرغ دریائی شده بود . ازدوستانش تو آب جدا شد . تندی بطرف پسرک رفت و او را ازبرخورد صخره ها دور کرد. بعد زیر آب رفت ، خیلی سنگین شد ، او را روی تیوب نشاند . بچه ها اون دور بودند . مرد با سر ، با پا ، با دست ، تیوپ را هل می داد واز موج ها دور می کرد و باز دوباره برمی گشت و او را روی موج ها سواری می داد. پسرک توی بازی رفته بود . مرد آنقده سرگرم بود که هیچ ، متوجه هیچ صدائی نمی شد!

*

بچه ها ازدورهای دریا بر می گشتند . مرد توی آب صدائی شنید .

کی بود؟

کمی به صدا نزدیک شد ولب آب رفت.

آها چطوری بفرما.

مرد روی ساحل گفت ؛ پرفسورخواستم ببینم کی ها تو آبی با هم شنا کنیم . مرد تو آب گفت ؛ یه وقت معینی نیستم . هر فرصتی برام جورشه می یام اینجا.مرد گفت؛ پرفسورشماره موبایلت چنده تو فراغت بهت زنگ بزنم ، وقت دریا هماهنگ کنم .مرد توی آب گفت ؛ وقت فراغتم همین زما نیه که تو آبم. موج خالی می رفت و دریا هم پرمی شد .

بیا تا کمی لب دریا قدم بزنیم (۳) برای دوست عزیزم ناصر وژدان حقیقی

پسربچه ، دوچرخه اش رو شنها لب ساحل انداخت وبطرف دریا دوید و به سمت سگ ماهی های سنگ پرت کرد. ساحل، شلی وگلی وماسه ای بود. لشکری سگ ما هی در قسمت شلی لب آب جمع بودند.موج که می نشست ، دریا پس می رفت، آنها با دو چشم ونیم تنه از سوراخ شلی بیرون می آمدند. سرتاسر ساحل پر از کله و دو چشم سگ ماهی می شد.طولی نمی کشید که موج می آمد،همه را زیر آب می برد. درحین موج روبی ، سگ ماهی ها دریا زده و گیج روی آب سرگردان می ماندند، بعد موج پس می رفت وآنها روی ساحل پهن و ولو می شدند. اما خیلی سریع سوراخی می جستند و در آن فرو می رفتن .

حرام زاده های لعنتی حالا نشونتون می دم !

***

تکه سنگ های دریا جلوش ریخته بود. یکی یکی آنها را برمی داشت و بطرف سگ ماهی ها پرتاب می کرد. چند سگ ماهی توی پر و خالی شدن موج با سنگ ، تکه تکه شد. مرغهای ماهی خواراز اون بالا شیرجه می زدند. تکه های گوشت له شده در دهانشان به هوا می پریدند. مردی عقب تر ایستاده بود و مرتب از شیرجه مرغها که به طعمه چنگ می زدنند وبه هوا می گریختند عکس می گرفت.

پسربچه گفت ؛ دیگه بس شونه .

مرد گفت ؛ برا چه زود تعطیلش کرد. نمی دونم جالب در آمده؟ بذاریه باره دیگه یه نیگاه به عکس ها کنم. اوه... جدا نمی دونم !منو به شک می اندازه !

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر:

توسعه فرهنگی این استان را با دید علمی و واقع بینانه پیگیری می کنیم

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: با توجه به پیشینه مذهبی و تاریخی استان بوشهر با دیدی علمی و واقع بینانه با همکاری خبرنگاران و مطبوعات برای توسعه فرهنگی این استان گام برمی داریم.

به گزارش روابط عمومی ارشاد بوشهر یونس محمدی در جمع خبرنگاران افزود: به رغم همه محرومیت ها و مشکلاتی که در استان بوشهر وجود دارد ولی این استان جایگاه ویژه ای در کشور دارد که باید از این فرصت برای تعالی و پیشرفت آن استفاده بهینه کرد. وی اضافه کرد: با استفاده از تمام پتانسیل ها، توان و قابلیت هایی که در جامعه مطبوعات استان بوشهر وجود دارد در راستای توسعه فرهنگی این استان گام های علمی برخواهیم داشت.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: با درایت خبرنگاران و اصحاب رسانه باید به گونه ای در این عرصه تلاش شود که نظام و این استان بیش از گذشته تقویت و پیشرفت کند.

وی بیان کرد: با توجه به اینکه رکن اساسی رسانه ها خبرنگاران هستند این قشر نقش مهمی در بالندگی و پویایی جامعه ایفا می کنند. محمدی اضافه کرد: خبرنگاران با انعکاس خدمات نظام اسلامی در انتقال واقعیت ها و خدمات انجام شده به جامعه ایفای نقش کنند. وی ایجاد روحیه امید و نشاط به جامعه را در انعکاس اخبار ضروری دانست و افزود: از تمام پتانسیل های استان بوشهر با حمایت مسوولان در راستای کمتر شدن مشکلات رسانه ها و توسعه این استان گام خواهم برداشت

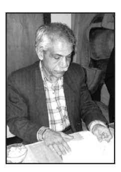
نگاه احمد آرام



فرازهایی از اندیشه (اوژن یونسکو)

یک اثر هنری و بنابر این یک اثر تئاتری باید مکاشفه ای اصیل و کم و بیش عمیق و وسیع باشد بر حسب نبوغ و استعداد هنرمند ولی مکاشفه ای اصیل که موظف به چیزی غیر از ماده خود نباشد .لیکن برای اینکه این مکاشفه بتواند نمودار شود و شکل بگیرد باید اندیشه را رها کرد تا آزادانه پرواز کند. در ورای ملاحظات خارجی دست دوم مانند سرنوشت اقبال عامه بر فراز یک جهان بینی سیر کند در این پیشرفت معانی بخودی خود ظاهر می شوند . در بعضی جاها رسا و در بعضی جاها نارسا من بسهم خود نمی فهمم چطور ممکن است آدم آرزو داشته باشد که بتواند برای (همه مردم) حرف بزند . همه مردم را بخود جلب کند در صورتی که از نظر طبایع عده ای توت فرنگی را ترجیح می دهند و عده ای دیگر پنیر را .به هرجهت من در قید این نیستم که خود را جهت گرایش مردم ناراحت کنم ولی وقتیکه نمایشنامه نوشته شده باشد و من مسئله ارزش پذیری آنرا برای خود طرح می کنم، گرایش مردم طبعن جلب خواهد شد و یا برعکس . ولی قدر مسلم این است که آدم هرگز برای همه مردم حرف نمی زند بعلاوه آدم ممکن است برای اکثریت جامعه ای حرف بزند که در این صورت فقط می تواند تئاتر فریبنده یا تئاتر ساختگی بوجود بیاورد . وقتی کسی می خواهد با همه مردم و برای آنها صحبت کند در حقیقت با هیچکس صحبت نمی کند . چیزهایی که همه را جلب می کنند معمولن اندک اند و یکایک آنها را جدا جدا ، ارضاء خواهد کرد .

نقد شعر در جلسه ی ادبی نسیم جنوب



در جلسه ادبی دوشنبه های نسیم جنوب، نخست استاد آرش نیا در خصوص چگونگی برگزاری جلسات نقد صحبت هایی ارائه کرد . در ادامه ، شاعران حاضر در جلسه شعر خوانی کردند و استاد شریف در مقایسه ی شعرهای خوانده شده ی این جلسه تا جلسات قبل گفتند که به عنوان یک مخاطب شعر ناظر بر رشد چشمگیر شعرهای افراد دائمی این جلسه هستند و این را مدیون زحمات استاد آرش نیا و تلاش شاعران دانستند .

در بخش دوم جلسه شعری از خانم درعلی نقد شد که نقطه نظرات دوستان در خصوص شعر به شرح زیر می باشد :

استاد آرش نیا /شعر دارای دوساختار زبانی و معنایی است . زبان این شعر نو است و آشنا زدایی های زیادی در آن انجام شده .

اگر در این شعر به نمادها توجه کنیم ، نمادهایی چون درخت ، آسمان ، تبر، تن لخت و ... میتوانیم تداعی معنای خوبی را درک کنیم .اما باید گفت که درخت پر به شعر لطمه زده و ساختار شعر را کمی ضعیف کرده است .

استاد شریف/این شعر به صورت نمادین است و برای یک شهر بهره بری از نماد ها بسیار مهم است .این شعر زیباست اما باید مراقب بود که پهلو به ناتورالیسم نزند .آخر شعر هم لنگ میزد و کمی ضعیف بود

محمد مصدق / شعر حالت خاصی دارد.انگار با دو چیز متضاد شروع می شود .فضا دوگانه است . اتفاق خوبی که می افتد ، بلافاصله اتفاق بدی آن را می پوشاند و بالعکس.

و این تضاد گونگی فضا شعر را بسیار زیبا کرده است .

خانم رضایی / رابطه ی بین ساختار بیانی و معنایی این شعر به خوبی نتوانسته خودش را به انجام برساند . بعضی از این تصویر های شعری عمیق و برخی دیگر ضعیف اند .شعر محکم شروع می شود و سطحی تمام می شود . ازدحام تصویر ها باعث می شود که ارتباط خوبی با آنها برقرار نشود .

اگر شاعر حرفی دارد باید در پایان حرفش را به نحوی بزند که مخاطب آن را درک کند .درخت پر هم تصویر ضعیفی را ارائه می دهد . تضادی در کار هست که رابطه ی معنایی و بیانی در کار ایجاد نمی کند .

مصدق / تصاویر تضاد گونی که من گفتم به منزله ی نقطه قوت شعر است و ضربه به شعر نزده ، بلکه این واقعیت و تخیل یک فضا را بوجود آوده است .

خانم راورد شیری /تصویر ها روشن بود .اگر درخت پر برداشته شود اتفاق خاصی نمی افتاد .

خانم درختیان /فکر میکنم این شعر بر خلاف سایر شعر های خانم درعلی که بسیار فضای جدی دارند ، می خواسته حالت کودکانه ای را داشته باشد، به خصوص با تاکید بر صورت آسمان ماه شد که بسیار عامیانه است .

در بخش سوم خانم رضایی مقاله ای را تحت عنوان تشابه بین سیلویا پلات و فروغ برگرفته از اینترنت را قرائت نمود .

در جلسه ی بعدی اشعار شاعر بزرگ شاملو مورد خوانش و بررسی قرار خواهد گرفت .

از کلیه ی دوستانی که تمایل دارند شعرشان در نشریه چاپ یا کتابشان معرفی شود تقاضا میشود آثار خود را به نشانی ایمیل زیر ارسال نمایند .doralimina@yahoo.com

دو برنامه جدید معارفی از صدا و سیمای مرکز بوشهر

به گزارش روابط عمومی مرکز بوشهر دو برنامه بیکران نور و تفسیر نور در حوزه معاونت سیما تولید و پخش می شود.

"برنامه بیکران نور" این برنامه سلسله مباحثی در حوزه معارف اسلامی ،اجتماعی و مسائل روزاست که توسط شخصیت های مذهبی و دانشگاهی استان بوشهر به صورت سخنرانیهای کوتاه و پرسش و پاسخ مذهبی تهیه می گردد.

همچنین "برنامه تفسیر نور" نیز به جلسات تفسیر قرآن کریم توسط آیت اله صفایی بوشهری نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهرکه به صورت هفتگی تشکیل می گردد برای پخش از شبکه استانی بوشهرتهیه و پخش می گردد.

از جمله نکات برجسته این برنامه حضور پررنگ و مستمر جوانان به صورت گسترده می باشد .تهیه کننده و کارگردان هر دو برنامه معارفی مهدی معتمدی می باشد . نا گفته نماند گروه معارف در طی سال گذشته ویژه برنامه های متعددی در مناسبتهای گوناگون تهیه و پخش نموده است .

"فوتبال بوشهری"جمعه شبها شنیدنی است

به گزارش روابط عمومی مرکز بوشهر برنامه فوتبال بوشهری هر هفته جمعه شبها از ساعت ۲۱ الی ۲۳ شنیده می شود .

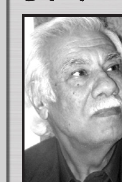
این برنامه به بررسی وضعیت نمایندگان فوتبال استان در لیگ برتر، دسته اول آزادگان ، دسته دوم و دسته سوم ،فوتبال بانوان و فوتسال می پردازد .

از جمله بخشهای این برنامه معرفی پیشکسوتان فوتبال استان ، تبین اخلاق در فوتبال و برجسته سازی فوتبال بوشهری و جنوبی ،معرفی فوتبالیست های مطرح بویژه بومی ،گفتگو با کارشناسان ذیصلاح کشور و بومی ،ارتباط زنده با مربیان بومی و مطرح لیگ برتر و آزادگان ، بررسی اخبار فوتبال محلی و بومی و جهان و مسابقه هفتگی می باشد. این برنامه ۲ ساعته به تهیه کنندگی مهدی محمدیان و گویندگی شاهین بهرام نژاد و اسماعیل صالح احمدی می باشد.گزارشگری این برنامه بر عهده مسعود فیروزی می باشد.

شعر جنوب

در باغ شعر من

عبدالمجید زنگویی



من با تو زیسته‌ام
عادت به نام و خوی تو دارم
با نام آشنای تو، من
عمری است، خو کرده‌ام
من با سرود پاک تو
سرمست بوده‌ام
پیوسته با پیام خوشت
سرزنده بوده‌ام
گلبانگ شعر و نوایت را
هنگام که می‌شنوم
گل از گل تمامی جانم
می‌شکفد
این‌جاست، که احساس می‌کنم
فصل بهار جاوید
در باغ شیرین شعر من
روییده است
مفهوم عشق را
از نام پاک تو
در قلب خویش نشاندم
نام تو را من
با هر بهانه‌ای
فریاد می‌زنم
تا خواب را
از چشم کوچه‌های تیره و تاریک شهر
بزدایم
و خلق را
از عشق پاک خود، با تو
خبر کنم
و شهر وجودم را
آرام و رام و زنده نگه دارم
□
لیلای شعر من!
نبض کلام و شیوه شعر و تخیلم
از قند گفته‌های تو
سرشار می‌شود
من با تو
همدرد و هم‌رهیم
درد تو را، من
از جان و دل، لمس می‌کنم
من پیچ‌های پرمخاطره را
همراه با تو
طی می‌کنم
ز این رو
رنج خستگی را
با هم تقسیم کرده‌ایم
و عشق را نیز
□
تا خانگاه عشق
راهی زیاد نمانده است
بار سفر بربست باید.

مینا درعلی



مشت آسمانهای هم رنگ را
بر تن لخت سیم ها
پرنده باز کردم

درخت پر
از انگشت اشاره ای ریخت

دست باد
ابرها را پس زد
صورت آسمان ماه شد و
در ادامه ی جنگل
رویای تبر
چشم های کبوتر را
پایین کشید

سایه درختیان

در بهشت خانه ای نبود
نه درختی
آخرین سیب ...
نمی دانم در کدام صفحه جا مانده بود
وقتی حروف درشت کتابها از سطر ها
می گریختند
زیر چشمانت ریز می خندیدند.

نسیم جنوب ۵
اجتماعی
شماره ۶۳۴ یکشنبه ۵ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

خشونت های پنهان

پروین تاج محمدی

در قطعنامه ۱۹۹۳ "رفع خشونت علیه زنان" که مجمع عمومی سازمان ملل تصویب کرده است، سوء استفاده از زنان چنین تعریف شده: «هرگونه رفتار خشونت آمیزی که بر اساس جنسیت انجام شود و نتیجه حتمی یا احتمالی آن آزارهای جسمی، جنسی یا روانی زنان و یا آسیب دیدن آنان باشد.»
سنتی ترین شکل خشونت علیه زنان به معنای عام آن در این طبقه بندی قرار می گیرد. یعنی خشونت های جسمی و آزارهای جنسی که به ظاهر و فیزیولوژیک به جنس زن آسیب می رساند. این شکل از خشونت از قرون متمادی تا عصر حاضر وجود داشته و دارد و مصادیق آن برای اهالی جامعه بیگانه و غریب نیست. مزاحمت های جسمی و جنسی که در قالب خشونت های فیزیکی است در دو حریم خصوصی (خانواده) و عمومی (اماکن عمومی) اتفاق می افتد. متاسفانه این مزاحمت ها حتی در شدیدترین شکل و مصداق در حریم خصوصی توجیه پذیر بوده و طبق رسوم اجتماعی و فرهنگ حاکم مشروعیت دارد. زنان و دخترانی که در حریم خصوصی (خانه) مورد ضرب و شتم قرار گرفته و یا به بهانه تمکین مجبور به قبول رابطه ای یکسو بوده و در غیر این صورت باز هم مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، در فرهنگ و هنجارهای پذیرفته شده جامعه ایرانی، به غلط این فضا مشروعیت داشته و این خشونت اعمال شده توجیه پذیر است.
شکل دیگری از خشونت های جنسی که پنهان و تا حد زیادی پوشیده می ماند و زنان و دختران به لحاظ موقعیت (محل کار و نیاز) آنرا اظهار نمی دارند به شکل متلک پراندن ها، اظهار نظرهای موهن و تلویحات جنسی یا اشارات تبعیض آمیز و پیشنهادات یک طرفه لفظی یا جنسی است که توسط شخصی (در محل کار) صورت می گیرد. این شکل از مزاحمت های جنسی برای شخص مخاطب، آزار دهنده بوده و باعث می شود که زنان و دختران در محیط های کاری احساس حقارت، مرعوب شدن و رنج و خطر کرده و در انجام کارشان دچار اختلال شده و امنیت شغلیشان به خطر بیفتد.
پردیس قندهاری که از محققین حوزه مسائل زنان است معتقد است که هم زمان با آغاز مدرنیته در ایران در دوران رضا شاه و هم چنین قبل از آن دوران مشروطه برای اولین بار بحث مشارکت سیاسی، اجتماعی زنان مطرح شد. تاسیس مدارس دخترانه خصوصی و دولتی و تحصیل زنان تابوی حرکت از فضای درونی به بیرونی برای زنان گسترش پیدا کرد. شعارهایی که توسط خانواده پهلوی مبنی بر استقلال اقتصادی زنان، برابری زنان با مردان و حضور بیشتر ایشان در صحنه اجتماع داده می شد موجبات ورود زنان و دختران را به عرصه های گوناگون جامعه فراهم می ساخت. از دهه ۳۰ به بعد مزاحمت های جسمی و جنسی زنان مطرح می گردد و در مقالات و داستان هایی به مسئله مزاحمت های جنسی اشاره می شود که نمایانگر توجه هرچند اندک جامعه به این معضل است.
در ایران مانند دیگر نقاط جهان هر جا زن و مرد در تعامل با یکدیگرند به شکلی پدیده مزاحمت های جنسی بروز می کند. نوشین خراسانی دیگر فعال حوزه زنان اشاره می کند که اشکال مزاحمت های جنسی با ویژگی های فرهنگی خاص هر استان تغییر می پذیرد. بطور مثال در استان های جنوب غربی و غربی به شکل قتل های ناموسی در حالیکه در پایتخت شکل مزاحمت های جنسی کاملا متفاوت است که در شدیدترین حالت آن به باندهای آدم ربا و متجاوز بر می خوریم.
اما آن دسته از مزاحمت های جنسی که پنهان می ماند و زنان و دختران در محیط های کاری و اماکن عمومی به دلیل نیازهای اقتصادی و حفظ سیانت خود آنرا اظهارنمی دارند به اشکال زیر صورت می پذیرد:
الف- مزاحمت های جنسی در محیط کار. رایج ترین این مزاحمت ها به صورت:
۱. حرف های معناداری که بیشتر به شکل تمجید از زیبایی زن است (اما به منظور خاص جنسی).
۲. نزدیک شدن زیاد به زنان در موقع کار.
۳. لمس بدن، دست و ...
۴. و در معدود مواردی تقاضا برای ایجاد رابطه...
زنانیکه در محیط کار خود دچار این مزاحمت های جنسی می شوند در وضعیت پارادوکسیکالی قرار می گیرند. از طرفی وضعیت نابسامان اقتصادی نظیر فقر، تورم، نابرابری اقتصادی و عدم اشتغال برای زنان آنان را به ماندن ترغیب می کند و از طرفی غالبا قادر به تمرکز به روی کار خود نیستند و از سوی دیگر در این حالت مواجه با کاهش بهره وری در کارشان بوده که موجبات اخراج آنها را فراهم می سازد.
در شکلی دیگر نیز مزاحمت ها پنهان است. در اتوبوس های مسافربری شهری به عنوان بزرگترین وسیله حمل و نقل عمومی با مجزا کردن قسمت زنان و مردان موجب شده که برخورد و اصطکاک زن و مرد در اتوبوس به حداقل خود برسد، اما این جداسازی در دیگر وسایل نقلیه عمومی نظیر مترو و مینی بوس وجود نداشته و آزارهای جنسی زنان در این وسایل نقلیه مشهود است که شامل تماس مردان با بدن زنان است. عکس العمل زنان در برخورد با چنین مواردی غالبا سکوت (برای حفظ آبرو و صیانت) تا قرار دادن کیف به عنوان حایل تا فاصله گرفتن از طرف و تذکر دادن به وی و یا ناسزا گفتن است.
از آزارهای رایج علیه زنان در جامعه ایرانی که قالبی غیر فیزیکی دارد و می توان به آزارهای خیابانی از جمله حرف های رکیک، متلک و ... اشاره کرد. یکی دیگر از آزارهای خیابانی نشان دادن رفتارهایی خاص و موهن از سوی مردان است.
بسیاری از صاحبنظران حوزه جامعه شناسی، معتقدند که دلیل مزاحمت های جنسی در قلمرو عمومی این است که نوع تربیت خانوادگی به گونه ای است که مردان، زنان را به عنوان ابزارهای جنسی نگاه می کنند. در ایران تمهیدات قانونی برای مرتکبین این گونه رفتارها در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی که متضمن این نکته است که هر کس در اماکن عمومی یا معابر یا محیط های شغلی متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود و با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
اما کمتر دیده شده است که زن یا دختری به خاطر مزاحمت های جنسی واقع شده در محیط کار یا اماکن عمومی به دادگاه شکایت کند. این دو به چند علت مربوط می گردد: اول عدم آشنایی زنان با قانون و دوم زمان بر بودن پروسه شکایت و مهمتر از همه اینکه نگرش حاکم بر جامعه که مخصوصا توسط رسانه های عمومی نیز به شدت تقویت می شود، کاملا به ضرر زن بوده و در اکثر موارد نوع رفتار زن و مدل پوشش او را در بروز چنین رفتارهایی موثر می دانند. اصطلاح «کرم از خود درخت است» نشانگر توجه منفی جامعه نه به مزاحم بلکه به زن تحت فشار است. آنچه که مرتب شنیده می شود این است که اگر زنی از رفتارهای آزاردهنده مردی احساس بدی داشته باشد حتما عکس العمل نشان می دهد و سکوت او نشان دهنده رضایت است. اما به این قضیه توجه نمی شود که در فضایی مردم سالار، سکوت زن نیز نشان از سرکوب اوست.

دکتر سعید معدنی جامعه شناس و استاد دانشگاه در مصاحبه با نسیم جنوب:

اگر فکر عاجلی نشود، شاهد افزایش جرایم و انحرافات بیشتری در جامعه خواهیم بود

مصاحبه از میثم قیصی زاده



– دورکیم، جامعه شناس فرانسوی، معتقد است که جرم تا حدی یک پدیده طبیعی برای تمام جوامع است، در تمام زمان ها وجود داشته و از فرهنگ و تمدن هر جامعه ناشی می شود. وی در تعریف جرم می گوید: «جرم از نظر ما، عملی است که حالت نیرومند و روشن وجدان جمعی را جریحه دار می کند.» و در بیان خصلت مشترک همه جرم ها می نویسد: «جرم ها اعمالی هستند که همه اعضای یک جامعه آن ها را به صورت عام محکوم می کنند.»
با توجه به این تعریف، به نظر شما در چه حالتی می توان گفت که بروز جرم در یک کشور یا منطقه از حالت طبیعی فراتر رفته و به مرز خطرناک و حالت قرمز رسیده است؟
ـ دورکیم و سایر جامعه شناسان معتقدند که وجود هنجارشکنی و انحراف برای پیشرفت جامعه، تاحدی لازم است. (من موقتاً در اینجا جرم را درقالب انحراف تعریف می کنم.) به عبارتی اگر در جامعه هنجارشکنی وجود نداشته باشد، جامعه نمی تواند پیشرفت کند. اگر همه ی انسانها در طول تاریخ به قوانین و هنجارهای موجود در جامعه کاملاً وفادار می ماندند، و از آن تخطی نمی کردند، در جوامع تحولی پیش نمی آمد. نیاز به ادیان و باورهای جدید احساس نمی شد. یادمان باشد همه ی پیامبران در زمان آغازین تبلیغ خود، به نوعی هنجارشکن و منحرف و مجرم از سوی جامعه و حکام تلقی می شدند. همه ی انقلابیون، همه ی اندیشه های نو، در جامعه به نوعی انحراف هستند . پس انحراف تاحدودی در جامعه ضروری و لازم است.
اما اینکه در چه حالتی جرم از خصلت طبیعی خود فراتر می رود و جامعه در مقابل آن حساس می شود، این امر کاملاً نسبی است و از جامعه ای به جامعه ی دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است. مثلاً ممکن است در یک روستا، چند نسل بگذرد و پدیده ای به نام خودکشی اتفاق نیفتد؛ ولی در شهرها این اتفاق هر روز به دفعات مشاهده می شود و بعضاً شاید طبیعی هم تلقی شود، پس این امر کاملاً نسبی است.
دورکیم در مقابل وجدان فردی، وجدان جمعی را مطرح می کند. از لحاظ وجدان فردی، همانطور که ما رفتاری را انجام می دهیم و سپس عذاب وجدان داریم، مثلاً معلمی احساس می کند حق دانش آموز را ادا نکرده و فرصت تجدید نمره را هم ندارد دچارعذاب وجدان می شود. در مقابل این نوع وجدان، دورکیم براین باور است که ما وجدان جمعی هم داریم و آن جریحه دار شدن احساس عمومی جامعه در پی وقوع برخی حوادث و جرائم است و اینکه جامعه نگران بوده و اذهان عمومی پریشان می شود. در جوامع ماقبل مدرن معمولاً افراد به شکل فردی یا گروهی واکنش نشان داده و اعتراض خود را بیان می کردند. اما در جوامع امروزی و مدرن، با توجه به گسترش شهرها و افزایش جمعیت، احزاب، رسانه ها و روزنامه ها این مسئولیت را برعهده دارند.
برای مثال حوادثی که اخیراً در نروژ رخ داده و دانش آموزان در یک اردو به قتل رسیده اند، مدتها سوژه ی اول رسانه هاست و اتفاقاً حکومت های مدرن هم آنها را آزاد گذاشته اند تا موضوع را مطرح کرده و پیرامون آن تحلیل ارائه دهند. به این ترتیب هم احساسات جریحه دار شده ی جامعه ترمیم می یابد و هم از خلال آن راه حل هایی برای مبارزه پیشنهاد می شود. اما ظاهراً مسئولین ما از نشریات و رسانه ها خواسته اند تا به این حوادث دامن نزنند و آنها را منعکس نکنند و یا در انعکاس آن به شکل محدود عمل کنند. در حالیکه به لحاظ جامعه شناسی این رویه در یک جامعه ی هفتاد میلیونی با داشتن چندین کلان شهر مدرن، منطقی به نظر نمی رسد زیرا اگر رسانه ها حساسیت نشان ندهند، انحراف و جرم به شکل زیرپوستی آنقدر در جامعه گسترش می یابد که پس از مدتی دیگر نمی توان آنرا جمع و جور کرده و با آن مبارزه کرد. در حقیقت روزنامه ها و رسانه ها چشم ناظر و مراقب جامعه ی مدرن هستند و اگر این پدیده ها را انعکاس دهند، جامعه خود را برای پالایش درونی آماده می کند.
پس به این ترتیب اینکه وقوع پدیده ی جرم، طبیعی است یا غیرطبیعی، این وجدان عمومی جامعه است که مشخص می کند. و در جوامع نوین، رسانه ها سنسورها و شاخک های حساس وجدان جمعی هستند.
– همانطور که می دانید آگوست کنت معتقد بود که عوامل اجتماعی به شدّت در رفتار و اعمال افراد مؤثر بوده، آن را شکل می دهد. مهمترین عوامل شکل دهنده جرم و آسیب های شدید اجتماعی، چه چیزهایی هستند؟
ـ در هر جامعه ای عوامل اجتماعی متعددی در وقوع جرایم خشن تأثیر دارند. مثلاً عوامل اجتماعی جرم در افغانستان یا پاکستان متفاوت از کشوری مثل آلمان یا فرانسه است. اما بهرحال چون همه ی جوامع امروزی یا مدرن هستند و یا در حال مدرن شدن، عواملی چندی است که تقریباً در همه ی کشورها، در وقوع جرم مشترک هستند، از جمله: ۱ـ درونی نشدن قانون و هنجارهای اجتماعی در افراد است. به عبارتی افراد به دلیل ترس از پلیس و دادگاه به قانون عمل می کنند نه اینکه ایمان به قانون داشته باشند. به همین دلیل جرائم در مناطقی رخ می دهد که حضور پلیس ضعیف یا کمرنگ است. اما اگر هنجارهای اخلاقی و قوانین درونی شوند و افراد به آن ایمان داشته باشند، جرایم کاهش می یابند. ۲ـ عدم وجود و یا حضور کم رنگ عدالت اجتماعی؛ وقتی عدالت اجتماعی وجود داشته باشد، ثروت در جامعه عادلانه تر توزیع می شود، آزادی در جامعه وجود خواهد داشت، همه ی اقشار جامعه به طور یکسان به موقعیت های تحصیلی و شغلی دسترسی خواهند داشت، و در نهایت افراد جامعه احساس حقارت نخواهند کرد. ۳ـ نکته ی دیگر که در جوامع امروزی باید به آن توجه شود، وجود دمکراسی و انتخاب حکام از سوی افراد جامعه است. در این صورت است که هردو، یعنی هم حاکمان و هم مردم، نسبت به همدیگر احساس مسئولیت خواهند کرد. ۴ـ شایسته سالاری یکی از نشانه های جامعه ی متمدن است. در یک جامعه ی دمکراتیک این مردم هستند که براثر تجربه و آزمون، افراد شایسته را در جامعه انتخاب می کنند. و مسئولیت ها را به او می سپارند، و درصورت لزوم او را خلع می کنند. البته به عوامل فوق می توان عوامل دیگری نیز اضافه کرد مثل فقر، بیکاری و غیره.
–همانطور که مطلعید دورکیم همانند دیگر جامعه شناسان برای پدیده های اجتماعی در پی علل اجتماعی بود، و برای نمونه در پدیده خودکشی، که شاید بارزترین پدیده روانی نزد دیگران محسوب میشود، نیز علل اجتماعی را موثر می دانست. از این رو، او در کتاب خودکشی، علت انتخاب خودکشی توسط افراد را کاهش یا نابودی اتحاد و همبستگی اجتماعی دانسته و معتقد است که هر قدر میزان همبستگی، اتحاد و هم دردی در بین افراد یک جامعه کم تر شود، میزان خودکشی افراد در آن جامعه بیش تر خواهد شد.
آیا می توانیم در بروز آسیب های شدید اجتماعی که اخیرا خبر آن منتشر شده همانند اتفاق تجاوز دستجمعی در خمینی شهر و کاشمر و ازدیاد زنای به عنف و ضرب و جرح عمدی در جامعه، به این نظریه دورکیم استناد کرده و ارتباطی بین کم شدن میزان همبستگی، اتحاد و همدردی بین افراد جامعه با ازدیاد این جرایم خشن در جامعه پیداکنیم؟
ـ البته دورکیم صرفاً بین همبستگی و خودکشی تحقیق کرده است و در رابطه با سایر جرائم پژوهشی انجام نداد. ولی بنظر می رسد هر چقدر در جامعه همبستگی اجتماعی بالا باشد، جرائم کاهش پیدا می کند. تحقیق دورکیم نشان می دهد پیروان مذهب کاتولیک کمتر دست به خودکشی می زنند تا پیروان مذهب پروتستان، زیرا همبستگی اجتماعی و ارتباط بین کاتولیک ها بیشتر از پروتستان هاست. و یا در جامعه ای که دورکیم تحقیق کرده، (احتمالاً شهر پاریس) مردم در تابستان بیشتر با هم آمد و شد داشته و لذا نرخ خودکشی در تابستان کمتر از زمستان است. و یا متاهل ها به دلیل تعهد خانوادگی و دارای وابستگی به همسر و فرزندان، کمتر از مجردها خودکشی می کنند و جالب آنکه مطلقه ها بین این دو قرار دارند. به این ترتیب، هر چقدر در جامعه، همبستگی اجتماعی بالا باشد، احتمالاً جرایم کاهش می یابند.
اما جامعه شناسان متاخر، نظریه ی سرمایه ی اجتماعی را مطرح می کنند، که به نوعی ادامه ی همان نظریه ی دورکیم است.
–لطفا درباره این نظریه توضیح بفرمایید.
– سرمایه ی اجتماعی از دو جزء تشکیل شده: یکی اعتماد و دیگری پیوند. هر چقدر اعتماد عمومی و پیوند اجتماعی بین افراد جامعه بالا باشد، بحران های اجتماعی کمتر بوجود می آیند. و در پی آن، جرائم و انحرافات کاهش می یابند. برخی از پژوهشگران اجتماعی، که بر روی سرمایه ی اجتماعی در ایران کار کرده اند، معتقدند که در چند دهه ی اخیر، متاسفانه ما شاهد فرسایش سرمایه ی اجتماعی در ایران بوده و این فرسایش در وقوع جرایم و انحرافات بی تأثیر نیست.
– توماس موریس اندیشمند انگلیسی، در کتاب اتوپی، فقر را عامل مهم شورش ها و تخلف از قوانین و مقررات می داند و برای پیش گیری از بزه کاری، بهبود وضع اقتصادی، تعدیل ثروت، رفع اختلافات طبقاتی، اشتغال بیکاران و بزه کاران را توصیه نموده است. به نظر شما فقر تا چه اندازه باعث روی آوری افراد به جرایم خشن همانند زنای به عنف و ضرب و جرح عمدی و... می شود.
ـ فقر یکی از عوامل وشاید مهمترین عامل در وقوع انحراف و جرم می باشد. در اینجا بهتر است به یک نظریه ی مهم روانشناسی اشاره ای داشته باشیم. در روان شناسی اجتماعی دو اصطلاح وجود دارد: یکی «محروم» و دیگری «ناکام». «محروم» به کسی می گویند که از محرومیت خود خبر ندارد. و «ناکام» به کسی می گویندکه از محرومیت خود خبردارد. مثلاً یک قرن قبل در بسیاری از روستاها و حتی شهرهای ایران فقر وجود داشت. اما لزوماً به شورش و انقلاب منجر نمی شد، چون افراد نمی دانستند که محروم هستند! چون این را تقدیر خود می شمردند. اما محرومی که می فهمد محروم است کم کم شروع به اعتراض می کند. برای مثال محققان اجتماعی یکی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را انجام اصلاحات ارضی توسط شاه می دانند. زیر همراه با اصلاحات ارضی، مردم از روستاها به شهرها آمدند و در جریان مدرن شدن جامعه قرار گرفتند، و با گسترش وسایل ارتباط جمعی، شهرنشینان از محرومیت خود آگاه شدند و به عبارتی ناکامی را احساس کردند. مثلاً یک نفر ساکن جنوب شهر تهران، در دهه ی ۵۰ هجری شمسی، با یک بلیط سوار اتوبوس شده و شمال شهر تهران را ـ نیاوران ـ را مشاهده می کرد و سپس به فاصله ی طبقاتی و فقر خود و اطرافیان خود آگاهی می یافت. به همین دلیل است که انقلاب از شهرهای بزرگ شروع شد. امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی، همه ی افراد نه تنها خود را با شهرنشینان مرفه، بلکه با غربی ها مقایسه می کنند و لذا دچار نوعی ناکامی اجتماعی و عقده ی حقارت می شوند و چون وسایل و ابزار قانونمند برای رسیدن به ثروت و موقعیت های اجتماعی بسیار محدود است، لذا راه های خلاف را انتخاب می کنند. شک نکنیم با وجود فقر، فاصله ی طبقاتی شدید، عدم اشتغال جوانان و گسترش بیکاری، در آینده جرایم بیشتر خواهند شد. بنظر می رسد متاسفانه در چند سال اخیر، به دلیل عدم مدیریت صحیح و واردات بی رویه، بسیاری از کارخانجات و صنعت کشاورزی دچار مشکل شده و به دامنه ی بیکاری و فقر افزوده شده است و اگر فکر عاجلی نشود ما شاهد افزایش جرایم و انحرافات بیشتری در جامعه خواهیم بود.
– صاحب نظران نوع رژیم سیاسی و نحوه چگونگی برخورد آنها با مخالفان و منتقدان را نیز در بوجود آمدن فضای خشن اجتماعی موثر می دانند، در این زمینه حکومت ها چه تاثیری می توانند بر افزایش یا کاهش فرهنگ خشونت در جامعه داشته باشند؟
ـ حکومت ها عامل اصلی وجود و عدم وجود خشونت در جامعه هستند. زیرا در جهان مدرن این حکومت ها هستندکه باید خدمتگزار جامعه باشند، نه جامعه خدمتگزار حکومت. به قول سعدی: «ملوک از بهر پاس رعیتند. نه رعیت از بهر طاعت ملوک». جالب این است که این جمله را سعدی ۷۰۰ سال پیش گفته اما بسیاری از رژیم های سیاسی این قبول ندارند. و خود را مالک و سرور جامعه می دانند.
البته رژیم های مغرب زمین تا حدودی پذیرفته اند که می بایست به مردم خدمت کنند. وقتی می بینیم که «براون» نخست وزیر سابق انگلستان، در مقابل چند بازپرس به عنوان متهم می نشیند و عرق ریزان به اتهامات خود در رابطه با حمله به عراق پاسخ می دهد، واقعاً لذت می بریم حتی اگر بعضاً مجازاتی برای وی در پی نداشته باشد. مثلاً شما مقایسه کنید براون را با امیر کویت و عربستان و بحرین و یا سایر کشورهای جهان سوم. حاکمان کشورهای غیر دمکراتیک خود را برتر از مردم دانسته و امیر و سرور آنها می دانند! حال آنکه در جهان مدرن، حاکمان کارگزار بوده و اگر لیاقت نداشته باشند، براحتی عوض می شوند. در پاسخ به سوال شما حال اگر حاکمی خود را موظف به پاسداری از جامعه بداند نه تنها منتقدان را سرکوب نمی کند، بلکه حضور آنها در غالب احزاب شناسنامه دار را می پذیرد و بنوعی گردش قدرت در جامعه بوجود می آید. این گردش قدرت باعث می شود که در سطوح جامعه فساد کمتر رایج شود. و از سوی دیگر این گردش قدرت موجب می شود همه در جامعه نسبت به همنوعان خود احساس مسئولیت کنند و در نتیجه از میزان خشونت و جرایم کاسته می شود.

فقر و بیکاری، عامل جرم و جنایت

عابدین عابدی زاده

اگر در خیابان آینه ماشین تون به آینه ماشین بغل دستی برخورد کرد شیشه را پائین نکشید و یا حتی پشت چراغ قرمز هم نایستید (فرار را بر قرار ترجیح دهید).... نمونه ای از جرم جامعه ما.
به زغم من وقتی جرمی در جامعه اتفاق می افتد حاکی از ضعف عملکردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است که منجر به ناامنی در جامعه می شود و این ناامنی تک تک افراد جامعه را تهدید می کند و دیروز مرحوم داداشی و امروز من و فردا شما قربانی چنین خشونت هایی می شویم. چند سالی ست هر از چند گاهی در نقاط مختلف کشور جنایت های هولناکی اتفاق می افتد که دل هر انسان با وجدانی به درد می آید. بدون شک این اتفاقات نشانه و علامت خوبی برای نشاط روحی و روانی جامعه نخواهد بود و دست یاری جامعه شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی را می طلبد تا با همفکری و ارائه راهکارهای اساسی نسخه ای جهت بیماری های اجتماعی جامعه بنویسند. (البته نه نسخه ای که منجر به تشدید بیماری شود).
با توجه به اینکه بافت جمعیتی کشور جوان است و یکی از عوامل اجتماعی شدن جوان امروز کار و اشتغال اوست و افراد با جریان کار دارای شخصیت و هویت اجتماعی یا به عبارتی جامعه پذیر می شوند و در نهایت شخصی که از این خصیصه برخوردار شود کمتر به سمت بزهکاری می رود و یا اصلا نخواهد رفت، اما اگر فردی گرفتار فقر شود و چنان با مشکلات





زندگی دست و پنجه نرم نماید که مرگ را آرزو کند به ناچار چنین شخصی دیگر به هیچ اصولی پایبند نخواهد بود و یا اگر مقید باشد به مراتب پایبندی اش از کسی که از شخصیت اجتماعی برخوردار است سست تر خواهد شد و هر لحظه ممکن است دست به اقدام خطرناکی بزند.
متاسفانه به محض اینکه در جامعه ما جرمی اتفاق می افتد بیشترین درخواست ما محاکمه مجرمین است ولی آیا با محاکمه و یا اعدام مجرم می توان انتظار داشت که دیگر جرمی اتفاق نیافتد. اگر بله! پس چرا هر روز شاهد تکرار جرم به همان گونه جرم قبلی هستیم.
بنابراین مساله اصلی این است که باید ریشه های بروز بزهکاری در جامعه را بخشکانیم.
به عنوان مثال می توان جامعه را به ارگانیسم ها داخلی بدن تشبیه کرد. اگر سلول های سرطانی، حتی کوچکترین سلولها را از بین نبریم دوباره قدرت رشد سلولی پیدا خواهند کرد با این تشابه که با بیماری های جامعه نیز باید اینگونه برخورد کرد و حتی کوچکترین ریشه بزه را از بین ببریم تا دیگر نگران رشد آسیب ها و بیماری های اجتماعی نباشیم، البته نه فقط به صورت مجازات مطلق بلکه با آسیب شناسی جرم و فرهنگ سازی.
به هر حال فارغ از اینکه قوه قضائیه چه برخوردی با افراد مجرم می کند باید در پی ریشه یابی این گونه ناهنجاری ها و بزهکاری ها نیز باشد. شاید تا زمانی که مقوله فقر و بیکاری در جامعه وجود داشته باشد و کانون گرم خانواده ها را تهدید کند به طور قطع شاهد تکرار اینگونه اتفاقات خواهیم بود.
یکی از آثار و لوازم لاینفک آسیب های اجتماعی جامعه فقر و بیکاری است که تلاش مسئولان برای مشارکت دادن مردم در اقتصاد کشور را می طلبد چرا که شخص در این صورت است که دارای هویت اجتماعی می شود و به طور ناخواسته به جای جرم و جنایت دست به خلاقیت های مثبت می زند.
مطلبم را با حدیث زیبایی از امیر کلام مولی علی (ع) پایان می دهم: هنگامی که فقر از دری وارد می شود ایمان از در دیگر خارج می شود و در حدیث دیگر می فرماید عبادت مومن کار اوست.
– وبلاگ اتاق روشن اندیشه ام

مصاحبه با دکتر علی پولادی استاد روانشناسی دانشگاههای بوشهر:

دوگانگی و ابهام و تزویر ، باعث تضاد در روحیه نوجوانان می شود



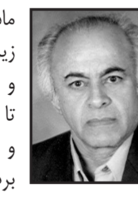
– آقای دکتر این روزها بحث هویت و بحران هویت در زندگی نوجوانان و جوانان یکی از دغدغه های مهم خانواده ها و جامعه است. اصولا چه تعریفی می توان از مفهوم هویت ارائه داد؟
– اساساً دوره نوجوانی، دوره شکل گیری هویت است.
دوره ای که نوجوان مفهوم چه کسی هستم؟ چگونه هستم؟ چه می توانم و چگونه خواهم بود؟ را در ذهن خود مجسم می سازد و این را پیوسته تکرار می کند. نوجوان به دنبال ترسیم تصویری از خویشتن است که آن تصویر در مقام پاسخگویی بر پرسشهای چندگانه اخیر است. روان شناسان از چهار نوع واکنش در برابر بحران هویت سخن می گویند که شامل: ۱– واکنش فعال ۲– واکنش بی قیدی ۳– واکنش تاخیری ۴– واکنش تسلیم جویانه است. فردی که فعالانه در برابر بحران هویت واکنش نشان می دهد درگیری چندانی با خویشتن ندارد و در مسیر و جریان رشد نوجوانی مباحثی مثل تحصیل، شغل، رفتار اجتماعی، عشق ورزی و غیره هماهنگی و هارمونی دیده می شود. این حالت در زمانی است که جامعه به نوجوان و ارزش ها و انتظارات او احترام و ارزش قائل باشد یا اینکه بین ارزش های فرهنگی و اجتماعی خانواده و جامعه تضاد زیادی موجود نباشد. علاوه بر آن نوع نگرش والدین در رعایت حرمت و احترام به نوجوان همراه با نظارت دلسوزانه، زمینه و بستر مناسب را برای شکل گیری این نوع هویت فراهم می کند که علی الاصول این نوع هویت جمع خیرات برای نوجوان، خانواده و جامعه است. اساساً باید ارزش های اجتماعی و فرهنگی را با ادبیات نوین و جدید و الگوهای جذاب به نوجوانان ارائه داد زیرا که نوجوانان و جوانان در جامعه امروزی ما به بسیاری از این منادیان ظاهری ارزش ها، اعتماد و اعتقادی ندارند.
– چرا این گونه است؟
– برای اینکه دوگانگی و ابهام و تزویر حالاتی است که با روحیه نوجوانان در تضاد است و اساسا اصالت نوجوانی از تزویر و ریا، گریزان است. بنابراین اگر جامعه نتواند نمونه های عینی اندیشه ای، فرهنگی، هنری، ورزشی و غیره برای فرزندان خود فراهم کند باید آماده باشد تا محصولات دیگران را پذیرا گردد که چه بسا با ارزش های فرهنگی و اعتقادی آن جامعه در تباین هم باشد. در جامعه امروز ما این شرایط نامتجانس و خالی به چشم می خورد و به همین دلیل است که هر گونه محصول وارداتی از هر نوع و گونه ای به سادگی و با کمترین هزینه جای خود را در کشور باز می کند و بسیاری از نوجوانان هم با آن الگوها همانند سازی می کنند.
– مدتهاست که شاهد افزایش انزوا طلبی و تنهایی بسیاری از نوجوانان و جوانان در جامعه هستیم. برخی آنرا به کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، مربوط می دانند. چه دلایلی در این موضوع دخالت دارند؟
– در این رابطه باید عرض کنم که تنهایی و انزواگزینی جوانان علل و عوامل مختلفی دارد که همانطور که اشاره داشتید کمبود امکانات هم از آن جمله است. اما به نظر می رسد فاکتورهای روان شناختی و اجتماعی در احساس تنهایی و تمایل به انزوا گزینی جوانان تأثیر بیشتری دارد. مخصوصاً در جامعه ای که امکانات و توانمندی ها به عدالت توزیع نشده باشد. دنیای جوان دنیای حساس و ظریف است که با کوچکترین تبعیض و بی عدالتی دستخوش دگرگونی و دشواری می گردد. حال تصور بفرمائید اگر در بطن جامعه تبعیض به سادگی قابل لمس باشد، این احساس را در نوجوان و جوان ایجاد می کند که رضایت از زندگی، احساس شادمانی و نشاط و شادابی میسر نیست و بنابراین در غیاب این حالات عاطفی مثبت، علائم منفی مثل دوری گزینی رشد و گسترش پیدا می کند.
– برای آشتی و پیوند جوان با محیط بیرونی باید اعتماد و اطمینان وجود داشته باشد هرگاه جوان احساس کند که دیگران خواه خانواده، دوستان و افراد دیگر نمی توانند او را درک کنند، احساسش را لمس نمی کنند و پناه گاههای حمایتی توانمندی برای او نمی باشند، نتیجه مشخص خواهد بود و آن هم دوری گزینی و فاصله گرفتن از دیگران و تمایل به فرو رفتن در دنیای درون و خیال پردازی های بی حاصل است. البته راجع به خیال پردازی باید بگویم که فی نفسه خیالپردازی چندان بد هم نیست زیرا که اختراعات بزرگ در ابتدا با یک خیال پردازی آغاز شده است. تخیل در دوره کودکی ضروری و پایدار، در دوره نوجوانی پذیرفتنی و در دوره جوانی تا حدی قابل قبول است. اما اگر خیالپردازی پیوسته، بی نتیجه و دور از واقعیت های عملی باشد برای جوان مضر خواهد بود. عامل دیگری که فکر می کنم در انزوا و دوری گزینی جوانان نقش دارد تکنولوژی های نوین، اینترنت ماهواره و تلفن همراه است. خصیصه این وسایل ایجاد محدودیت در روابط بین فردی و اجتماعی برای افراد است. البته بهتر است بگوییم که شکل روابط عاطفی را دگرگون می کند و آن را به دنیایی مجازی انتقال می دهد. به همین دلیل است که ما در این زمینه بحث اعتیاد و وابستگی به اینترنت را مطرح می کنیم که می تواند پی آمد های زیانباری برای رشد و ارتقاء فردی به دنبال داشته باشد. عامل دیگری که احساس تنهایی را در نوجوانان تقویت می کند بی توجهی به باورها و خواسته های مدنی و نادیده انگاشتن نیازهای روان شناختی جوانان از سوی سیستم فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی است. که این باورها باید بستر و زمینه برای بروز و ظهور و شکوفایی داشته باشد. انجمن ها، NGO ها، احزاب و گروه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی یکی از محورهای اساسی برای بروز و مجال این ویژگی هاست.
علاوه بر آن از نظر روان شناسی، فرد در ارتباط با گروه است که فرآیند اجتماعی شدن در او شکل می گیرد و تحول پیدا می کند. بنابراین هرگاه ارتباط فرد با گروه در معنای عام و مثبت آن دشوار می گردد فرآیند اجتماعی شدن فرد با نوسان مواجه می شود که پی آمد آن می تواند به صورت احساس تنهایی افسردگی و احساس بیگانگی از خویشتن ظاهر شود.

نسیم جنوب
۶
گزارش
شماره ۶۳۴ یکشنبه ۵ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

خیال

تقدیم به تمام کسانی که از سایه پدر محروم شده اند

نجف آهوچهر



مادر با فریاد دخترش را صدا کرد، جلدی زیر تووه تش بر کو همی حالا بوات میا و گشنه شن، دار و قالش راس می شه تا مو هم خمیر توی جفنه۱ چونه کنم و لای لکارد۲ بذارم سی پهن کردن و برشوندن. دختر و مادر شروع به کارهایی که سفارش شده بود کردند. دختر خار اشترها و تخته پاره ها را زیر تاوه قرار داد و آتش زد تا تاوه گرم شود، مادر هم چونه های خمیر را در لای لکارد قرار داد و تیر و چووه و تخته دایره شکل که به آن خون می گفتند آماده کرد و چونه ها را یکی یکی روی تخته دایره ای قرار داد و با تیر و چووه صاف می کرد و روی تاوه می گذاشت کمی که برشته می شدند آنها را برمی داشت و در تویزه۳ می گذاشت و برای اینکه خشک نشوند پارچه ای روی آنها می انداخت، پس از پختن تمامی نان ها همه را در جفنه گذاشت و تویزه را روی آنها وارو کرد در همین بین صدای گاری و شیهه اسب که گاری را حمل می کرد شنیده شد، پدر از سرکار بازگشته بود.

گاری را از اسب جدا کرد و در گوشه حیاط قرار داد و اسب را در زیر سایه درخت گل ابریشم بست و مقداری کاه و یونجه جلوش ریخت و پس از آن دست و صورتش را با آب چاه شست و از مهتابی۴ بالا آمد و روی حصیر نشست، زن به او خسته نباشید گفت و دیگ اوداغک۵ که خورشِ همیشگی خانواده بود کنار سفره گذاشت و جفنه ی نانها و کُفه ی ۶ پیازی را هم آورد تعدادی نان در لگن بزرگی قطعه قطعه کرد و دیگ اوداغک را روی آنها ریخت. پدر با هر لقمه پیازی با یک ضربت دست دو نصف می کرد و همراه نانهای تریت شده به دهان می برد و بعد از هر لقمه شکری و حمدی بجای می آورد که سالم است و توان غذا خوردن و کار کردن دارد. دختر با اشتیاق به پدر خسته اش و طرز غذا خوردنش نگاه می کرد و از خدا می خواست که همیشه سالم باشد و با این حالت غذا بخورد و سایه اش بر سر آنها باشد که بهترین حامی خانواده بعد از خدا پدر است و از ته دل می گفت پدر چقدر عزیزی و چه با شکوهی و پیش خود می گفت این دم و لحظه را با دنیا عوض نمی کنم و باز به پدرش نگریست و در همین حالت قطره ی اشکی از گوشه چشمانش جاری شد که با گوشه ی مینار۷ پاک کرد. مادرش او را بانگ زد که چرا هنوز زیر تاوه آتش روشن نکرده ای؟ حواست کجاست؟ دختر تازه متوجه شد که تمام این لحظات در خیال پدر بوده و جنبه ی واقعی نداشته است. آهی کشید و سیل اشکش جاری شد و آرزو می کرد کاش پدر زنده بود و با خود این بیت شعر را زمزمه می کرد و می گریست.

شرمم کُشد که بی تو نفس می کشم هنوز
تا زنده ام بس است همین شرمساریم

۱.جفنه: محفظه ای چوبی و لبه دار که در آن نان نگهداری می کردند و آرد را نیز در آن خمیر می کردند.
۲. لکارد: پارچه ای سفید و ضخیم برای نگهداری خمیر و پوشش نان ها که با مقداری آرد مخلوط بود.
۳. تویزه: بافته شده با چوب و برگ درخت خرما بشکل دایره که بجای سفره هم استفاده می شد.
۴. مهتابی: سکویی که جلوی اتاق ها زده می شد که حدود حداقل یک متر از حیاط منزل بلندتر بود.
۵. اوداغک: خورشی که تشکیل شده بود از پیاز سرخ شده در روغن و مقداری زردِ چوبه و یکی دو لیتر آب.
۶. کُفه: زنبیلی بافته شده از چوب و برگ درخت خرما که گاهی با برگ های رنگین تزئین می شد.
۷. می نار: روسری نازک و سیاه رنگ برای پوشش موهای زنان در قدیم.

"کارمند بی نوا"

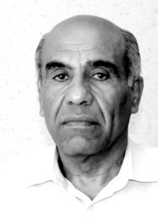
حسین بازیاری

کارمندی بی نوایم
که داغ همیشگی فقر بر تن دارم
و با چهارصد هزار تومان و اندی حقوق
سال های سال است که ره به جایی نمی برم
خطوط متفاوتی در هیبت و شکل انسانیم
نمایان است
که می گویند از عشق و آرزوست
اما پزشکان تشخیص داده اند
که سوء هاضمه است
و تا رسیدن به زیر خط مرگ
مرتفع می گردد
در واقع کارگری هستم که گرفتار آمده ام
در زنجیره ی بلا انقطاع کار، قسط، سود، بهره، بهره، بهره
با حقوقی بدان حد اندک و ناچیز
که چیزی از آن به نصیب نبرده ام
جز پرداخت قبض و آب و برق و تلفن
و خرید اندکی نخود و لوبیا
که آن هم زین سبب
در میانه های راه باز می مانم
تا آنچه قرض گرفته ام باز پس بستانند
تنها منم که دوشادوش خانه به دوشان
و مستأجرین صبر می کنم
و بدون مسکن باقی می مانم
تا مسکن مهر
پول دارتر شود
و بیشتر مورد بی مهری واقع گردم
آری، هرچقدر می توانید پول پیش از من بستانید
چون تاب و توان پرداخت کرایه های سنگین را ندارم
و هر کس آزاد است و می تواند
به آژانس های مسکن مراجعه نماید
تا در این دام و دد فروافتد
آه آشکارا می گویم
سال هاست که گرانی
تناسبی با حقوق اندک من ندارد
بطوریکه کسبه و بازاری و پزشک و غیر پزشک
در ارتقاء نرخ های کاذب خود
بی وقفه در تلاشند و نگاهی به زیر نمی افکنند
بی نوا کارمندی هستم
که بیست سال است
خانه به دوشی و اسباب کشی
خواب از چشمانم ربوده است.

آیا صید و صیادی در خلیج فارس نفس های آخرش را می کشد؟

عبدالحسین کنین





با توجه به موقعیت طبیعی و جغرافیایی خلیج فارس و شرایط زیست محیطی حاکم بر آن شناختی که از این محیط داربم ، سال های سال است که به اتفاق برخی از دل سوزان و آگاهان در امر صید و صیادی (که البته در بین کارشناسان شیلات هم کم نیست) با نوشتن مقالات و گفتگوهای حضوری در رابطه به تهی شدن ذخایر آبزیان خلیج فارس هشدار داده بودم و حتی پایان نامه کارشناسی ارشدم در رابطه با استفاده از صید سنتی و عدم به کارگیری ابزار و وسایل صید صنعتی نوشتم و در تحقیقات میدانی از کاهش روز افزون صید مطالبی عرضه داشتم و حتی توصیه هایی برای بهبود و حفظ این ذخایر عرضه نمودم اما دریغ از یک نظارت جدی و توجه کارشناسانه انگار که خوشحالی زودگذر صیاد بر آینده نگری و توسعه پایدار ترجیح داده شده بود و نتیجه آن شد که پیش بینی میشد، تهی شدن ذخایر ، نابودی زیستگاه ها یا به اصطلاح چراگاه های آبزیان در اثر استفاده بی حساب و کتاب از ابزار و وسایل صید غیر سنتی ، افزایش شناورها بدون توجه به ظرفیت و توان صید ، گران شدن صید در اثر فاصله زیاد صیدگاه های جدید تا ساحل ، کوتاه شدن فصل صید (مخصوصا" صید میگو) با توجه به صید بی رویه و خارج از فصل صید (به اصطلاح قاچاقی) به هنگام تخم ریزی و همچنین استفاده از صید ترال کف و مخصوصا" ترال سطح و استفاده از تورهای صید در روز ، مانند (تور خیطی و تور رکسی) آلودگی و عوامل فرعی دیگر دست به دست هم داده تا میزان صید با همه ی هزینه های هنگفتی که می شود روبه کاهش باشد ، به حدی که انگار خوردن برخی از ماهیان مرغوب جزء آرزوها تبدیل می شود ، همانطور که عرض کردم این مطالب قبلا" هم بنده و دیگران از جمله آقای شادکامی کارشناس شیلات و حاج عبدالرسول غریبی که در اصل مطالب بنده به خاطر ایشان است نوشته اند و قرار نبود دیگر راجع به صید و صیادی چیزی بنویسم ، اما رنج نامه ای به نام (یاد دریا)شعر گونه از دوست عزیزم ناخدا حاج عبدالرسول غریبی بدستم رسید که ناشی از آه و افسوس دردمندانه صیادی است که خود سال های سال با همه ی ابزار و و سایل صید صیادی کرده ، و سالها ریاست تعاونی صیادی بوشهر را هم به عهده داشته و از نزدیک سیستم صید را در چند کشور تجربه کرده ، گرچه تحصیلات آکادمیک ندارد اما به اندازه ای تحصیل کرده است که مسائل صید و صیادی را به صورت علمی تجزیه و تحلیل کند و به قول خودش به اطلاع همه مسئولان رسانده است. حاج عبدالرسول غریبی ، فرهیخته ، با اطلاع ، دلسوز ، به گمان من که مثل ایشان صیاد زاده هستم یکی از کارشناسان خبره صید و صیادی در طول سواحل شمالی خلیج فارس است ، این بار ایشان به زبان شعر گونه مشکلات صید و صیادی را بازگو کرده است ، شعری که فارغ از ایراداتی که ممکن است در اثر عدم رعایت نظم دقیق شعری بر آن گرفته شود ، در حقیقت درد و دل صیاد و صیدگاه است و آه و افسوس صیادی است که به حال روز صید و دریا رنج می برد (نمونه این شعر به نوعی دیگر در کتاب درسی سال دوم دبیرستان دو سال پیش از شاعر دردمند از محیط زیست بیان شده بود) در پی این مقدمه این شعر را بدون کم و کسر می آورم تا چگونگی روند تخریب محیط زیست خلیج فارس از نگاه دیگر بهتر درک شود ، آرزو دارم که تا خیلی دیر نشده با نگاه کارشناسانه تر و علمی تر و با حضور همه ی عوامل صید در یک برنامه ریزی حساب شده ، و پایدار ، خلیج فارس را که منبع تامین رزق و روزی صدها هزار نفر و تامین کننده پروتئین میلیون ها نفر است از ورطه نابودی نجات داده شود.

یاد دریا

عبدالرسول غریبی

دریا یاد تو و یاد همورات
کجا رفت گله گله آن صبورات
کو آن سرخو که گرگور نصفه می شد
زبس پر بی دماغه بسته می شد
دریا یاد تو و یاد قبادات
چه شد خارو کجا رفت ماهی شیرات
چه وابی دبّ و آن حلوای یمانی
چه شد کِرّ و کجا رفت باژلانی
دریا یزّاف ز دستت خون جیگر بی
قباد و شیر سینه تا طفر بی
رو سر خن تا به زونی سنگسر بی
فروشش مفتی و پر دردسر بی
دریا داغی و چلابی چه وابی
گوافت هیچ پیکوها چش هابی
کجا رفت بمبک های نامهربونت
چه وابی آن همه نام نشونت
چه وابی گله گله مید سنگار
کجا رفت صد بیاح در دام سکار
دریا یاد تو و یاد جش تو
شحان لنج گلاته ی خش تو
سبیتی هات سر سر توی بر بی
اگر میدی می گشت او در خطر بی
کجا رفت راژگوی سبیل پلنگی
که راست می کرد قلاب نهنگی
کجا رفت گوفه گوفه میگوی تو
چه شد جالبوت پر شوریده تو
دریا کو آن خروش و جنب و جوشت
کجا رفت ناخدای پر مغز و هوشت
دریا کو آن دکل کو مرد جاشو
کجا رفت آن شراع و نیمه هاشو
دریا سیلم نکن مو شرمناکم
مو اندر روبروت اندوهناکم
مو خو پیرم دیگه دریا نمی رم
هنوزم از پی عشقت اسیرم
مو می دونم که دیگه ناخدا نی
جی پی اس اومده او راهنما نی
مو می دونم دل تو از چه خینن
بلندی نفت و چاه و هم در زمینن
مو هم دیدم بر آغشته با نفت
دو صد گله موتو اندر دلش رفت
مو دیدم ساحلت گشته لجن مال
ز فاضلاب صد آلوده کانال
چه دسّم می ره دریا جز بنالم
ز فقر تو شده در هم خیالم
مو می دونم دل پر درد داری
تو رنگ آسمونیت، زرد داری
مو نادون بیدم و شیلات دانا
مو کم زور بیدم و دولت توانا
به هر کس وام داد تا گرده صیاد
بدیم صورت ذخایر رفت بر باد
به فکرش بود شغل است و یه کاری
از این ره کم شود نرخ بیکاری
موتور با لنج آوردند بسیار
نبودند عاقبت در کار هشیار
بخشکاندند دریای وجودت
گرفتند زندگی و رنگ و بویت
نه که تقصیر دولت بود تنها
صیاد هم سهم دارد زین خطاها
نبوده با طبیعت یار و همراه
به فصل تخم ریزی رفته دریا
گرفته ماهی نورس و نوزاد
به غفلت داده او آینده بر باد
به پنهانی کشیده گوفه هایش
سیصد چشمه نموده تورهایش
نه یک الف و دو الف گرگورهایش
مطاف با بحرکان در زیر پایش
سپس شد رکّی مبنای کارش
که یعنی گشت پایان روزگارش
بدیم صورت شده ایام هشدار
که ای صیاد باید گشت بیدار
دریا، صیاد در آه و عذاب است
ز بی صیدی و جاشویی خراب است
نه راه پیش دارد نه ره پس
فقط رحمی خدا بنماید و بس

آشنایی با دانشنامه اینترنتی ویکی‌پدیا

محمدعلی بختیاری



چند روز پیش دوستی را که مهندس برق است و برای شرکتی در بوشهر کار می کند، ملاقات کردم. گفت: در حال انجام تحقیقی برای شرکتمان هستم و منابع کمی در اختیار دارم. هر چند من از برق و مهندسی سررشته ای ندارم او را راهنمایی کردم که موضوع تحقیقش را در سایت ویکی‌پدیای انگلیسی جستجو کند. در کوتاه زمان توانستیم آن را بیابیم و از مطالب مورد نظر پرینت بگیریم. وی باور نمی کرد که چنین موضوع تخصصی‌ای به رایگان در اینترنت وجود داشته باشد!

ویکی‌پدیا نام یک دانشنامه یا دایرهٔ‌المعارف آنلاین (اینترنتی) است که برای نخستین بار توسط یک جوان آمریکایی به نام جیمی ولز در سال ۱۳۷۹ در محیط وب پایه گذاری شد. طرحی که وی برای این دانشنامه داشت واقعا «ناشدنی» به نظر می رسید و تاکنون نیز عجیب می نماید، ولی این پروژه نه تنها اجرایی شد، بلکه امروزه «ویکی‌پدیا» یکی از مهمترین و آسان‌ترین راههای به دست آوردن دانش و اطلاعات در سطح جهان است.

دایرهٔ‌المعارف ویکی‌پدیا اکنون به دهها زبان در پهنه وب وجود دارد ولی مهمترین آن ویکی‌پدیای انگلیسی با بیش از سه میلیون و هفتصدهزار مقاله و پس از آن ویکی‌پدیای آلمانی با بیش از یک میلیون و دویست هزار مقاله و در رتبه سوم ویکی‌پدیای فرانسوی با بیش از یک میلیون و صدهزار مقاله است. ویکی‌پدیای فارسی در سال ۱۳۸۲ پایه گذاری شد و اکنون با داشتن حدود ۱۵۰ هزار مقاله رتبه بیست و چهارم را در میان ویکی ها دارد.

همانطور که از نام «دانشنامه» برمی آید موضوع این مقالات شامل «همه چیز» می شود. از عمومی ترین موضوعات تا تخصصی ترین مطالب در رشته‌های علمی و فنی. برای مثال در ویکی انگلیسی که مقالات فراوانی دارد، تقریبا برای هر چیزی که دور و برمان می بینیم یا می شنویم شامل تمام گیاهان، جانوران، اشیاء، مشاهیر، جاهای جغرافیایی، موضوعات علمی و فنی و تاریخی و ادبی و فلسفی و هنری و تقریبا هر چیزی که به ذهن برسد مقاله وجود دارد. مطلب مورد نظر شما با جستجوی ساده اینترنتی به ویژه اگر در خود سایت ویکی‌پدیا جستجو شود به راحتی قابل یافتن است.

شگفتی این دانشنامه به این است که تمام مطالب آن توسط افراد داوطلب (کاربران) و از درون خانه‌ها نوشته می‌شود. یعنی هر کس که به اینترنت دسترسی دارد می تواند با وارد شدن به این سایت به آدرس www.wikipedia.org ویکی پدیای زبان مادری خود را پیدا کند و با آموختن برخی نکات اولیه ویرایش کردن و مقاله نویسی، مقاله تازه‌ای را ایجاد کند و یا درباره موضوعات مورد علاقه خود مطالبی را به مقالات موجود بیفزاید. نقطه ضعف این دانشنامه همان نقطه قوت آن است، یعنی اگر کسی مطلب نادرستی را وارد دانشنامه کند آن مطلب سریعا توسط دیگر کاربران زدوده می شود و با سازوکار قانونمندی که برای این دانشنامه تعریف شده و اجرا می‌شود مطالب آن معمولا مستند، به‌روز و قابل استناد هستند.

هر چند تعداد زیادی از دانش آموزان، دانشجویان و مردم کشورمان از مطالب و مقالات ویکی‌پدیای فارسی استفاده می کنند ولی احتمالا بیشتر آنها نمی دانند که تمام این مطالب توسط افرادی مانند خود آنها نوشته شده است. همانطور که گفته شد اکنون ویکی‌پدیای انگلیسی بیشترین و پرمحتواترین تعداد مقاله، تصویر و مطلب را به بازدیدکنندگانش ارائه می کند. دلیل تفاوت ارزش ویکی ها (که تعداد آنها به بیش از ۲۸۰ زبان می رسد) تنها در کیفیت و تعداد افرادی است که داوطلبانه و برای خدمت به هموطنان و همزبانان خود در این سایت مطلب می نویسند.

اکنون در ویکی فارسی تنها حدود ۵۰ تا ۷۰ نفر بطور فعال یا نیمه فعال به این دانشنامه مطلب می افزایند و از آن محافظت می‌کنند، در حالیکه به نسبت جمعیت، در کشورهای اروپایی و غربی مشارکت افراد جامعه ده تا بیست برابر بیشتر از مشارکت افراد در کشورهایی مانند ایران است. بیشتر کاربران فعال ویکی فارسی دانشجو هستند و افراد کاملا متخصص که لازمه گستره وسیعی مانند دانشنامه است در میان آنها فراوان نیست. مشارکت خانمها نیز به نسبت آقایان بسیار پایین است و تنها دو تا سه کاربر خانم در این دانشنامه فعال محسوب می شوند. از استان بوشهر نیز ظاهرا تنها یک کاربر فعال وجود دارد که برخی مقالات جغرافیایی استان مانند روستاها و شهرستانها را می‌نویسد.

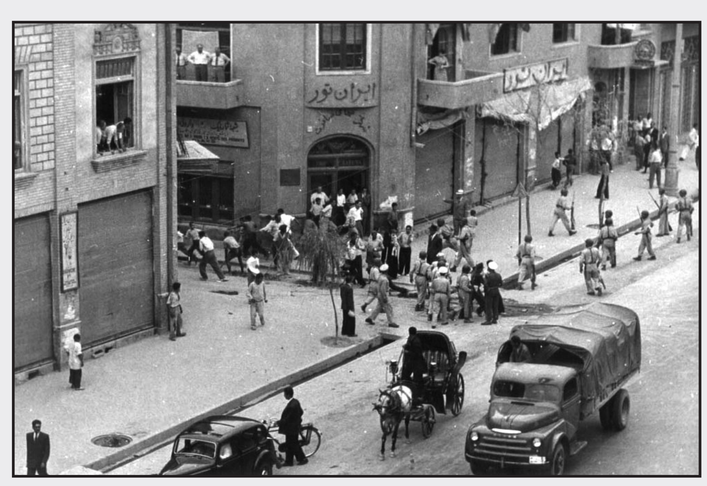
این در حالی است که این سایت یکی از پربازدیدکننده ترین سایت های فارسی زبان است.

دانشنامه ویکی‌پدیا جایی است که در آن دوستداران ایران می‌توانند در گسترش دانش و فرهنگ و آگاهی در سطح جامعه و در میان هموطنان خود سهم بسزایی داشته باشند.

چرائی کودتای ۲۸ مرداد

سیروس بنه گزی





پیروزی سی تیر وحکم دادگاه لاهه به نفع حقوق حقه مردم ایران در دعوای نفتی ایران وانگلیس ؛ همراه با محبوبیت بیش از بیش دکتر محمد مصدق در بین مردم به خاطر موفقیت و پایمردی در پیشبرد سیاستهای استقلال طلبانه و آزادیخواهانه و کسب منافع ملی در هماوردی با استعمار انگلیس ؛ سراغاز جوانه زدن کینه ونفاق و بخل و حسدی در میان برخی از مبارزان ویاران نیمه راه و فرصت طلبان وسهم خواهانی گردید که از سوی دولت انگلیس هدایت میشد و سرانجام آن به کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ وسقوط دولت ملی دکتر مصدق ختم گردید.

خروش سی تیر اگر چه شاه را واداشت تا در مقابل خواسته های مصدق عقب نشیند .اما همزمانی آن رویداد ملی با اعلام حکم دادگاه لاهه مبنی بر عدم صلاحیت دادگاه در رسیدگی به شکایت دولت انگلیس در مناقشه نفتی اش با ایران ؛ دولت انگلستان را بر این باور انداخت که دراین قضیه حیثیتی نفتی ؛ نه تنها منافع اش در ایران که منافع اش در تمام خاورمیانه به خطر افتاده است. پس جدی تر وارد نبرد سیاسی واقتصادی با دولت ایران شده و پروژه سرنگونی دولت ملی مصدق را از طریق رایزنی گسترده برای همراه کردن دولت امریکا که تا آن زمان به دلیل وحشت وهراس از سقوط ایران به دامان کمونیسم با دولت مصدق مماشات میکرد آغاز کرد واز سوی دیگر تلاش جدی به عمل آورد تا از طریق نفوذ دیرینه خود در بین روحانیون؛ روشنفکران وبازاریان میان رهبران نهضت ملی اختلاف بیاندازد.

دکتر مصدق خود درباره مخالفت یاران دیروزش میگوید: در میان مخالفین امروزی عده قلیلی هستند که در شروع این نهضت از هم قدمان وهمراهان بوده اند ولی به علتی که ترک ذکر آن اولاست اکنون ملت را در آخرین مراحل پیروزی رها ساخته ودر تضعیف دولت وجلوگیری از پیشرفت آمال ملی حتی از مخالفین قدیم هم پیش افتاده اند.

عدم اجرای خواسته های سهم خواهانه ومداخله جویانه برخی از رجال ملی و مذهبی در عزل و نصب های دولتی توسط دکتر مصدق آتش اختلافها را روشن ساخت و یاران دیروز چون در قبولاندن منویات مداخله جویانه خود در دولت ملی مصدق طرفی نبستند به تدریج پروژه اختلاف بین دکتر مصدق و آیت الله کاشانی را در مجلس کلید زدند وکاشانی نیز که از گماردن برخی افراد در مشاغل بر خلاف نظرش از مصدق گله مند بود وارد ماجرا گردید.

قتل افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور دولت مصدق که گمانه براین بود که مظفر بقایی (از یاران دیروز) با آن ارتباط داشته و تحصن سرتیپ زاهدی یکی دیگر از مظنونین قتل افشار طوس در مجلس با اشاره مکی (از یاران دیروز) ؛ اصرار بقایی ومکی برای دستگیری واعدام قوام واعتراض آیت الله کاشانی (از یاران ورهبران دیروز) به انتخاب علی اکبر اخوی در کابینه وانتصاب نصرت الله امینی شهردار تهران ؛ وباز دخالت های مستمر کاشانی درسیاستهای داخلی وخارجی دولت از جمله موارد اختلافی میان رهبران نهضت ملی بود که به مخالفان جرئت بیشتری داده تا شدت حملات خود را به دولت افزایش بدهند و با نفوذ در اطراف کاشانی و ابراز وفاداری به وی کاشانی را به عنوان رییس مجلس و حافظ قانون اساسی به مقابله با دولت مصدق بکشانند .آنان این سیاست تفرقه افکنانه بین سران ملی ومذهبی را که از سوی انگلستان طراحی وهدایت میشد تا سرنگونی دولت مصدق ادامه دادند.ایدن وزیر خارجه انگلستان در این باره میگوید : روزی که من متصدی وزارت امورخارجه شدم آبادان از دست رفته بود ونفوذ ما در خاورمیانه رو به تنزل گذاشته بود .در مصر هم پیش بینی تحولاتی میشد که لازم بود مطالعه کنم تا بدانم از چه طریق خود را در مقابل وضعیت موجود قرار دهم ویقین داشتم که قبل از هر چیز باید خود را متوجه کار نفت کنم که منشأ این اختلاف بود .

ایدن در آغازتصدی گری اش در وزارت امور خارجه مأموریت داشت تا دولت ملی دکتر مصدق را با جلو بردن همزمان استراتژی اختلاف در بین رهبران ملی از یک طرف وهمراهی امریکاییان با سیاست های دولت انگلستان از سوی دیگرسرنگون سازد. ایدن در جواب امریکاییان که از سقوط دولت مصدق وافتادن ایران به دامان کمونیسم هراس داشتند میگفت : "بسیار ناگوار است که از ترس کمونیسم به هر قیمتی که شده است با مصدق کنار بیاییم ومن هیچ وقت نمی خواستم قبول کنم که در غیاب مصدق ایران کمونیستی خواهد شد به نظر من شق سومی هم وجود داشت."

ایدن همزمان با اوجگیری آتش اختلاف در بین رهبران در ایران؛ بیکار ننشسته و برای رسیدن به مقصود در اولین اقدام در عرصه خارجی به پاریس رفت وبا آچسن وزیر خارجه امریکا در مورد اختلاف ایران وانگلیس ولزوم همراهی امریکاییان با دولت انگلستان به مذاکرات طولانی پرداخت . ایدن گرچه در این مذاکرات نتوانست حمایت دولت امریکا را انگلستان در دعوای نفتی به دست آورد ولی دو بهره بزرگ را از این مذاکرات به دست آورد که بعدها در ایجاد فشار به دولت مصدق وسرنگونی دولت ملی بسیار موثر افتاد. اول اینکه اوتوانست مقدمات برکناری گریدی سفیر امریکا در ایران را که فرد منصف وبی طرفی بود آماده ساخته وهندرسون مأمور سابق امریکا در هندوستان را که با دولت انگلستان همراه بود جایگزین وی سازد . ایدن خود در باره هندرسون میگوید: "روابط انگلستان وامریکا به واسطه نمایندگی هندرسون در ایران روز به روز بهتر میشد واو شخص لایقی بود که اجازه ندادهیچ وقت مصدق از اختلاف بین امریکا وانگلستان کمترین استفاده را بکند وچنانچه هندرسون در ایران نبود کار طبق نظرات ما پیش نمیرفت." بهره دیگر مذاکرات ایدن با ماچسن وزیر خارجه امریکا وادار کردن دولت امریکا به عدم پرداخت وام یکصد میلیون دلاری درخواستی ایران بود. دولت امریکا بعد از این ملاقات در جواب نامه مصدق پاسخ داده بود ؛ تا کار نفت با دولت انگلستان تمام نشود امریکا از هر گونه کمک ومساعدت معذور است .

ایدن وماچسن وزیر امور خارجه امریکا سه ماه بعد از این ملاقات مذاکرات خود را در کنفرانس بالتیک از سر گرفتند وانگلستان در این کنفرانس برای اولین بار پیشنهاد مشارکت امریکا در استخراج نفت ایران بعد از سرنگونی مصدق را میدهد.

با انجام گرفتن انتخابات امریکا وروی کار آمدن آیزنهاور جمهوریخواه بر مصدر ریاست جمهوری وقرار گرفتن برادران دالس (ژان فاستر دالس) در مقام وزارت امور خارجه و (آلن دالس) در رأس سازمان جاسوسی امریکا زمینه مناسب برای اجرای کامل شق سوم مورد نظر ایدن در رابطه با مسائل ایران به وجود میاید.

درادامه دولت امریکا کلیه کمکها ومساعدت خود را به دولت مصدق قطع میکند و توطئه نهم اسفند به وقوع میپوندد وآیت الله کاشانی از طرفدارانش میخواهد برای جلوگیری از خروج شاه از ایران اقدام کنند. اما توطئه شکست میخورد و دسیسه کشتن دکتر مصدق و سرنگونی دولت ملی توسط فریب خوردگان داخلی ره به جایی نمی برد .

با مرگ استالین یک هفته بعد از واقعه نه اسفند ؛ ایدن از فرصت به دست آمده استفاده کرده سفر نه روزه ای را به امریکا آغاز میکند وبا آیزنهاوررئیس جمهور امریکا وژان فاستر دالس وزیر امور خارجه وارد مذاکره میگردد و دولت امریکا را کاملاً با نقشه های خود همراه میسازد و سرانجام با سفر ژنرال شوارتسکف به ایران و همراهی ایادی داخلی وفرصت طلبان وسهم خواهان وکینه ورزان وحسودان دولت ملی مصدق در بیست و هشتم مرداد ۳۲ دولت ملی مصدق سرنگون میگردد تا ایدن با شنیدن خبر سقوط دولت مصدق بعد از مدتها خوای راحتی بکند (خبر سقوط مصدق وقتی به من رسید که در کشتی ودر دریای مدیترانه دوران نقاهتم رابا خانم وپسرم میگذرانیدم ودر آن شب خواب راحتی کردم) و ملت ایران یکبار دیگر بعد از نهضت مشروطه گرفتاراختلاف رهبران و زیاده خواهی نیروهای سنتی میگردد.

مفقودی

اینجانب شهناز لاغری فرزند حیدر به ش.ش ۷۹۰ صادره از دشتی ساکن شهر چغادک به اطلاع می رساند پروانه ی کار ساختمان به شماره ملک ۳۷۶۰/۱۲۳۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

پروانه ساختمانی شماره ۵۰۵۴ مورخه ۷۶/۱/۱۸ متعلق به آقای محمد زارع راد فرزند غلامحسین مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی حصر وراثت

خانم عصمت گلابی دارای شناسنامه شماره ۶۲۹ آبادان به شرح دادخواست به کلاسه ۲۵۸/۹۰ ح ۳ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی خواجه نژاد بشناسنامه ۴۰۸ شبانکاره در تاریخ ۹۰/۵/۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- پیمان خواجه نژاد به شناسنامه شماره ۲۴ رشت پسر ۲- سعید خواجه نژاد بشماره شناسنامه ۷۰۷۰ بوشهر پسر۳- رضا خواجه نژاد بشناسنامه شماره ۱۰۵۰۸ بوشهر پسر ۴- عبدالرزاق خواجه نژاد بشناسنامه شماره ۳۴۹۰۰۴۶۱۹ بوشهر پسر ۵- سجاد خواجه نژاد بشناسنامه شماره ۲-۰۶۵۳۱۲-۳۴۹ بوشهر پسر ۶- مریم خواجه نژاد بشناسنامه شماره ۹-۰۷۴۵۲۹-۳۴۹ بوشهر دختر ۷- سارا خواجه نژاد بشناسنامه شماره ۴۳۳۸۶ رشت دختر ۸- عصمت گلابی بشناسنامه شماره ۶۲۹ آبادان همسر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر [illegible] ۱۰۷۷ م الف
[illegible] عبدالحسین غریبی

آگهی تغییرات

بموجب صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخه ۹۰/۴/۱۳ شرکت آسفالت اختر کنگان سهامی خاص بشماره ثبت ۲۶۰۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۸۴۱۰۰ تغییرات ذیل به عمل آمد: ۱- آقایان غلامرضا انصاری و عباس انصاری به ترتیب به عنوان بازرسین اصلی و علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. ۲- ترازنامه و حساب سود و زیان مالی منتهی به سال ۱۳۸۹ مورد تصویب قرار گرفت. ۱۰۲۹ م الف
خسرو میرشکاری
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

آگهی تغییرات

بموجب صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخه ۹۰/۴/۱۵ شرکت کرف اهرم سهامی خاص بشماره ثبت ۳۴۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۳۰۸۸۰ تغییرات ذیل به عمل آمد. ۱- آقای غلامرضا انصاری و آقای عباس انصاری به ترتیب به عنوان بازرسین اصلی و علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردید.۲- ترازنامه و حساب سود و زیان مالی ۱۳۸۸ مورد تصویب قرار گرفت. ۱۰۲۷ م الف
خسرو میرشکاری
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

آگهی تغییرات

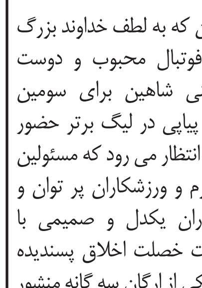
بموجب صورتجلسات مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده و فوق العاده و هیات مدیره مورخه ۹۰/۵/۱۲ شرکت سورتمه رانان بوشهر سهامی خاص به شماره ثبت ۴۷۶۰ و شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۸۸۸۲۲ تغییرات ذیل به عمل آمد: ۱- خانم حمیده پورغلام و آقای فرهاد زنگنه به ترتیب به عنوان بازرسین اصلی و علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردید. ۲- روزنامه جمهوری اسلامی جهت درج در آگهی های شرکت انتخاب گردید. ۳- بموجب صورتجلسه هیئت مدیره شرکت فوق الذکر آقای عبدالرسول معیری پور بسمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و خانم فرزانه حبیب زاده سنگی به سمت نائب رئیس هیات مدیره و آقای عادل حبیب زاده سنگی همگی به عنوان اعضای اصلی هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک و سفته و برات و سایر نامه های عادی و اداره با امضاء آقای [illegible] ۱۱۵۶ م الف
خسرو میرشکاری – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت پخش قطعات بتنی کرف بوشهر سهامی خاص به شماره ثبت ۸۵۰۴ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۱۵۱۱۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده و هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۰/۴/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای غلامرضا انصاری به عنوان بازرس اصلی، خانم سمیه انصاری به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۸۹/۱۲/۲۸ به تصویب رسید. در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۴ ذیل دفتر ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری [illegible] ۱۰۲۸ م الف
خسرو میرشکاری – رئیس ثبت اسناد و املاک واحد ثبتی بوشهر

اخلاق در شاهین و داوری های مسئله دار

ماشاءالله عبدی زاده -پیشکسوت تیم شاهین



اکنون که به لطف خداوند بزرگ تیم فوتبال محبوب و دوست داشتنی شاهین برای سومین سال پیاپی در لیگ برتر حضور دارد، انتظار می رود که مسئولین محترم و ورزشکاران پر توان و هواداران یکدل و صمیمی با رعایت خصلت اخلاق پسندیده که یکی از ارگان سه گانه منشور این باشگاه از بدو تاسیس تاکنون بوده و این باشگاه توانسته در اولین سال ورود به لیگ و در نیم فصل اول همان سال برترین تیم اخلاق شناخته شود، بتوانیم در لیگ یازدهم با قدرت و پشتیبانی هواداران این خصلت را بهتر به اثبات برسانیم.

همان گونه که می دانیم این باشگاه مردمی با سه شعار: "اخلاق- دانش- ورزش" توسط بزرگان گذشته تأسیس شد. حال روی سخنم با عزیزان در مورد رکن اول یعنی اخلاق می باشد و اولین مسئله ای که ذهن همه را به خود جلب نموده موضوع داوری بازی ها می باشد که هر سال سر و صدای زیادی ایجاد نموده است. باید پذیرفت که داور هم یک انسان است و انسان جایزالخطاست و تنها ذات الهی از این امر مبرا است.

حال تنها چیزی که می تواند سرمربی، بازیکن و هواداران را در مقابل این اشتباه داوری چون سدی استوار پابرجا نگهدارد اعتماد به نفس و تسلط بر اعصاب است و پذیرفتن این مطلب که تا به حال نتیجه ی هیچ بازی به خاطر اشتباه داوری تغییر نکرده است. پس در زمان بازی:

۱. سرمربی و مربیان محترم سعی نمایند از خود خویشتن داری به خرج دهند و بازیکنان را به خونسردی دعوت کرده و به فکر راه و چاره ی پیروزی برآیند و از هرگونه اعتراض به داور و یا خدای ناخواسته بی احترامی به ایشان خودداری کنند و با یک صلوات خشم خود را فرونشانند. که این ویژگی ها با توجه به شخصیتی که از آقای درخشان سراغ داریم چندان دور از انتظار نیست.

۲. ضمن عرض سلام به بازیکنان محترم که از قبل در این تیم حضور داشته اند و عرض خیر مقدم به عزیزانی که امسال به جمع دوستان پیوسته اند، سعی نمایند در این ۹۰ دقیقه ای که در زمین حضور دارند ابتدا اعتماد به نفس خود را حفظ کنند و بپذیرند که نبض پیروزی در بازی به دست ایشان است و با آرامش و برنامه ریزی به دروازه ی حریف نزدیک شوند و از عقب کشیدن های ناخواسته بپرهیزند و شعار بهترین دفاع حمله است را فراموش نکنند.

سرمربیان و مربیان هرچه خواسته اند گفته اند و تمرین داده اند و دیگر در زمین بازی هیچ کار مثبتی جز دو سه تعویض از عهده ی آنها بر نمی آید. پس با تسلط بر اعصاب و از بین بردن استرس، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند و مطمئن باشند که می توانند برتری خود را به اثبات برسانند. عزیزان مطمئن باشید که هیچ تیمی از تیم دیگر برتر نیست هم چنان که در جام حذفی چه در ایران و چه در اروپا این امر ثابت شده است. پس با یک اشتباه ناخواسته داوری از حال طبیعی خارج نشوید و خشم خود را به توپ واگذارید و با تفکر و آرامش بیشتر و برنامه ریزی بهتر به دروازه حریف نزدیک شوید و با شوت های از راه دور نتیجه ی دلخواه به دست آورید.

۳. هواداران عزیز و محترم که پایه و اساس و ستون نامرئی در کسب پیروزی یک تیم می باشند و با شوق و علاقه از ساعت ها قبل با حضور گرم خود زمینه پیروزی تیم دلخواه را فراهم می سازند و اکثرا نوجوانان و جوانان پرشور و حرارت می باشند بهتر که چشم خود را باز کنند و به افراد مسن تر که کنار آنها نشسته اند و تشویق می کنند به دیده ی احترام بنگرند و سعی نمایند با یک اشتباه داوری یا حرکت اشتباهی از یک بازیکن از کوره در نروند و ناگهان با کلمات رکیک و دور از شأن ورزشکار، ارزش و اعتبار باشگاه را زیر سوال نبرند و بدانند که با اعتراض و بی احترامی به افراد نتیجه بازی تغییر نمی کند.

عباس پورخسروانی :

اگر تماشاگران در ورزشگاه نبودند ما هم دلگرم نمی شدیم

سینا درخشنده : بدون تردید ستاره بازی شاهین- صبا عباس پورخسروانی،مهاجم سرعتی ۳ فصل اخیر شاهین بود.عباس شبی به یاد ماندی را رقم زد و پاس هر۴ گل تیمش را داد. مهاجم سیرجانی شاهین با پایگاه تخصصی فوتبال بوشهر به گفتگو نشسته که در ادامه می خوانید:

– ۵ بازی گذشته و۶ پاس گل دادی؟

– پست امسال من به گونه ای هست که بجای گلزنی باید پاس گل بدم. اینها تمام کار تیمی است که در نهایت به گل ختم می شود. من تمام تمرکزم را میزارم که گلزنی کنم ولی پستم اینگونه هست که بیشتر باید پاس بدهد.

– چرا عباس آقای گل حالا فقط پاس گل می دهد؟

– سالی که آقای گل شدم تک فوروارد بودم و تمام توپ ها به من ختم می شد ولی پستم درشاهین اینگونه نیست. فرقی نداره من یا بازیکن دیگری گل بزند. هدفم موفقیت شاهین است وتمام تلاشم می کنم که تیم پیروز شود.

– قبل ازبازی با تراکتور بحث هایی در خصوص مسائل مالی بود. بحث مشکلات مالی به کجا رسید؟

– ازهمان سالی که شاهین راهی لیگ برتر شد مشکلات مالی همراهش بوده. بازیکن مشکل دارد و تا کی باید وضع اینگونه باشد، من حدود ۶۰ درصد از فصل قبل طلبکارم. اول فصل که رفتیم صحبت کردیم قرار شد بدهی پارسال بدهند و ما هم قرار داد جدید ثبت کنیم. این قراری بود که گذاشته شد،ما هم قرارداد بستیم وچک گرفتیم ولی متاسفانه پول ما درباشگاه بخاطر اینکه بدهی های باشگاه زیاد بود وچند تا از بازیکنان جدید پول گرفتند رفتند و گفتند تا ۲ ماه آینده پولی به حساب باشگاه نمی یاد. قبل از بازی با تراکتور سازی آقای افراشته صحبت کرد که ظرف ۲ ماه آینده مشکلات حل می شود.

– جایگاه شاهین را چطور می بینی؟

– به لطف خدا اگر اسیر اتفاقات نشویم مطمئن باشید امسال جایگاه شایسته ای داریم.

– صحبت پایانی عباس پورخسروانی...

– طی۳سالی که در شاهین هستم فقط به عشق هوادارانش بوده واگر این تماشاگردر ورزشگاه نبود ما هم دلگرنمی شدیم. ما با تمام شرایط از هوا گرفته تا مالی می جنگیم که دل این هوادارن را شاد کنیم.از همه کسانی که برایم زحمت کشیده اند تشکر می کنم و هوادارن واقعی شاهین که همیشه حامی ما هستند و شب بازی با صبا سنگ تمام گذاشتند و ۹۰ دقیقه بازیکنان را همراهی کردند. همین تشویق ها هست که به بازیکن روحیه می دهد و بیشتر زحمت می کشد. امیدوارم امسال به لطف خدا و تلاش بازیکنان وهواداران بتوانیم جایگاه خوبی برای شاهین رقم بزنیم.

آقای درخشان ، کارنامه یا سابقه؟!!!

محمد محبوبی



مطلبی به عنوان باب اول و سخنی با سرمربی محترم شاهین آقای حمید درخشان خواهم گشود تا رمز گشای توصیه های برادرانه ای باشد که به ساحت مقدسشان تقدیم می دارم. امید است مفید فایده بوده در او موثر افتد. اولا: از اینکه شهر صلح و صفا و صمیمیت با مردمانی میهمان نواز و غریب پرست بوشهر و باشگاه همیشه محبوب شاهین با مکتب تاریخ سازش را جهت تجربه اندوزی مربیگری خویش برگزیده اید تا شاید خدمتی را به ارمغان آورید، به شما خوش آمد گفته از حضورتان تشکر و قدردانی داشته آرزوی توفیق جنابعالی را از درگاه ذات ربوبیت خواستارم. امّا، جان کلام نثار شعارهای شما که گویا زمانی طولانی را طلب می کند تا به شعور بنشینند و نتایج مطلوب را حاصل نمایند. بدین منظور، توصیه گونه، در مورد ادعاها یا بیان شعارهائی که خود را زیر سایه آنها با مظلوم نمائی تمام پنهان نموده تا در صورت حصول نتیجه مطلوب آفتابی و در غیر این صورت در همان سایه ماندگاری ابدی داشته باشید، با شما سخن خواهم گفت. شما در مصاحبه های خود فرموده اید که من در برابر تیم شاهین تنها مسئولیتی که دارم، نگهداری او در لیگ است. نتیجه اینکه، به اثبات خود شما از نظر فنی توانی بیش از این ندارید. لکن ادعاهای شما لایه اوزن را پاره می کند. برادر عزیز، خوش تعریف ترین حالت موضوع این است که وقتی باشگاه شاهین برای موفقیت شما هزینه های چندین میلیارد تومانی را پذیراست چرا شما توجه، تلاش و دقت خود را بمنظور امتیاز گیری و نگاه به بالای جدول را در دستور کار قرار ندهید. زیرا پائین گرفتن هدف، دوری از هدف را رقم خواهد زد. پس بدانید که شما با خوش انصافی تمام برای خویشتن سایه بانی را بنا کرده اید تا در کنارش به امنیت کاری خود دامن زنید. به تعبیر دیگر، مهم بودن خویشتن خویش نسبت به باشگاه شاهین را ایمان دارید. در این راستا برشما هیچ عذری موجه و قابل پذیرش نیست، زیرا با شرایط موجودِ شاهین در لیگ به رقابت نشسته اید. جنابعالی در بدو پذیرش این مسئولیت، قادر به تهیه لیست ورودی و خروجی از بازیکنان بودید ولی اقدامی نداشتید. لذا، توان فنی، قدرت تکنیکی و تاکتیک پذیری بازیکنان قبلی شاهین را حرفه ای و به سقف و آستانه لیگ برتر کشور پذیرفته اید. از طرفی هزینه های شاهین نیز کمتر از تیمهای درون تورنمت نیست، پس عدم مماشات در صعود به رده های بالای جدول لیگ و عدم سهم خواهی از جدول از طرف شما بیانی منطقی و منصفانه نخواهد بود. معذالک، با طرح چنین مطالبی مردم بوشهر و تیم شاهین را کوچک نشمارید، به یاد داشته باشید که در ورزش خصلتهای جوانمردی، پهلوانی، صداقت در گفتار و رفتار بزرگترین پشتوانه های ماندگاری اند. عرفا گفته اند که: یا دل سخن پذیر داشته باش یا سخن دل پذیر بگو. ضمنا نا گفته نماند که غیر از آقای طالب لو که دروازبانی است، بسیار با تجربه و تا به امروز بدون حاشیه، بقیه بازیکنانی که همراه شما جذب تیم شده اند نسبت به بازیکنان شاهین از پائین ترین کیفیت جسمانی و فنی برخودارند و بعید است قادر باشند تا پایان لیگ بطور مفید و موثر تیم را همراهی کنند. ثانیا: با تمام مشکلاتی که دارید، به جد مواظب باشید، تله گذاران حرفه ای به انحاء مختلف در تلاشند تا از دو جهت شما را به حاشیه رانده، افکار و اندیشه و ذهن شما را رهنمون به خارج از حوزه وظایف جنابعالی که باشگاه شاهین است معطوف دارند. این امور یکی درون باشگاهی و دیگری برون باشگاهی است .

الف : درون باشگاهی: باساخت اولین و کوچک ترین سوژه و شایعاتی به منظور مسموم سازی فضای کاری شما و رو در رو قرار دادنتان به جهت پاسخگویی، نیروی توانمند شما را خواهند گرفت. پس بستن چنین ورودی هائی الزامی است تا به کثرت نرسند. برای مشورت، بزرگان صدیق و راستگو، امین و دلسوز باشگاه را انتخاب کرده به شور بنشینید. مثلا در قضیه محمود ابراهیم زاده و انتخاب ایشان به مربیگری کنار دست خود ، تصمیم غائی و نهائی با شماست. چنانچه مشارالیه مورد تایید شماست، دستور صدور حکم مربیگری نامبرده را صادر فرموده به همه حرف و حدیثها و امور حاشیه ساز پایان دهید. زیرا وقت تنگ است و راه دراز و قافله لنگ. همه می دانند که ابراهیم زاده در فوتبال ایران در سطوح باشگاهی و تیم ملی اسطوره ای تمام ناشدنی و بیاد ماندنی است. علاوه براین او دیوانه وار عاشق و سینه چاک باشگاه شاهین است. مضافاً بر اینکه از صلاحیت فنی بسیار بالا و تجربه وافری برخوردار است. پس وقتی آفتاب بر شما نورافشانی دارد، خود را اسیر تاریکی ها و مشورتهای ضعیف نکنید. بنابراین تردید خویش را به یقین مبدل سازید تا هدیه شما به فوتبال بوشهر تربیت یک مربی بومی باشد.

ب: برون باشگاهی: می دانید که متاسفانه فوتبال ایران و لیگ برتر کشور را حرفه ای می نامند، امّا ترور شخصیتها و حاشیه های نازیبای آن را باید چه نامید، خدا داند، سیاسی، اجتماعی است یا یک فرهنگ ایرانی است ، هرچه هست پر خطر است و هدف گریز . نسخه پیچیده برای شما هم پر محتواست تا هرچه زودتر همنشین حاشیه نشینها شوید. لذا بر شما واجب است تا در بازیهای تیم خودی تنها بر قدرت فنی و بازی خوانی تیم خود و حریف تمرکز داشته باشید که با پرداختن به حواشی شخصیتها در برنامه ۹۰ و گفتگوهای بی ثمر شما به سر منزل مقصود نخواهید رسید. از طرفی همگان می دانند که باشگاه پرسپولیس تهران روزگاران قدیم یکی از دو قطب بزرگ فوتبال ایران بود. امّا امروز بزرگی برازنده موجودیت فعلی او نیست. بنابراین خود را درگیر امور این باشگاه و حاشیه پردازیهای آن نسازید. زیرا حضرتعالی مسئولیت باشگاهی را عهده دارید که در لیگهای دهم و یازدهم به آسانی و با قدرت تمام بر پرسپولیس غلبه کرده است. پس، باشگاه شاهین کوچکتر و کم سابقه تر از پرسپولیس فعلی نیست. مزید اطلاع شما باشگاه شاهین دارای جایگاه و مکتب بزرگی است. بنابراین ارزش گذاری بر آن را قدر بدانید. معذالک، مراقبت دو جانبه از باشگاه شاهین و شخصیت فردی خود بر شما واجب عینی است تا به مرور به حاشیه نروید و مقابل همکاران خود قرار نگیرید. ثالثا: حضرتعالی در برنامه ۹۰ و در مقایسه خود با گزینه های پرسپولیس تهران جهت انتخاب سرمربی این تیم، خود را نسبت به گزینه های اعلام شده و برگزیده با کارنامه ای پربارتر و با سابقه تر و باتجربه تر از آنها خواندید و خویشتن را یک مربی موفق معرفی فرمودید. لازم به توضیح است تا شما بدانید که خوشبختی اموری درونی است و هر کس می تواند خود را خوشبخت بداند، لیکن موفقیت، پدیده است برونی با مولفه های خاص خود که در صورت احراز، باید دیگران رای به موفقیت فرد بدهند، نه خود او اعلام موفقیت کند زیرا از حیطه قدرت او خارج است. باعرض پوزش، نگارنده از سطح تحصیلات آکادمیک شما بی اطلاعم، امّا مدرک مربیگری شما را می دانم، سوابق شما را نیز از زمان بازیگری تا به امروز به ذهن دارم. بدین جهت جای بسی تاسف است که شما تفاوت بین کارنامه، سابقه و تجربه را نمی دانید ولی بی جهت ادعا دارید.

برادر عزیز، به همین سادگی نمی توان مدعی شد و هر واژه و القابی را به خود منتسب کرد. باید به صلاحیتهای آن واژه ها و القاب رسید و امتیاز لازم را کسب نمود و آن گاه، ادعاها محلی از اعراب خواهند داشت. کارنامه ای قابل ادعاست که محتوای آن در رده های مختلف باشگاهی لیگ برتر کشور، باشگاههای آسیا ، جام در جام آسیا، باشگاههای جهان و تیمهای ملی در رده های مختلف، عناوین و مدالهای قهرمانی، نایب قهرمانی و رده سومی را در خود ذخیره داشته باشد. آیا کارنامه شما با چنین مدالها و عناوین ارزشمندی تزیین شده است؟ نتیجه این که کارنامه ای که شما ادعایش را دارید به عدد سال نوری از این نوع مدالها و عناوین و امتیازات فاصله دارد. بنابراین کارنامه ای ندارید که قابل اتکاء و اعتماد قدرت فوتبال حرفه ای باشد. حائز اهمیت است تا بدانید که در اصول و قوانین فیفا نگهداری یک تیم در نیمه دوم جدول لیگ، امتیازی منظور نگردیده است. امّا در مورد سابقه مربیگری شما باید عارض گردم که چون سوابق شما در یک تیم یا تیمهای مختلف بصورت ممتد و مستمر نبوده وبه عدد عمر یک نیم فصل یا یک فصل بیشتر دوام و قوام نداشته و در ادامه مدت زمان طولانی متوقف گردیده است، لذا سوابق نوسانی و توقف های پی در پی، تجربه اندوزی شما را نیز با مشکل مواجه ساخته است. بنابراین این سوابق، شما را به تجربه های با شروط لازم و کافی نرسانیده است. مالاسف، تجربه شما هم در آن حد که ادعا دارید قابل اتکاء و اعتماد بالای فنی نیست. چرا که تجربه یعنی آزمودن و شما هر بار که خود را به محک آزمایش سپردید، موفقیتی که ذکرشان گذشت نصیب نداشتید. در تمام دوران مربیگری، آثار عملی شما این موضوع را نماد می کرد که گویا قانون منع موثر در یادگیری اجازه هزینه کردن دانشهای به تفریق نوسانی را در حد ادعا به شما نداده است. حال، ترس ما از این است که در آینده نزدیک و در حاشیه ای دیگر خود را از مربیان صاحب سبک در فوتبال دنیا معرفی کنید. بنابراین جهت پیشگیری از وقوع چنین عارضه ای در شما، لازم می دانم برخی از مربیان صاحب سبک در فوتبال را به حضورتان معرفی نمایم که عبارتند از: آریکوساچی – هکتورکوپر – لوئیس فنگال – هربرت چاتمن. می دانید چرا؟ ...

انشاءالله که در بیان توانمندیهای خود با خودشناسی کافی دقت نظر بیشتری مبذول بدارید که خود شناسی نیز یکی از رموز موفقیت است . تا سخن و مقالی دیگر، شما را به ذات حضرت حق می سپارم.

مهمترین مشکل ورزش پرورش اندام عدم حمایت مسئولین است



محمدرضا پولادی جوان بوشهری متولد ۱۳۶۱ در بوشهر است. وی ورزش پرورش اندام را از سال ۱۳۷۶ شروع کرد که توانست یکسال بعد در مسابقات شرکت کند. با وی مصاحبه ای انجام دادیم که در زیر می خوانیم:

• چه شد که تصمیم گرفتید به صورت حرفه ای به این ورزش بپردازید؟

– بخاطر علاقه زیادی که به این رشته داشتم. همچنین تاثیر زیادی که دوستان خوبم روی من گذاشتند.

• زیر نظر چه کسی این ورزش را شروع کردید؟

– آقای ایمان رضایی.

• تاکنون چه مقام های کسب کرده اید؟

– ۳ مقام سومی، ۳ مقام دومی، ۲ مقام اولی پرورش اندام. ۱ مقام اولی پاورلیفتینگ. ۲ مقام دومی، ۱ مقام سومی و ۲ مقام اولی پرس سینه.

• مشکلات کسانی که در بوشهر به صورت حرفه ای این ورزش را دنبال می کنند چیست؟

– از مهمترین مشکلات می توان به عدم حمایت مسئولین و مشکلات مالی اشاره کرد.

• با توجه به این که شما باشگاه دارید و مربی این رشته هم هستید، استقبال جوانان از این رشته چگونه است و فکر می کنید چقدر پتانسیل در جوانان بوشهری برای پیشرفت در این رشته وجود دارد؟

– استقبال جوانان بوشهری از این رشته خیلی خوب است. پتانسیل زیادی هم در جوانان بوشهری وجود دارد زیرا تیم استان همیشه جز ۳ یا ۴ تیم برتر در مسابقات کشوری است.

• در یک جمله این رشته را تعریف کنید؟

– مادر همه ورزش ها.

• به نظر شما سطح برگزاری مسابقات در بوشهر چگونه است؟

– خوب است ولی باید بیشتر توجه شود.

• فرق بدنسازی و فیتینس چیست؟

– در بدنسازی باید عضلات درشت و با چگالی بالا باشد، ولی در فیتینس بدنی تراشیده و ظریف تر با کمری باریک مد نظر است.

• الگوی ورزشی شما (کشوری و جهانی) چه کسانی هستند؟

– در بوشهر آقای ایمان رضایی. کشوری نیز بیت اله عباسپور و علی تبریزی. جهانی نیز دوریان یتس.

• شما تمرینات بسیار سختی دارید. در این تمرینات کدام تمرین بیشت مورد علاقه شماست؟

– عضلات پا و سرشانه.

• توصیه ات به علاقمندان این ورزش چیست؟

– در این ورزش اول حرمت و احترام به بزرگان و بعد آرامش جسم و روح باید مدنظر قرار گیرد.

• کلام آخر...

– باید از خانواده ام خصوصا مادرم که در این دوران زحمات بسیاری برای کشیده تشکر کنم. همچنین از دوستم نوید کریمی و مربی خوبم آقای ایمان رضایی نیز کمال تشکر را دارم.

مصاحبه با تارخ پرند مقام دومی جام کشوری سامان در رشته ی پرش با اسب:

امکانات ورزشی سوار کاری در بوشهر نسبت به دیگر استان ها ضعیف است



– از چند سالگی به ورزش اسب سواری روی آوردید؟

– من متولد سال ۱۳۵۷ هستم و سوارکاری را از سال ۱۳۸۱ در سن ۶ سالگی نزد پدرم در باشگاه سوارکاری دلیران تنگستان (نیروگاه اتمی بوشهر) آغاز نمودم.

– مسابقات کشوری با حضور چند نفر در تهران برگزار شد و شما در چه رشته ای موفق به کسب مقام دوم کشوری شدید؟

– این مسابقات کشوری پرش با اسب که به نام جام پیشرفت هر ساله در تهران برگزار می شود امسال به نام سامان برگزار گردید و ۶۰ سوارکار برتر از ۱۰ استان کشور حضور داشتند که من توانستم به یاری خدا مقام دوم این جام را در رشته پرش با اسب از آن خود و استانم کنم.

– فضای مسابقات و رقیبان شما چگونه بود؟

– مسابقات از سطح بالایی برخوردار بود، اغلب شرکت کنندگان با ۲ اسب آن هم با اسب های خارجی گران قیمت خود در این مسابقات شرکت کردند. آنها با ۲ اسب شانس بیشتری برای برنده شدن داشتند چون دو بار به میدان مسابقه می آمدند، اما با همه این مشکلات من با یک اسب اجاره ای (کرایه کرده بودم) از نژاد ترکمن آن هم تولید داخل کشور خودمان که یک چشم این حیوان هم در اثر حادثه کور شده بود، توانستم بقیه رقیبان را پشت سر بگذارم. جالب اینکه اختلاف زمانی مسابقه من با نفر اول تنها ۳۳ صدم ثانیه بود.

– وضعیت ورزش سوارکاری در بوشهر چگونه است و نسبت به کشور چه وضعیتی دارد؟

– من فکر کنم استان بوشهر در کشور از کم ترین امکانات برخوردار است زیرا هم اکنون در استان تنها یک باشگاه فعال که قابل استفاده برای تمرین ها می باشد وجود دارد، آن هم متعلق به نیروگاه اتمی است که لطف کرده اند در اختیار ما قرار داده اند و آن هم دائمی نیست چون بخاطر مسائل امنیتی ممکن است هر لحظه بگویند باید تخلیه کنید. آن موقع کجا باید برویم؟ تمام استان های شرکت کننده در مسابقات حداقل یک باشگاه دولتی از خودشان دارند ولی آیا تربیت بدنی بوشهر این کار را کرده و مکانی در اختیار ما قرار داده؟ البته ناگفته نماند باشگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر هم وجود دارد ولی متاسفانه نمی توان آن را به عنوان یک باشگاه ورزشی فعال نام برد چون هنوز نواقصاتی دارد. در کل امکانات ورزشی سوارکاری در بوشهر نسبت به دیگر استان ها ضعیف است ولی با تمام این مشکلات ما تلاش خودمان را می کنیم و به یاری خدا صاحب مقام هم شده ایم و باز هم خواهیم شد.

– چه انتظاری از مسئولان تربیت بدنی دارید؟

– من از مسئولان تربیت بدنی تقاضا دارم کمی بیشتر به فکر ورزش استان باشند. ورزش سوارکاری یکی از رشته ورزش هایی است که حضرت محمد (ص) به آن تاکید و سفارش نموده ولی کی عمل می کند؟ ورزشی استان شده فقط فوتبال هر بودجه ای که می آید یک راست خرج فوتبال می شود مگر هیئت های دیگر فعال نیستند؟ مگر صاحب مقام برای استان نمی شوند؟ مگر کم قهرمان و مدال آور در رشته های دیگر غیر از فوتبال داریم؟ کی اصلا اهمیت می دهد؟ کی از اینها تجلیل می کند؟ خود من چند سال پی در پی دارم برای استان مقام می آورم تا حالا شده یکی از مسئولین تربیت بدنی مرا بخواهند و از مشکلاتمان بپرسد و یا حتی تشویقی خشک و خالی کرده باشند؟

– علاقمندان به این رشته در بوشهر چگونه می توانند به این ورزش بپردازند؟

– علاقمندان می توانند جهت ثبت نام در آموزش سوارکاری به دفتر هیئت سوارکاری واقع در استادیوم ورزشی بوشهر و یا خود باشگاه سوارکاری واقع در پشت منازل نیروگاه اتمی کمپ مروارید مراجعه کرده و مدارک مورد نیاز را ارائه داده و ثبت نام کنند. ما هر روز بعدازظهر غیر از روزهای شنبه در باشگاه حضور داریم، ناگفته نماند شرط پیشرفت و موفقیت در این رشته علاقمند بودن به خود اسب است.

– مشوقان شما در این ورزش چه کسانی هستند؟

– اول از همه پدرم که مربی من است و از کوچکی مرا تعلیم داده و مادرم که لحظه به لحظه در کنارم بوده است بعد از آن دوستان و آشنایان. در اینجا می بایست از مرحوم زنده یاد استاد محسن فقیه نیز یاد کنم که مشوق تمامی سوارکاران حال حاضر بوشهر بخصوص پدرم می باشد و او بود که پایه و اساس ورزش سوارکاری را در بوشهر بنا گذاشت. روحش شاد و یادش گرامی..

ورزشگاه المپیک مونترآل

زیبا راستیان



یکی از زیباترین جاهای دیدنی ایالت کبک کانادا، ورزشگاه المپیک مونترآل در شهر مونترآل است این ورزشگاه برای المپیک ۱۹۷۶ مونترآل ساخته شد. ورزش دوستان هنرنمایی ژیمناست اعجوبه رومانیایی «نادیا کومانچی» چهارده ساله را در این بازی ها به یاد می آورند. طراح این ورزشگاه راجر تیلیبرت است. این مجموعه ورزشی از سال ۱۹۷۸ برای بازدید عموم گشایش یافت. در محوطه ورودی ورزشگاه پرچم کشورهایی که در المپیک ۱۹۷۶ مدال طلا گرفته اند در اهتزاز است.

در کنار ساختمان اصلی ورزشگاه برج شیب داری قرار دارد که به برج مونترآل معروف است. بازدیدکنندگان به وسیله یک آسانسور کابلی دو طبقه غول پیکر که سه طرف آن شیشه است به نوک برج می رسند و مناظر بدیع شهر مانند ساحل رودخانه سن لورن و نمایی از جزیره سن هلن (تبعیدگاه ناپلئون بناپارت) را از بالا تماشا می کنند. در یک روز آفتابی و روشن می توان تا ۸۰ کیلومتر از هر طرف را تماشا کرد. این آسانسور قادر است در هر مرحله ۷۶ نفر را از طبقه ی هم کف به بالای برج برساند و در روزهای شلوغ تا صد مرتبه این مسیر را می پیماید که بر روی یک ریل ۲۶۶ متری حرکت می کند و سرعت آن ۲ متر بر ثانیه است. این جابجایی حدودا دو دقیقه طول می کشد. این آسانسور کابلی تنها آسانسوری در جهان است که بر روی یک سطح منحنی حرکت می کند. یک سیستم هیدرولیکی باعث می شود که کابین حامل بازدیدکنندگان همیشه در حالت افقی حرکت کند. برج مونترآل بلندترین برج شیب دار جهان است که ۱۷۵ متر ارتفاع و ۴۵ درجه شیب دارد. در مقام مقایسه باید گفت که برج معروف پیزا دارای یک شیب ۵ درجه ای است ۹۲ متر اول این برج از جنس بتون و بقیه از فلز است. این مجموعه ورزشی دارای زمین های مختلف ورزشی در فضای باز و داخل سالنی است. هم چنین دارای ۷ استخر شنا است که ۹ میلیون لیتر آب را در خود جای می دهند. هم اکنون از سالن های این ورزشگاه علاوه بر انجام مسابقات برای همایش ها و اجرای کنسرت استفاده می شود. سالن اصلی ورزشگاه دارای سکوهای متحرک برای تماشاگران است که با جابجایی آن ها زمین های ورزشی گوناگون مثل هاکی، بسکتبال، والیبال و ... درست می شود.

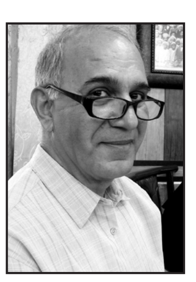
از طبقه ی هم کف راهرویی زمینی به بخشی دیگر از مجموعه می رسد که خوابگاه های ورزشکاران واقع است و این تونل صرفا به دلایل امنیتی ایجاد شده. در طبقه ی هم کف و در آخرین طبقه ی برج فروشگاه هایی وجود دارد که بازدید کنندگان می توانند سوغاتی و یادگاری از قبیل نمادهای مختلف کشور کانادا مثل برگ درخت افرا، گوزن شمالی و ... خریداری کنند.

در کنار این مجموعه ورزشگاه بزرگی قرار دارد که از بیرون به شکل کلاه دوچرخه سواری است. اکنون این ورزشگاه تبدیل به محلی برای نمایش و نگهداری انواع حیوانات کمیاب شده است که «بیودرم» نام دارد. در این محل ۴ نوع اکوسیستم آمریکایی به طور مصنوعی برای گیاهان و جانوران بومی ساخته شده: اکوسیستم رودخانه ای سن لورن، اکوسیستم قطبی، اکوسیستم جنگل های بارانی و اکوسیستم جنگلی.

سقفی که مجموعه ی ورزشی را می پوشاند، پس از پایان بازی های المپیک طراحی و ساخت شده است به علت بارش برف های سنگین که بالغ بر صدها تن می شده است و برای جلوگیری از ریزش سقف ورزشگاه از قسمت برج به سقف ورزشگاه ، کابل هایی بسیار قوی سقف مجموعه را نگه می دارد. برای بازدید از کل مجموعه تورهای ۳۰ دقیقه ای به زبان انگلیسی و فرانسوی جهت بازدیدکنندگان مهیاست. بلیت ورود به مجموعه برای بزرگسالان ۱۵ دلار و برای ورود به بیودرم ۱۷ دلار است که برای کودکان و دانش آموزان تخفیف ویژه دارد.

داوران لیگ

نادر اقدام



از آنجایی که هر کس نمی تواند داور باشد، لذا داور بایستی شجاع، مهربان، باگذشت، قاطع، عادل و خوش اخلاق باشد. هرگونه خطا و رفتار عمد و غیر عمد را دقیقا دیده و سریعا و صریحا تصمیم گرفته و تحت تاثیر اطرافیان و تماشاچیان خودی و غیر خودی قرار نگیرد. اهل زد و بند نبوده و در بازی هایی که تحت نظارت اوست حق هیچ بازیکن و تیمی را پایمال ننماید. هیچ وقت به درآمد و منافع خود نیندیشد و سوت داوری اش دلنواز نواخته شود و با تصمیمات نسنجیده و عجولانه سوتی ندهد. به محض اتمام بازی سوت و کارت خود را تحویل داده و فریب قدرت مجازی که در میدان بازی دارد نخورد چون قدرت وی و هر قدرت دیگر با اتمام بازی فانی است.

داور نباید علاقه ای به مصاحبه و سخنرانی های آبکی داشته باشد و برای تصمیمات ناحقی که احیانا گرفته صغری و کبری بچیند. هیچ داوری حق ندارد خود را همه کاره دانسته و در طول صدارتش در میدان بازی به اتکای قانون بی قانونی نماید. یک اشتباه داوری می تواند رویای یک مملکت را به باد فنا داده، مردم ایرلند دست خطاکار تیری هانری فوتبالیست فرانسوی را که سبب محرومیت آنها از جام جهانی گذشته (آفریقای جنوبی) شد را به هیچ وجه نمی بخشند و یا گلی که مارادونا با دست به ثمر رساند موید این نظر است.

چون میدان بازی بزرگ است و میلیون ها چشم و گوش در استادیوم و منازل و خیابان ها به حکمیت وی نشسته اند لذا داور بایستی مواظب کلیه رفتارها و کردارهای پیش رو و حتی پشت سر خود باشد و به توصیه کمک داورانی که در این امر او را یاری می دهند توجه نموده و احترام بگذارد. مردم داورانی را که با درایت بازی ها را اداره می کنند و کمتر در سوت خود می دمند و از کارت زرد و قرمز فقط در موارد ضروری استفاده می کنند بیشتر می پسندند. اگر چه تماشاچیان خود بهترین قاضی هستند.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتو گرافی وچاپ : کارگر





پشت دروازه فوتبال

استقبال کم تماشاگران



استقبال کم تماشاگران از بازی شاهین و صبای قم، همه را به تعجب واداشته بود. وقتی روی صفحه اسکوربورد که نوشت تعداد تماشاگر ۴ هزار نفر خیلی تعجب کرد. البته ساعت بازی علت اصلی این مسئله است چون از اطراف بوشهر کسی به ورزشگاه نیامده بود.

علی پروین تشویق شد



با آمدن علی پروین به ورزشگاه همه او را تشویق کردند. علی پروین که در ایران به سلطان معروف است. در جایگاه VAP نشست و به احساسات هواداران جواب داد.

بازیکنان به تماشاچیان گل دادند

رسم قشنگی که امسال در تیم رواج دارد این است که بازیکنان با دسته گل به چهار سوی ورزشگاه رفته و گل ها را به هواداران تقدیم می کنند. این کار باعث می شود که هواداران از دقیقه یک قدرتشان برای تشویق کردن دو چندان شود..

باشگاه شاهین حسابرسی می شود

بهمن دهقان سرپرست باشگاه شاهین در اولین قدم با دعوت از حسابرسان رسمی قصد دارد عملکرد مالی دو دوره قبل شاهین در لیگ برتر را حسابرسی کند در حالی که باید نتیجه حسابرسی به کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز ارسال شود تا در پرونده این تیم قرار بگیرد و شفافیت عملکرد مالی شاهینی ها یکی از درخواست های کنفدراسیون فوتبال آسیا بوده است گفته می شود حسابداران رسمی هفته گذشته در دفتر باشگاه شاهین نشستی با سرپرست باشگاه داشته اند و قرار است بزودی کار خود را شروع کنند

شاهین سریع ترین گل لیگ را به ثمر رساند



ثانیه ۲۰ بازی استادیوم شهید بهشتی منفجر شد. در این لحظه پاس پورخسروانی به منصور تنهایی گل اول شاهین را رقم زد. فشفشه بود که به هوا برمی خواست. کسی سر از پا نمی شناخت همه می گفتند با این گل زود هنگام، بازی حتما پرگل خواهد شد. که همین طور هم شد.

دود زمین را فرا گرفت



درست پس از گل اول شاهین به صبای، قم کسی کسی را نمی دید. از بس فشفشه زدند تمام زمین را دود فراگرفت. باد ضعیفی که می وزید دود ها را آرام آرام بیرون می برد.

دعوای ویسی با داور چهارم

عبدالله ویسی سرمربی صبا در چند صحنه با داور چهارم بحث و جدل لفظی پیدا کرد. او پس از بازی گفت: داور چهارم به من گفت پایت ۱۰ سانت بیرون خط رفته. من هم بهش گفتم یک متر هم رفته باشد مگر چه می شود؟

حمید درخشان سرمربی شاهین:

با همین روند جلو خواهیم رفت



بازی خوبی بود. صبا هم واقعا خوب بازی کرد. این تیم مابقی تیم های لیگ را اذیت خواهد کرد. ما خوب شروع کردیم و این خودش مقدمه ای شد که بازی خوبی پیش رو داشته باشیم. انشاءالله بازی های آینده نیز مثل این بازی منطقی و با همین روند رو به جلو خواهیم رفت. البته با حمایت همه جانبه همه استان بوشهر.

در این هوا نمی شود ۹۰ دقیقه روی حریف فشار آورد

چون این جا هوا سنگین است نمی شود جلو تیم هایی که به بوشهر می آیند سرعتی شروع کنیم. ما توان بچه ها را تقسیم کردیم و این خودش عاملی شد که بازی را از حریف بگیریم و فشار زیادی بر صبا وارد کنیم. در این هوا نمی شود در طول ۹۰ دقیقه فشار روی حریف آورد.

بچه ها بعد از چهار گل اشباع شدند

چند فرصت دیگر هم داشتیم که اگر قدر آن ها را به خوبی درک می کردیم، نتیجه غیر از این چهار گل می شد. انگار بچه ها بعد از زدن چهار گل، اشباع شده بودند. امیدوارم این مسئله را هم حل کنیم که از هر موقعیتی به سادگی گذشت نکنیم.

دوست دارم از بازیکنان بومی استفاده کنم

من دوست دارم از بایکنان بومی، استفاده کنم. در مقابل صبا، مسعود نظرزاده که یک بازیکن بومی است خیلی خوب کار کرد. و من واقعا از او رضایت کامل دارم. او در این بازی بی نقص کار کرد.

ما روی بازیکنان امید هم نظر داریم

دیگر بومی ها هم باید به شرایط مسابقه نزدیک کنیم. چون اگر با شرایط نامطلوب وارد زمین شوند و نمایش خوبی نداشته باشند خود هواداران بیشتر اعتراض خواهند کرد. ما روی بازیکنان امید شاهین هم نظر داریم و نمی شود یک مرتبه ۱۰ نفر از آن ها را به تیم اصلی اضافه کنیم. باید کم کم، شایسته های آن ها را به تیم اضافه کرد. اگر این کار کنیم به دیگر بازیکنان اصلی به خصوص در زمان تمرین، لطمه وارد می شود.

هیچ بازیکن سفارشی را به داخل زمین نمی فرستم

باور کنید هیچ بازیکن سفارشی را به داخل زمین نمی فرستم. اصلا اهل این مسایل نیستم. که سفارشی کسی را قبول کنم. از بازیکنانم شناخت دارم و از روی توانایی آن ها به آن ها بازی می رسد.

شرایط نیمه دوم بهتر شد

در برابر صبا، خط میانی یکی دو نفر جلو دفاع ما، خیلی خوب لو دادند. در بین نیمه به آن ها تذکر دادم که اگر به این کار ادامه دهید دچار مشکل می شویم. که در ۴۵ دقیقه دوم، مشاهده کردید که وضعیت و شرایط آن دو نفر هم بهتر شد.

اردو در تهران خواهیم داشت

در این تعطیلات چند روزه لیگ، اردویی در تهران خواهیم داشت تا بچه ها وضعیت شان از این که هست بهتر شود. در آن جا یک مهاجم خارجی به جمع ما اضافه خواهد شد که اگر انشاءالله باب میل ما بود یعنی در فکر ما جای داشت او را جذب خواهیم کرد.

روی سیستمی که صبا را شکست دادیم کار کرده بودیم

روی سیستمی که صبا را شکست دادیم کار کرده بودیم و اعتقاد داشتیم با این روش به نتیجه خواهیم رسید با این که اگر بچه ها پس از گل چهارم کمی حواسشان را بیشتر جمع می کردند. گل های بیشتری می توانستیم بزنیم.

«کی روش» را به بوشهر دعوت کردیم

کی روش را به بوشهر دعوت کردیم که بیاید بازی ما را تماشا کند. بازیکنان ما مثل وحید طالب لو، محسن حمیدی، محسن ایران نژاد و عباس پورخسروانی، لیاقت دعوت شدن به تیم ملی را دارند. ایشان باید یکسری به بوشهر بیاید و بازی آن ها را تماشا کند. باور کنید این بازیکنان که نام بردم لیاقت پوشیدن لباس تیم ملی را دارند.

با آمدن علی پروین ، انگیزه بچه ها بالا رفت

علی پروین خودش اسطوره فوتبال ایران است. چه استقلالی و چه پرسپولیسی و چه طرفداران تیم های دیگر او را دوست دارند. آمدن ایشان برای تماشای بازی ما با صبای قم، انگیزه بچه های ما را بالا برد.

این پیروزی را به هواداران بوشهری تقدیم می کنم

این پیروزی شیرین را به هواداران بوشهری تقدیم می کنم، می دانم که شاهین عضوی از زندگی آن هاست می دانم که بوشهری ها به شاهین عشق می ورزند. از خدا می خواهم من را در بوشهر موفق گرداند. تا همیشه شاهد پیروزی های این چنینی در شهرمان باشیم.

پشت دروازه فوتبال

فشفشه کنار درخشان

دقیقه ۳۵ پس از گل دوم از پشت سر نیمکت شاهین فشفشه ای به طرف درخشان پرتاب شد که درخشان یک دفعه جا خورد. یکی از عوامل هیئت فوتبال با خاموش کردن فشفشه درخشان را راحت کرد.

یاد رئیسعلی زنده نگه داشته شد



زمانی که تیم ها وارد زمین شدند، بنری بزرگ در دستان شاهینی ها بود که یاد رشادت های رئیسعلی دلواری را زنده نگه داشته بودند. این کار باعث شد شعار شیرم تنگسیر سر داده شود.

داور حیا کن

پس از اینکه داور بازی کارت زردی بی مورد به امجد شکوه مقام بازیکن شاهین بوشهر نشان داد تماشاگران شعار دادند داور حیا کن، داوری را رها کن...

تعویض طلایی



دقایق پایانی بازی میثم منیعی بجای منصور تنهایی وارد زمین شد. این بازیکن تازه وارد که در سمت چپ بازی می کرد پس از دقایقی با پاس خوب پورخسروانی چهارمین گل شاهین را به ثمر رساند. درخشان پس از این گل خوشحالی جالبی کرد. چون می دانست تعویضش طلایی بود.

پورخسروانی بهترین پاسورگل لیگ یازدهم

در پایان هفته پنجم لیگ برتر، عباس پورخسروانی با ساختن ۵ گل بهترین پاسور لیگ یازدهم است. پورخسروانی یک گل در مقابل پرسپولیس و ۴ گل نیز مقابل صبا ساخت و جالب اینکه شاهین فقط ۶ گل در این فصل زده است. سایر پاسورهای لیگ برتر که بیش از یک پاس گل داده اند، عبارتند از: ۵ پاس گل: عباس پورخسروانی(شاهین بوشهر) ۳ پاس گل: محمد ابراهیمی(تراکتورسازی) فرهاد مجیدی(استقلال)

کارنوال شادی پس از بازی



پس از پایان بازی شاهین و صبای قم که با پیروزی پر گل شاهین خاتمه یافت مردم بوشهر شادی کنان در سطح شهر چرخ می زنند و صدای بوق ماشین ها فضای شهر را پر کرده بود.

آقایان! لطفا شأن مدیر عامل شاهین را پایین نیاورید

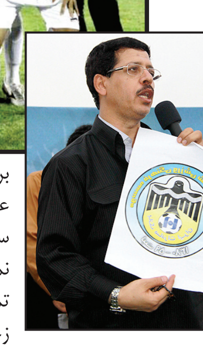
اسماعیل بهبهانی



پنجمین هفته لیگ برتر فوتبال ایران با پیروزی شاهین مقابل صبای قم همراه بود. در روزی که ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر میزبان اسطوره فوتبال ایران علی پروین بود، شاهین بوشهر با درخشش عباس پورخسروانی چهار بار توسط منصور تنهایی، محسن حمیدی و میثم منیعی دروازه تیم یکدست و قدرتمند صبا را باز کرد تا عبدالله ویسی اولین شکست خود را در بوشهر دشت کند.

در این بازی همه بازیکنان شاهین باانگیزه و متعصب به میدان آمدند و با تمام توان برنامه های حمید درخشان را اجرا کردند. اما نمایش بازیکنانی چون: طالب لو، نظرزاده، لک چیرا و پترووویچ بسیار چشمگیر بود و عباس پورخسروانی ستاره بی چون و چرای میدان بود. هزاران تماشاگر حاضر در ورزشگاه که با همدلی تیم محبوب خود را حمایت کردند هنگام تعویض پورخسروانی ایستادند و یک صدا او را تشویق کردند تا عباس با چشمانی که اشک شوق از آن می بارید به ابراز احساسات آنان پاسخ دهد. از تاثیر هواداران شاهین و رطوبت هوای بوشهر در کسب این پیروزی نمی توان گذشت تا شاهین در این دیدار از همه امکانات میزبانی استفاده کرده باشد.





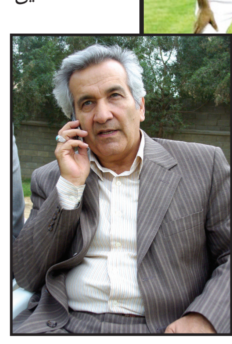
به غیر از باشگاه های پرسپولیس و استقلال که دارای هوادارانی سنتی در تهران و اغلب شهرهای کشور هستند باشگاه هایی مثل: تراکتور سازی تبریز، ملوان انزلی، صنعت نفت آبادان سپاهان اصفهان و شاهین بوشهر همه در شهرهای خود دارای هواداران بسیاری هستند که با عشق و علاقه ی وافری مسابقات تیم محبوب خود را دنبال می کنند.

برای هیچ باشگاهی در عرض یکسال و چند سال تماشاگر بوجود نمی آید بلکه حضور تماشاگر و هوادار نتیجه زحمات و تلاش سال های طولانی حضور افراد مختلفی اعم از بازیکن، مربی و مدیر است که منجر به ایجاد عشق و علاقه می شود. و این علاقه ی قلبی هوادار به باشگاه است که تماشاگران را در سرما و گرما و در حالیکه اغلب ورزشگاه ها از کمترین امکانات رفاهی هم برخوردار نیستند به استادیوم ها می کشاند.

علاقه ی قلبی نیز با وجود حلقه هایی که زنجیروار تماشاگر و باشگاه را به هم وصل می کند، مستحکم تر خواهد شد. مهمترین حلقه ی ارتباطی در هر باشگاه دارای هوادار، بازیکنان، مربیان و مدیران باشگاه می باشند. وجود بازیکنان بومی و غیر بومی که سال ها در کنار همدیگر در خدمت باشگاه بوده اند از مهمترین حلقه های این زنجیر است تا هوادار خود نیز حضور دیگر بازیکنان غیربومی و تازه وارد را در کنار آنان و برای بهبود شرایط و ترمیم ضعف ها پذیرا باشد.

حلقه ی مهم دیگر کادر فنی است که می بایست حتی المقدور از مربیان بومی و دارای سابقه ی روشن در باشگاه استفاده کرد و اما در خصوص مدیران باشگاه و بخصوص مدیرعامل، ضروری است که به جهت شناخت بهتر و بیشتر از شرایط اجتماعی- فرهنگی و ... سیاسی از مدیران لایق و بومی استفاده شود. شاهین بوشهر در هر سه حلقه ی فوق دارای اشکال است. اما حضور فردی غیربومی و بدون سابقه در فوتبال و یا حتی در ورزش مانند: بهمن دهقان که روشن ترین و مهمترین سابقه ی ورزشی او نمایندگی علی دایی در اختلافات او با باشگاه پرسپولیس است، چه توجیهی می تواند داشته باشد؟

آقایان عضو هیئت مدیره و بخصوص افراشته و گزی رئیس هیئت موسس بیش از هر کسی با شرایط استان و باشگاه آشنا هستند و می دانند که اگر تاکنون هواداران شاهین در قبال این انتصاب عکس العملی نداشته اند و ناظر هستند بدلیل نتایج خوب شاهین در هفته های آغازین لیگ است.



اما روزهای زیادی تا پایان راه باقی است و قطعا همیشه در بر روی یک پاشنه نخواهد چرخید و مسیر هموار نخواهد بود و روزهای سخت هم پیش روست و آن روز فردی مثل "بهمن دهقان" نخواهد توانست تماشاگر و هواداران معترض را آرام و امیدوار کند. در روزهای سخت است که تماشاگر بدنبال رضا بازیاری (به عنوان نماد بازیکنان بومی) و یا جانشین او در ترکیب خواهد گشت. در اوج مشکلات است که هوادار جای خالی اصغر کامیاب (با سالها حضور در شاهین) را خواهید دید.

آقایان مدیر و رئیس! تا دیر نشده حداقل در انتخاب مدیرعامل تجدید نظر کنید. از بین گزینه های هم استانی و لایق که در ورزش استان هم کم نیستند فردی را به عنوان مدیرعامل شاهین بوشهر انتخاب کنید و شأن این جایگاه را با انتصاب "نامه رسان علی دایی" پایین نیاورید.

علی دشتیاری پیشکسوت شاهین:

طالب لو تیم را خوب رهبری کرد



بازی شاهین مقابل صبای قم، از بازی های عالی شاهین بود. در واقع همه خوب بودند. درخشان خیلی خوب تیم صبا را آنالیز کرده بود این بازی در قیاس بازی های گذشته بسیار متفاوت بود. چون شاهین واقعا شاهینی بازی کرد. تماشاگران هم سنگ تمام گذاشتند و نود دقیقه شاهین را تشویق کرد. به نظر من اگر شاهین تمام بازی هایش این طور بازی کند. تیمی جلو دارش نخواهد بود. چون شاهین تمام اصول و قواعد بازی را رعایت کرد. به عقیده بنده پورخسروانی از همه بازیکنان بهتر بازی کرد. پس از آن وحید طالب لو تیم را خوب رهبری کرد و خوب کار کرد.

رسول حسن پور مربی اسبق شاهین:

شاهین وسط زمین خوب بسته بود



شاهین بازی خوبی را به نمایش گذاشت به خصوص در بخش ضد حمله، صبای قم هم که تا هفته گذشته صدر جدول را مال خود کرده بود. اسیر هنرنمایی های شاهینی ها شد. البته اکثر تیم هایی که در این هوا به بوشهر می آیند. تا دقیقه ۶۰ بیشتر طاقت نمی آورند. شاهین وسط زمین خوب بسته بود و روی همین اصل نمی گذاشت بازیکنان صبا، کاری انجام دهند. در این دیدار طالب لو و پورخسروانی از بهترین های شاهین بودند. پورخسروانی نشان داد که چه قدر بازیکن موثر و با گذشتی است. در مجموع شاهین بازی خوبی از خود به نمایش گذاشت، امید است این روند پیروزی تداوم داشته باشد. ولی باید قبول کرد شاهین ذخیره ی خوب ندارد. به خصوص در خط حمله.

عزیز افتخاری ورزش نویس:

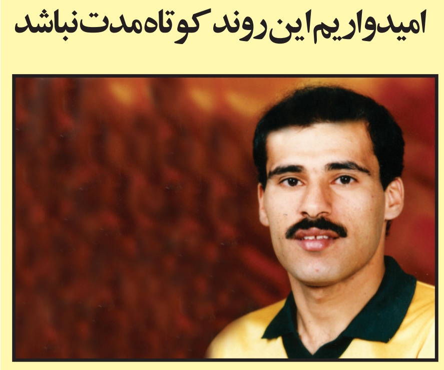
بازی شاهین خوب بود



شاهین از ثانیه اول برای صبا، خط و نشان کشید و گل های خوبی را به ثمر رسانید. به نظر من همه بچه های شاهین خوب بازی کردند. اما عباس پورخسروانی ستاره زمین بود. با این که دیگران گل ها را به ثمر می رساندند اما پاس های او کمر تیم حریف را شکست . امیدوارم شاهین در دیگر دیدارها هم همین طور پرقدرت ظاهر شود. از تماشاگران گرامی، می خواهم تا بازی شروع نشده خودشان را خسته نکنند. چون تیم شاهین به شارژ روحی از طرف آن ها در طول نود دقیقه نیاز دارد. امید است در آینده نزدیک خط حمله شاهین تقویت شود تا شاهد بازی های امیدوارکننده از آن ها باشیم.

عبدالرضا ملاح زاده پیشکسوت شاهین :

امیدواریم این روند کوتاه مدت نباشد



وقتی شاهین این نتیجه خوب و با کیفیت را از صبا کسب کرد واقعا لذت بردم که بچه ها این همه توانایی دارند. امیدوارم در بازی های آتی هم همین طور روند رو به رشد را ادامه دهند. یک مقدار اشکال کار در جلو خط دفاع وجود داشت که نیمه دوم وضعیت بهتر شد. اگر شاهین ذخیره هایش در سطح مهر های اصلی اش شود، شاهین تیم یک دستی خواهد شد. چون وقتی تیمی وارد مسابقات لیگ می شود و یک دست باشد آن وقت کسی یا تیمی جلودارش نخواهد بود. امیدواریم این روند کوتاه مدت نباشد.

بهمن دهقان سرپرست باشگاه شاهین

روی برد شاهین خیلی خوش بین بودم



من روی برد شاهین خیلی خوش بین بودم، پیش خودم می گفتم که صبا را با دو گل شکست می دهیم. بچه ها در این بازی نشان دادند که لیاقتشان بسیار بالاست. با این که صبا هم بازی خوبی از خود به نمایش گذاشت. اما بچه های ما با یک بازی منطقی و اصولی آمار صبا را در بوشهر یکسره کردند. در آینده نزدیک، یکسری کارها در خصوص لیدرها داریم که آن ها شرایط شان بهتر شود و کانون هواداران و لیدرها در یک مسیر گام بردارند در این تعطیلات چند روز تیم شاهین در کرج، یک اردو برپا خواهد کرد تا از لحاظ هماهنگی به شرایط بهتری برسند.